ژوندون

















دافغا نستان دخلك ددمو كراتيك‌گوند دمركزى كميټى عمومى منشى‌اودافغا نستان ددموكراتيك جمهور يت دانقلابى‌شورا رئيس ببرك‌كارمل دمركزى كميټى په مقركى د گوندغړيتوب د كار تو نو د ويشلو پـه‌غونډه‌كى دخپلو وينا په‌حال كى.

اختصار وقايع

سهم هفته

دافغا نستا ن دخلك د موكراتيك گو ند د مر كز ى كميتى د عمومى منشى او دافغا نستا ن ددمو كراتيك جمهوريت دانقلا بى شو را د رئيسه هيات د صد ر ببرك كارمل لـــه منظورى ورو سته د ځينو قوانينو دضميمو د تصو يب په باب دانقلابى شو را د رئيسه هيا ت يو شمير فر مانونه په رسمى جر يده كى خپار ه شو يد ى .

* * *

دافغا نستا ن دخلك د موكراتيك گوند د مر كز ى كميتي عمو مـــى منشى او دافغا نستا ن د دموكراتيك جمهوريت دانقلا بى شو را رئيس ببرك كارمل دجد ى په ۲۰ نيتـه دافغا نستا ن د خلك د مو كراتيك گو ند دغړ يتو ب كار تو نه دگوند دمر كز ى كميتى په اصلى او على‌ـ البد ل غړ و كار گرا نو بز گرا نو او دارد و او ښار ندو ى دسر تيرو ښو و نكو ا ومحصلا نو پر استا زو باند ى دد رندو مرا سمو په تر څ كى د مر كز ى كميتى په مقر كى وو يشل .

* * *

ببرك كارمل منشى عمو مى كميته مركزى حزب د مو كرا تيك خلـق افغا نستا ن و رئيس شـو را ى انقلا بى جمهورى دمو كرا تيـــك افغا نستا ن عصر روز ۲۰ جد ى‌عدهٔ از نما يند گا ن بز رگا ن موسفيدان



ببرك كارمل هنگام صحبت بـا نماينـد گـا ن و موسفيدان مـردم زحمتكش ولسوالى اندخوى و لايت فارياب درقصر شوراى انقلابى



ببرك كارمل دكار گرانو يوه تن كارگرته د گوند د غړيتوب د كـارت دوركولو پـه‌حال‌كى



ببرك کارمل هنگام مصافحه بایکی ازموسفیدان ولسوالی اندخوی

و زحمتکشا ن و لسوا لی اندخوی ولا یت فا ریا ب را در قصر گلخانه مقر شو را ی انقلا بی پذ یرفته و در فضا ی نها یت دو ستا نـه وبرا در انه با ایشا ن صحبـت کردند .

* * *

د افغـا نـستان د خـلـك دمو کرا تیك گو ند د مر کز ی کمیتی د سیا سی بیرو غړ ی او دوزیرا نو د شو را رئیس سلطا ـ نعلی کشتمند د جد ی په ۲۹ نیټه دوزیرا نو د شو را په مقر کی په کا بل کی دهند د جمهو ریت لـه نو ی لو ی سفیر جو تند رانا ت دیکست سر ه د پیژ ند گلو ی کتنه وکړ ه .

* * *

هفد همین سا لگرد انقلا ب ساز ـ ما ن آزاد ی بخش فلسطین با قرائت پیام ببرک کارمل منشی عمو مـی کمیته مر کز ی حزب د مو کراتیك خلق افغا نستا ن و رئیس شو رای انقلا بی جمهوری د مو کرا تیـك افغا نستا ن که عنوا نی یا سـر عرفا ت قو ما ندا ن عمومی قو ای انقلا بی فلسطین و رئیس کمیتـه اجرا ئیه سا زما ن آزاد ی بخش فلسطین صا در شد ه است توسط عبد ا لمجید سر بلند معاون شورای وزیرا ن ووزیر اطلا عا ت و کلتو ر رو ز ۲۰ جد ی طی مرا سمـــی در کا بل ننداری تجلیل گردید .

* * *

مد یر یت اطلا عا ت و نشرات وزا ر ت امو ر خا ر جه خبـــر مید هد ا ز طر ف ببرك کارمـل منشی عمومی کمیته مر کز ی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستا ن و رئیس شو را ی انقلا بی جمهوری دمو کرا تیك افغا نستا ن اگریمان داکتروا سلا و کو با به حیث سفیر کبیر ونما یند فو ق العاده جمهوری سو سیا لیستی چکو سلوا کیا در جمهوری د مو کرا تیك افغا نستان که از طر ف دو لت آ ن کشو ر مطا لبه شده بود اخیرا صا د ر گردید ه است .

* * *

سو مین پلینو م کمیته مر کزی سا زما ن دمو کرا تیك جوا نا ن افغا نستان قبـل از ظهر ۲۴جدی ضمن مرا سمی بـــا پخش سرو د بین المللی جوا نا ن د ر تا لا ر لیسه اما نی گشا یش یا فت .

نور احمد نو ر عضو بیر و ی سیا سی و منشی کمیته مر کز ی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان نخست سلا مها و تمنیا ت نیـك ببرك کارمل منشی عمومی کمیتـه مر کز ی ح.د.خ.ا و رئیس شو رای انقلا بی را به اشترا ك کنند گا ن پلینوم رسا نید ه در ار تبا ط به کار و فعا لیت سا زما ن دمو کراتیك جوا نا ن افغا نستا ن مطا لـــب مفصلی بیا ن نموده گفت : پلینو م شما در شرا یطی دا یر ا ســت که حزب پر افتخار ما به امر بزرگ تا ریخی یعنی تدو یر کنفرا نس سر تا سری آمادگی میگیرد. نقش این کنفرا نس از ین جهت نیــز دا را ی اهمیت به سزا یی ا ست که کنفرا نس وظایف جد ید ی را در برابر ما قرار داد ه و اتحادویك پارچگی مردم ر ا بـدور حـــزب دمو کرا تیك خلق افغا نستا ن تامین خوا هد نمود .

* * *

د سو دا گر ی وزیر محمد خان جلا لر د یو لړ خبر وا تر و او د افغا نستا ن دد مو کرا تیــــك جمهوریت د سو دا گری دوزا ر ت او د شو رو ی اتحاد د مر بو طو مو سسو تر مینځ دما لو نو دتبادلی دپرو تو کو ل د لا سلیك لپا ره دجد ی په ۲۰ نیټه هغه هیواد تـه لاړ .





نور احمدنورعضو بیروی سیاسیو منشی کـمیته مرکزی ح.د.خ.ا.حین ایراد بیانیه درسومین پلینوم کمیته مرکزی س. د.ج. افغا نستان

پیک ژوندون

«مردم کشورما باهم بسیج شده ودرراه مبارزه برحق شان پیروز شدنی هستند وعالی‌ترین ومقدس‌ترین وظیفه حزب‌واعضای رزمنده آن خدمت بمردم زحمتکش افغانستان می باشد»

ببرک کارمل

شنبه ۲۶جدی۱۳۶۰، ۱۶جنوری ۱۹۸۲

همبستگی مردم باحزب و دولت انقلابی ما

این یك حقیقت آشکار و انکار ناپذیر است که دولت های مردمی بخاطر رفاه‌و خوشبختی توده های مردم و زحمتکش جامعه گام بر میدارند و در هر پلان و مرام وعمل شان فقط و فقط اکثریت خلقهای رنجبر جامعه مورد نظر بوده و هدف اساسی شانرا بهبود حیات توده ها تشکیل میدهد برخلاف دولت های غیرمردمی نه تنها بخاطر توده‌های محروم جامعه نمی اندیشند بلکه به فکر در بندکشیدن و استثمار هرچه بیشتر آنها و در اندیشه تغذیه‌از خون خلقها و زحمتکشان بوده‌ویگانه هدف و مرام شانرا حکمروایی ، عیاشی وفاپیدن توده ها تشکیل می دهد .

حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان (حزب طبقه کار گر و همه زحمت ـ کشان کشور) که ۱۷ سال قبل بخاطر رهایی خلقهای زحمتکش کشور از بنداسارت و تظلم رژیم های غیر مردمی سلطنتی و وابسته به ارتجاع فیودالی تاسیس کردید از همان روز های نخست‌یگانه هدف و مرامش را خدمت به اکثریت‌توده های رنجدیده و خلقها ی زحمتکش کشور تشکیل میداد که بخاطر‌تحقق این آرمان بزرگ وانسانی بصورت پیگیر و بی هراس مبارزه کرد و درشرایط بس دشوار و مختنق‌سیاسی بخاطر تامین حقوق سیاسی ـ اجتماعی و تامین عدالت اجتماعی در تحت فشار و ضربات استبداد سیاه سلطنتی به کار و پیکار انقلابی ادامه داد .

باپیروزی انقلاب ثور که قدرت سیاسی به‌زحمتکشان کشور و به نمایندگی از آنها به ح .د. خ . ا حزب طبقه کار گر و تمام‌زحمتکشان کشور انتقال کرد زمینه خدمت به توده های میلیونی‌کشور وتحقق ارمانها ی دیرین‌انها مساعد گردید . حزب و دولت انقلابی ما باطرح پلان هاو پروگرام های نافع وعلما تنظیم شده در جهت خدمت صادقانه بمردم بخاطر رفاه و خو ـ شبختی آنها و اعمار یك افغانستان نوین ، آزاد وسر بلند عملا گام های سودمند وانقلابی را برداشت و علی الرغم مخالفت ها توطئه ها ـ دسایس تخریبات و مداخلات

بیشرمانه نیرو های ارتجاعی‌وضد انقلاب که توسط ارتجاع منطقه هژ ـ مونیزم وامپریالیزم حمایت‌وپشتیبانی می گردد و امپریا لیزم جهانی در راس امپر یالیزم جهانخوار امریکا که جنگ اعلام ناشده را علیه مردم وکشور مابراه انداخته است باز هم پیروز یهایی بیشتر و بیشتر ی در جهت تحقق و عملی شدن اهداف مردمی حزب و دولت انقلابی ما نصیب دولت مردمی ما می گردد و حزب ودولت مترقی مابیشتر و وسیعتر در بین توده ها نفوذ نموده واز حمایت وپشتیبانی آنها بر خور دار گردیده واعتماد و اطمینان مردم روز بروز به‌حزب و دولت انقلابی مابیشتر میگردد .

اگر چه ارتجاع وامپر یالیزم با بکار بردن نیرنگها ، تحریکات و تبلیغات زهرا گین‌می کوشند تا بین حزب ودولت از یکطرف و خلقها ی زحمتکش ما از جانب دیگر فاصله ایجاد نموده توده های وسیع زحمت کشان مارا از دولت مترقی شان بدور نگهدارد مگر هیچگونه موفقیتی در این زمینه حاصلش نمی گردد زیرا امروزدیگر مردم‌شرافتمند مابخوبی اهداف نیك حزب و دولت انقلابی شانرا درك نموده و دوست را ازدشمن تفکیك نموده اندو هر روزی که می گذرد همکار ی و هم ـ بستگی مردم باحزب و دولت شان بیشتر و محکمتر می گردد.چنانچه اشتراك و سهمگیری توده های‌مردم در کار داو طلبانه در روز دوستی و همکاری متقابل که به پیشواز کنفرانس سر تاسری ح . د . خ .ا به ابتکار کمیته حزبی شهر کابل براه انداخته شده بود یکبار دیگر این ادعای مارا ثابت می سازد چه‌مردم شرافتمند مادر این روز بدرخواست کمیته حزبی شهر کابل لبیك گفته و بصورت متشکل ویکپار چه از طریق‌سازمان های حزبی واجتماعی ـ جبهه ملی پدر وطن ـ قوای مسلح و خارندوی هم بطور آزاد و داو طلبانه در کارهای عامه ازقبیل پاکسازی و تسطیح سرك‌هاو کوچه ها ـ رساندن مواد امدادی به محتاجان وارسی ازمر ـ یضان درخانه هاو شفا خانه ها و غیره‌سهم گرفته وعملا وحدت‌ویکپا ـ رچگی شانرا با حزب و دولت‌انقلابی شان به اثبات رسانیدند .

تدویر چنین کار های داو طلبانه وسهمگیری توده های وسیع مردم درآن همچنان این واقعیت انکار ناپذیر رابه اثبات می رساند که از یکطرف حزب و دولت و مردم با هم اند واز جانب دیگر حزب و دولت خدمتگذار توده‌های مردم‌بوده وجز خدمت صادقانه به خلقهای زحمت ـ کش و رفاه وخوشبختی آنها و پیشرفت و آبادی وطن محبوب مان افغانستان انقلابی هدف و مرام دیگری ندارد .

اشتراك و سهمگیر ی مردم مادر کار های داو طلبانه مشت کوبنده دیگری بود که بر فرق ارتجاع و امپریا لیزم و تمام دشمنان قسم خورده خلقهای زحمتکش ما فرود آمده و نشان دادکه هرگونه تلاش های تب آلود و هستریك ارتجاع و امپریالیزم و هژمونیزم در جهت تفریق و پراگنده ساختن مردم و ایجاد فاصله بین مردم و دولت نقش برآب می باشد زیرا امروز مردم ، حزب و دولت متحد ویکپا ـ رچه اند و در راه اعمار یك زندگی مرفه‌و آبرو مند وساختمان یك افغانستان آباد ، آزاد و سر بلندبه کار و پیکار سازنده و انقلابی خود ادامه میدهند .

در این شماره

یکماه بعد از اعلام حالت اضطراری در پولند

تقریبا یکماه قبل حالت اضطراری در پولند اعلام گردید . اوضاع طی این مدت بهبودی قابل ملاحظه را نشان میدهد. به طور مشخص افکار عامه در پولند به تدریج با ضرورت اعلام حکومت نظامی همنوایی بیشتری می یابد .

شرایط در فابریکات اعاده‌گردیده و با بهتر شدن اوضاع از قیودات حالت استثنایی کاسته شده وامیدواری برای حل سیاسی و دموکراتیك در این کشور اوج میگیرد دلایل عینی و ذهنی وجود داشت که باعث‌ایجاد بحران در این کشور گردید .

از جمله باید اشتباهات عظیم رهبران سابق حزب و دولت‌پولند راکه بعضا باعث نقض قوانین عام اعمار جامعه سوسیالستی گردید ، تذکر داد . همچنان‌اشتباهات در مورد کم بها دادن به‌توانایی اقتصادی خود کشوروپیش بینی های نادرست در زمینه‌روابط اقتصادی بین المللی رخداد .

در چنین شرایط ، نیروهای مخالف با گرایش های‌سیاسی مختلف و حتی عناصر آشکارضد سوسیالیستی و ضد انقلابی تقویه می گردیدند . این نیروها از تشویق ، تبلیغ و حتی کمك های وسیع مادی از طرف محافل ارتجاع داخلی و بین المللی برخوردار میشدند .

فشار روز افزون که توسط نیروهای ضد سوسیالیستی برای زمینه سازی برخورد حتمی واردگردید مقاصد زیادی رادر بر داشت :

-نفی روند اعمار جامعه سوسیالیستی در پولند وایجاد تردید برای دست یابی به سوسیالیزم در بین طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری .

-تلاش برای تضعیف و بر هم زدن اتحاد دفاعی کشورهای‌سوسیالیستی و اخلال شورای‌تعاونی اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی .

-یکی از مقاصد دیگر مانور امپریالیزم در پولند وارد نمودن ضربه به اتحاد شوروی وموقف آن به مثابه نیروی عظیم جهان سوسیالیستی بود .

درمیانه سال ۱۹۸۰ موقعیکه بحران در پولند وسعت گسترده یی به خود کسب نمود ، حزب متحده سوسیالیستی پولندمعتقد برآن بود که باعتراضات برحق طبقه کارگر مواجه است و بدین منظور سیاست نرمش در مقابل کارگرانی که دست به اعتصابات‌و تظاهرات‌میزدند عملی گردید. حزب با ایجاد اتحادیه های آزاد و مستقل همبستگی موافقه نمود و کوشش ورزید تا ازنیروی اعضای این اتحادیه در جهت‌اصلاح اشتباهات استفاده شده وبرفع بحران اقتصادی و اجتماعی اینه به وجود آمده بود نایل گردد .

با وجود تلاشهای پیکیر حزب، اتحادیه «همبستگی » ازماهیت سندیکایی اولیه خود انحراف کرده و در سطح رهبری این جریان با وجود درگیری مشاجرات زیادی بین گرایش های‌مختلف ، پلان سرنگونی دولت سوسیالیستی طرحریزی گردید .

توده های کارگری که عضویت این اتحادیه را داشتند فریب سیاست مداران ماجراجو و نماینده های آشکار ضد انقلاب را خورده و نقش شان در تصامیم رهبری ناچیز گردیده بود .

درین مرحله حزب متحده‌سوسیالیستی پولند پروگرام وسیع ریفورمهایی را که بایست‌موجب تحولات و اعاده دموکراسی سوسیالیستی میگردید مطابق خواسته های توده های وسیع آنکشور بود رویدست گرفت.

ولی رعبران «همبستگی »باپیشنهادات غیر مسوولانه و برخورد تهدید آمیز خود همچنان ادامه میدادند . آنها به موج‌اعتصابات به بهانه های گوناگون دامن زده و در سرنگونی دولت، ایجاد انارشی سیاسی ، سقوط اقتصادی و حتی در این اواخر تمایلاتی از قبیل انفجار ساختمانهای حزبی و مراکز تولیدی را در سر می پرورانیدند .

بالاخره موقع فرارسید که دیگر ادامه دیالوگ با «همبستگی» امکان پذیر نبود . افراطیون «همبستگی »آغاز مرحله مبارزه آشکار را بر علیه حاکمیت مردم حتی‌با خطر وقوع جنگ داخلی اعلام نمودند .

در نتیجه دامن زدن ، انارشی، برهم زدن روز افزون اقتصادی و جهات اساسی زندگی اجتماعی فلج شدن فعالیت های ارگانهای اداری دولتی ، پولند به جنگ برادر کشی حتمی سوقداده میشد .

اعلام حکومت نظامی در پولند گام قاطع برای احیای تدریجی زندگی اجتماعی -اقتصادی ونفی بحران در آنکشور بوده و مانع ایجاد یك بحران بین المللی با استفاده از «مساله » پولندگردید وشرایط برای حل پرابلمهای پولند توسط خود مردم آنکشور مساعد گردید . /

از حقیقت انقلاب ثور

مصاحبه یی با پوهاند دکتورمحمد ابراهیم عظیم وزیر صحت‌عامه

باگام های استوار به سوی تعمیم صحت

بخش دوم

– از نظر شما عمده ترین خدمات طب وقایوی وبخش اپیدمیالوژی و سنتیزی آن که به اجرا آمده است شامل چه نکاتی می‌گردد ؟

– در بخش ارگانیزاسیون ما علاوه از گشایش استیشن مرکزی اپیدمیالوژی و دیپارتمنت های کنترول امراض ساری ، میکرو بیولوژی ، کیمیاوی تحلیلی، سنتیزی ومعافیت کتلوی در چوکات ریاست طب وقایوی آمریت مرکزی تعلیمات صحی و نشرات را نیز در همین چوکات به وجود آوردیم ودو استیشن حوزه وی اپیدمیالوژی را در بلخ و ننگرهار گشایش دادیم.

تاسیس لابراتوار توکسیکولوژی در طب وقایوی و گشایش دو اتاق انتانی در پولی کلینیک مرکزی و کلینیک شهری کار مندان واجیران نیز در شمار همین گونه فعالیت هاست .

به همین ترتیب وقایه و کنترول‌امراض، حفظ الصحه محیطی ، تربیه پرسونل و تعلیمات صحی به وسیله شعب مسوول آن به اجرا آمده است که اگر بخواهید ارقام آنرا از ریاست طب و قایوی به دست آورده می‌توانید .

–یکی از مشکلات بسیار اساسی در زمینه های مربوطه صحت عامه کمبود ادویه دربخش ادویه جنریك و بیشتر اقلامی است که ارزش حیاتی دارد ، به عنوان مثال در فصل تابستان که مصرف انواع سیروم ها زیاد میگردد این دوا کمیاب وگاه نایاب‌است و فراوان دیده شده است که بیمار داری برای اجرای نسخه اش از یك‌شعبه فروش ابن سینا در ملخی به شعبه دیگر آن سر گردان شده وبالاخر نیز دوای مورد ضرورت خود را نیافته است .

از سویی دیگر برخی از اقلام دوا درابن سینا در ملخی گرانتر از قیمت همان دوا در بازارآزاد است در این مورد از کپسول «سولپراید» به عنوان مثال یاد آور میکردم که ابن سینا در ملخی آنرا فی کپسول هشت افغانی ودر بازار آزاد سه افغانی فروش میگردد .

با توجه به اینکه جنریك شدن ادویه درواقع مجالی است به‌اینکه از سویی ادویه به قیمت ارزان به دسترس همگان قرار گیرد واز سوی دیگر کمبود اقلام ادویه موردنیاز از میان برود شما این مشکلات را چگونه حل میکنید و ابن سینا در ملخی چه طرح ها را برای تعمیم این هدف در دست اجرا دارد ؟

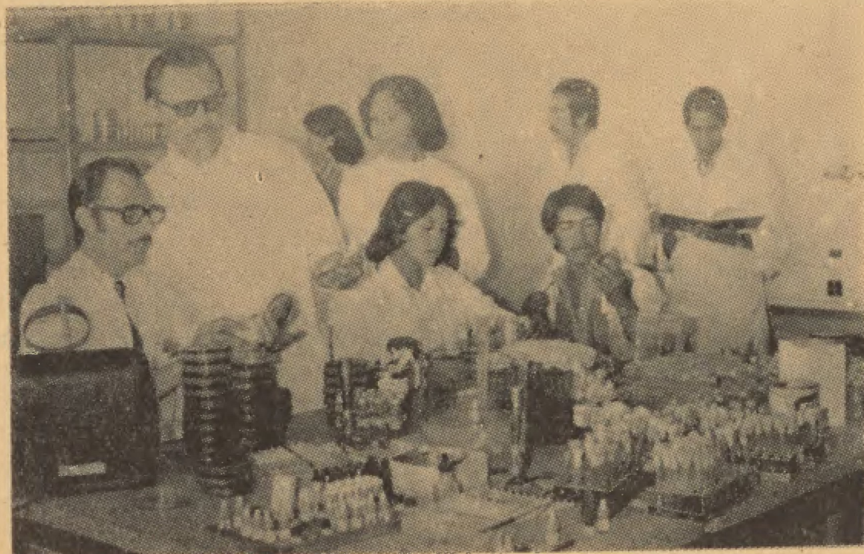
–بدون شك این مشکلات گاه‌به گاه رخ مینمایاند ولی ثبات‌ندارد



درطب دندان خدمات معالجوی ووقایوی به اشکال مدرن آن دوام دارد.

تلاش ما بر این است که مشکلات مردم در زمینه امور دوایی کاملا رفع گردد و در این زمینه فعالیت هایی به اجرا آمده و فعالیت های دیگری نیز در دست اجرا است .

برای حل و رفع مشکل کمبود ادویه و کمك به بیماردارا ن کشور حجم تورید ادویه نسبت به سال های پیش افزایش داده شده و در نه ماه امسال ما در حدود یکصد و هشتاد و نه‌میلیون و چار صد و هشتاد و شش هزار و سیصد و شصت و شش افغانی که‌معادل به سه میلیون و هفتصد هزار و ونهصد و شش دالرمیشود ادویه را از کشور های اتحاد جماهیر شوروی ، پولیند، بلغاریا، هنگری ، آلمان دموکراتیك ، یوگوسلاویا ، هندو غیره تورید نموده ایم هم چنین برای اینکه در پهلوی تورید بخش تولید را انکشاف داده و زمینه های خودکفایی به مرور فراهم آید باوجود مشکلات فراوان فنی و کمبودمواد



لابراتوار های طب وقایوی مجهز به‌تمام وسایل مورد نیاز است



در شعب معافیت کتلوی ضمن‌آنکه واکسینا سیون علیه امراض‌کشنده صورت میگیرد به مادران آگاهی تعلیمات طبی نیز داده‌میشود

خام دابن سینا در ملخی مو فق شد ه است بیشتر از هجده‌میلیون وهفده هزار تا بلیت ، بیش ا ز یکصد و بیست و یك هزار شربت های تر کیبی ، دو هزار و پنجصد و هشتاد لیتر تینچر ، نه هزا رو پنجصد و نو د لیتر الکو ل طبی دو هزار و پنجصد و شصت و سه لیتر محلول بنز ل کو نیوم کلو راید و دواز ده هزار وسیصدو بیست‌وسه لیتر آب مقطر راتو لید کند .

با تو جه به اینکه رفع نیا ز-مند ی کمبود سا ما ن و آ لا ت طبی نیز در شما ر وظا یف ابن-سینا در ملخی است این مو سسهٔ تا کنو ن یکصدو هشتاد و دومیلیون و ششصد و هشتاد و سه هزا رو هشتصدو بیست و دو افغا نی را سا ما ن آ لا ت‌طبی به فر و ش ر سا نید ه است برای رفع سر گر دا نی مرد م در ج ریا ن سا ل روا ن سه مر کز فروش اد ویه را نیز در پهلو ی شعب سا بق گشا یش داد یم وباز هم به تعداد این گو نه دوا خانه ها افزا یش خوا هد آمد .

-در آخر ین سا ل پیش ازانقلاب تعدادی شفا خا نه ها ی منطقو ی که قرا ر بود به صور ت مد ر ن و سو پر مدر ن اعما ر گر دد د ر بر خی از و لا یا ت کشور ز یر سا ختما ن قرا ر دا شت ، با تو جه به اینکه با پیروز ی انقلا ب کشور ها ی امپر یا لیستی که گو یا تمو یل این پرو ژ ه ها رابه عهده گرفته بودند از انجام‌تعهدات خود با ز ایستادند نا چار با ید برای تمو یل برنا مه ها مدا ر ك تا ز ه پو لی در نظر گر فته میشد- آیا شما موفق شده ا ید ا ین مدا ر ك پو لی را تهیه کنید دراین صورت اکنو ن کار این پرو ژ ه‌ها درچه مرحله یی قرار دارد و برای تکمیل این پرو ژ ه ها چه اقدا ماتی در د ست اجرا است ؟

-با سا س پلان های انکشا فی دو لت در سکتو ر صحی اعما رپنج شفاخانه منطقو ی پیش بینی شده است (شفا خا نه ۲۰۰ بسترهرا ت-۲۰۰ بستر ننگر ها ر - ۲۰۰ بستر مزار شر یف - ۲۵۰ بستر کند هار و۲۰۰ بستر قند ز) .

از جمله پنج پرو ژ ه متذ کر ه کا ریك پرو ژ ه آ ن تکمیل و در سال ۱۳۵۷ شروع بهره بر-دا ری نمود ه است که عبا ر ت‌از شفا خا نه منطقو ی قند ها ر است.

کار شفا خا نه دو می (ننگرهار) تا حا ل ۹٦ فیصد پیشر فت کرده وا لی اخیر سا ل جا ر ی ۱۳٦۰ تکمیل میگر دد .

امو ر سا ختما نی شفا خا نه سو می (هرا ت) با ندا زه ۸۰فیصد پیشر فت نموده و در نظر است در سا ل ۱۳٦۱ بپا یه تکمیل برسد .

کار شفا خا نه منطقو ی (قندز و مزار شریف) تا حا ل شرو ع نگر د یده و بامیسر شد ن‌امکانات ما لی شرو ع می گردد. برای شفا-خا نه منطقو ی قند ز منا بع مالی (کمك خا ر جی) میسر میبا شد و از قر ضه ۹ ملیو ن رو بل اتحاد شو رو ی تمو یل میگر دد .

اما کمك خا ر جی برای شفا خانه مزار تا حا ل میسر نشده .

-در مورد شفا خانه معتا د ین تر یا ك بد خشا ن با ید متذ کر شد که نقشه ها ی شفا خانه وسایر مسا یل مقدما تی آ ن آما د ه‌است-از تما م د ستگاه ها ی ساختمانی دو لتی خوا هش شد تا ا فر خود را در زمینه ارسا ل کنند - سا یر د ستگا ه ها معذ ر ت خوا-ستند صر ف د ستگاه ساختما نی وزا ر ت آب و بر ق حا ضر شد که افر بد هد - با و جود یکه افر شا ن بلند بود و زار ت صحت عامه آنرا قبو ل نمود و لی حین امضا ی قرا ر داد د ستگاه مذ کور معذ ر ت خوا سته و نسبت‌مشکلات محیطی و عد م امکا ن رسا نید ن مواد ساختمانی پر سو نل فنی به فیض آبا د به مشوره کمیته دولتی پلا نگذا ر ی امضا ی قرا ر داد آ ن معطل شد (الی میسر شدن زمینه ار سا ل مواد و مسا عد شد ن زمینه شرو ع کار) .

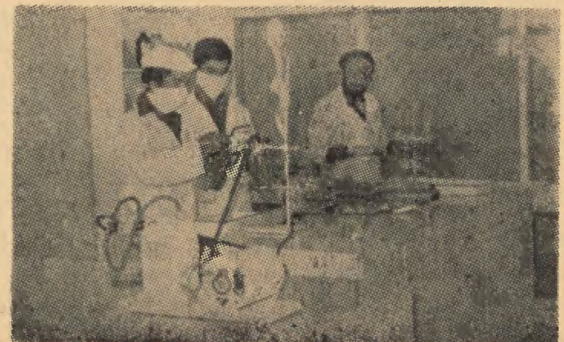
-نقشه تعمیر اسا سی تا هنوز شروع نشد ه و بوزارت فوا یدعامه تحر یر شده که هر چه زود تر آنرا شرو ع و پو ل حق الز حمه خودرا تحر یر دارند . احتما لا ع (د رصور ت تهیه نقشه ها) کار سا ختما نی تعمیر اسا یشگا ه بظر فیت یکصد بستر در سال ۱۳٦۱ شرو ع گر دد .

-به صور ت فشرده تو ضیح فر ما یید که در بخش امور معا-لجو ی بعداز پیروزی انقلاب چه کار هایی به انجا م آمده و برای ا ز میا ن بر دا شتن مشکلا ت کمبود بستر و گستر ش سا حه خد مات معا لجو ی چه پرو ژ ه ها یی را به کا ر گر فته اید ؟

-بعد از انقلاب ثور وزا رت‌صحت عا مه در سا حه طب، معا لجو ی خدمات آ تی را انجا م داده است که بطور فشر د ه قرا را تی تو-ضیح میشود :

۱- تکمیل امور سا ختما نی - تجهیز و تد و یر رو غتو ن حوزوی کندها ر بظر فیت ۲۵۰ بستر حاوی سرویس ها و شعبا ت مختلفه طبی و صحی - پو لی‌کلینیك‌شهری تعمیر اکسر یز و سرو یس تو بر کلوز .

بقیه در صفحه ۵۵



بخشی از واکسین های موردنیازدرشعب تهیه واکسین تهیه وآماده می‌گردد

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

مسایل: سیاسی ، اجتماعی وخانوادگی وفرهنگ وهنر دربوتهٔ نقد وانتقاد

دشواری‌های همگانی مردم در زمینهٔ مسائل ترافیکی و ترانسپورتی

طرح وتنظیم : رووف راصع
حکم : راجلـه راسخ خرمی

درین جدل :

۱ــ سمونوال احمدعلـی احمدیـار رئیس تـرافیك .
۲ــ سمونمل عبدالبصیر شهپر معـاون ریاست ترافیك .
۳ــ سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیك شهرکـابـل .
٤ــ محرم علی معاون شاروالی کـابـل .
٥ــ سمونمل عبدالباقی آمـرپلان ریاست تـرافیـك .
٦ــ غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام‌های ملی بس .
۷ــ احمد غـوث زلمی ژورنالست .
شرکـت داشتنـد .

پیوسته بگذشته

جاده در همان محل به وجود میاید ، ازاین نظر من فکر میکنم موجودیت پارکینگ هادر نقاط مزدحم شهر یك امر ضروری و حیاتی پنداشته میشود •

مشکل دوم این است‌که‌ساحه یی که برای یك ایستگاه در نظر گرفته شده با شرایـط کنونی و فشارزیادترافیك جاده برابری‌نمیکند وبسیار خرد مینماید ، به عنوان مثال اگر ایستگاه های پل باغ‌عمومی و مقابل فروشگاه رادر نظر بگیریم هر یك از این ساحه ها ایستگاه چندین لین ملی بس میباشد وبه‌همین دلیل بیش ازده عراده سرویس در هریك آن توقف دارد ، در حالیکه گنجایش این ساحه ها که با نظر داشت‌شرایط ترافیکی چند سال پیش در نظر گرفته شده بسیار کمتراز فشار ترافیکی است که در آن وجود دارد • به این دلایل یکی از مسایلی که باید زود تر برای آن فکری بشود تجدید نظر درباره ایستگاه های مزدحم و خطوط شهری و محل توقـف سرویس هایی است که در لین ها فعالیت دارند •

سومین مشکل سایبان نداشتن اغلـب ایستگاه های سرویس است که جداً برای مردم ناراحت کننده است ، در نظر بگیریم همشهری ما که‌ناچار است‌دقایقی رادرایستگاه در انتظار سرویس بماند در روز های گرم تابستان از سوزندگی تابش آفتاب در عذاب استو در زمستان از ریزش برف وباران

وبه نظرمن شاروالی کابل باید در رفع این مشکل تجاویزی بگیردو حداقل برای ایستگاه های مزدحم شهر سقف بسازد تا این ناراحتی هارفع گردد .

جوی های کنار ایستگاه ها نیز همیشه آلوده، متعفن وپر از کثافات است و جای دارد‌که به‌موظفین‌تنظیفات شاروالی‌هدایت‌داده شود در پاککاری آن زود به زود اقدام کنند•

معاون ریاست ترافیك:

من از میان تمام نظر های ارائه شده دراین جدل ودر زمینه راه جویی رفع دشواری های ترافیکی بیشتر به همکاری‌زنجیری تمام ارگان های دست اندر کار در امور ترافیك جاده ، اتکامیکنم ، بدون شك اگر اداراتی از مانند شاروالی ، آبرسانی ، برق ، مخابرات و••• همیشه دیدار هایی باهم وبا ترافیك داشته باشند و معضلات و دشواری‌ها با احساس مسوولیت همگانی این مسوولان به طرح آید وبرای آن راه های حل کاوش گردد •ودر مرحله تطبیق نیز این هم آهنگی و توافق نظر واحساس مسوولیت اشتراکی وجود داشته باشد ، برای همه‌ی مشکلات راه حل های‌عملی به کار گرفته میشود •

میتوانم بگویم ترافیك دراین زمینه پیشگام بوده است ، چه‌ما‌دایم تماس هایی باشاروالی ملی‌بس ، آب‌وبرق ، مخابرات وسایر ادارات داشته و مشکلات را با آنان به طرح آورده‌ایم

زیرا ما اعتقاد داریم که اگر در شهر کابل جاده هابه روی پلان توسعه یابد ،پارکینگ هادر قسمت های مختلف در نظر گرفته شود وساختمان های جاده مطابق ایجابات زمان وبا نظر داشت مسایل فنی صورت گیرد ، مشکلات ترافیك خود به خود حل میگردد •

مشکل کنونی این است که ادارات مورد نظر در زمینه های یاد شده وقتی مطالعاتی‌را روی دست میگیرند ویا طرح پلان وپروژه‌یی را آماده میسازند به صورت دوامدار نظرفنی ترافیك را نمیگرند ، واگر میگیرند در انجام آن مشکلاتی دارند که نا چار اجرای آن به تعویق میافتد چنانکه در مورد پارکینگ ها ما مشوره های‌فنی‌یی به شاروالی کابل داده‌ایم که با تطبیق آن مشکل ترافیك و خود شاروالی دراین زمینه حل میگردد •

در مورد تنظیم بهتر خطوط ملی بس باید بگویم در شرایط کنونی تعداد سرویس های شهری کم است واین خود موجب بـروز مشکلاتی در کار ترافیك میگردد •

غوث زلمی:

اگر بگویم وادعا کنم که در زمینه توزیع خدمات عامه و شهری بیشتر از هر کس دیگری من به شکایت ها ، نظر هاو پیشنهاد های ارائه شده از جانب شاکیان از مسوولان این خدمات ، من گوش داده‌ام وآنرا باارگان های مسوول نیز به طرح آورده ام شاید بیجا نگفته باشم پروگرام «رادیو صدای مردم»که من مدتی متصدی اجرا وتهیه مطالب آن بودم و مـن از ایـن طـریـق هـر روز با تعداد فراوان درد دل ، شکـایت نظـر اصلاحی و انتقادی از جانب شنونده ها و بر شماری مشکلات و دشواری ها در انجام بهتر توزیع خدمات شهری ازجانب مسوولان بودم •

بقیه در صفحه ٥٤

غاټول کله ورژید؟

دوهمه برخه

سورکی مری خلاصه کړه او بیایی وویل :

ــوروڼو ، موږ د ورانکارو شیطانانو په څیر خلکوته دروغ نه وایو... موږ سور او شین باغ نه ورښیو... موږ ته دا را ښودل شوی او ژوندرا زده کړی چی تل خپلو زیار ایستونکو ته ، تاسو ته ربښتیا ووایو او حقیقت پټ نه کړیده ... که دا سی په منځ کی ځاله کړیده .. که داسی نه وای نو وړمه شپه به ولی زموږ لس تنه ډېر زړه ورځوانان ، ډېر سرتیری ځمر کان شهیدا ن کیدل زه دا نه پټوم او تا سو ته وایم چی زموږ دغو ملګرو له ورانکارو سره د قهر مانا نه جګړی په تر څ کی لسو تنو د شهادت جا مو نه وځښل ...

په کلیوالو کی زوږه شوه :

ــخدای دی وبخښی ... جنتونه دی په نصیب شی ...

سور کی داوار په لږ څه ډډ غږ سره وویل :

ــهو ، دغو ملګرو ، دغو ستا سو سر ښندو نکو زامنو ستا سو پــه خاطر، د خپلو غریبو خلکو په خاطر دشهادت جا مو نه په سر واړول ... او چی دا خبری د سور کی له خولی وتلی نو ټولو کلیوا لو د خلکو ددغه صادق بچی څیر ی ته په ډېره مینه مینه کتل . دهغه په څیر ی کی ربښتینواله او صدا قت له ورایه ښر ګند وو..

ــ هو ، ستا سو دغه زامن دغه زړه ور قهرما نان چی شهیدان شول یواځی ستا سو د کلی نه وو، هغوی په دی ملك کی دخورو ورو خلکوزامن وو.

کلیوا لو ساړه ا سو یلـــــــی وکښل .

ــ هسی نه چی تاسو فکر وکړی، موږ په شا شو لو ... موږ جګړی ته تر هغو دوام ورکړ چی د خپلو میړنو غچ مو تر تر ینه واخیست په موږکی ترټولو میړنی او زړه ور دکوز کلی د کوندۍ ګل بی بی ریکی یوا ځی زوی و، چی خپله وینه یی تویی کړه خو دهغی په بدله کی یی پنځه تنه ورانکاری شیطانان مردار کړل ...

له کلیوا لو څخه زوږه پور تـــه شوه ... ټولو دعا او درو دونه یــی وویل .

موږ دغه جګړه په تاسو باندی، په خپلو خلکو باندی د تکیه کیدو په بر کت وکتله .... پام مو اوسه چی سړی په خلکو تکیه وی د هیڅا زورنه یی رسیږی... مو ږ یی هم وینو او تاسو یی هم وینی او ملګـــــری قوماندان هم چی د میدان سړی دی، وینی چی ورانکاری شیطانان موږنه پریږدی کلی ورانوی ، ښوو نځــی ورانوی ، بی ګناه خلك وژنی، جوماتونو ته اور ورته کوی ... آیا زموږ او تا سو ګناه همدا ده چی او س په خپله حکومت کوو او غداران او لوټماران سود خواره او جلا دان په خپلی خاوری کی نه پریږ دو ... که داګناه وی تا سو ما هم پوه کړی...

کلیوا لو په یوه آواز وویل :

ــدا د شیطانا نو د روغ دی...دا چیری هم موږ نه منو ...

سوز کی موسکی شواومخ یی باز ګل آګاته واړوه :

ــنو چی دا سی ده ، د وطن په نوم او د انقلاب په نوم له تا سونه هیله کوم چی مرسته مو زیاته کړی... زه نوی مرستی ته اړیم . ملګری هره خواتیت او پرك دی ، د ملګــــــر ی قوماندان هم ټوله قواد ورانکار وپه څارنی او تعقیب کی شته ده ... له همدی کبله د انقلاب د دفاع کمیټه دا غواړی چی نوی سر تیری ولړی چی په دی تو ګه له سمی او په تیره بیا کلی څخه دفاع وکړی شو...

د سور کی په دغو خبرو پسی، باز ګل آګا کلیو الو ته وکتـــــل. کلیوا لو سو چو نه وهل . بو بل ته یی نه کتل او سرو نه یی کښتـــــه اچو لی وو. بازګل آکا چی و لیدل ټول زړه نا زړه دی نویی سور کی ته وویل :

ــبچو د وطن او انق ب دفا ع خو زموږ فرض ده . زه لو مړنی سړی یم چی ستا سو ملابه تړم ... سوزکی غوښتل څه ووایی چی باز ګل خبره تینګه کړه :

ــاګر مګر نه لری بچو .... زه به په ځان زهیریم خوزما اراده لاځوانه ده او څوك یی نه شی ما تو لی ....

باز ګل آګا غو ښتل چی نور وته روحیه ورکړی .

په دی کی ګو نګو سی شو :

ــآخر موږ کارو نه لرو ....څنګه کړو ...

ــ همدا اوس هم دچازوی، دچاــ وروره دچار وراره محا ذ کـــــــی دی ...

باز ګل آګا چی وکتل نو یی پــــــر زرغون شاه باندی غږ کړه:

ــهکله زرغون شاه ته په دی کار کی ټپل مه پیدا کوه .... زماهم زوی په محاذ کی دی خو زه دی ته چمتو یم چی د دین ،وطن او انقـــلاب دښمنانو سره مقا بله وکــــړم .... کیدی شی زما په کورنی کی هیڅوك هم پاتی نه شی خو چی وطن را پاته شی او انقلاب بچ شی دا د ټولـــــو شمله جګو یی او هر څه به پا تی وی.

لاد بازګل خبره نه وه خلاصه شوی چی د (صیب) زوی وویل :

ــباز ګل آګا ته هم دا خوا و هی اوهغه خوا ...

بازګل آکا د غوسی له زوره تـــور واوښت او پو ښتنه یی وکړه چـــی څنګه ؟

د (صیب) زوی ورته وویل :

ــ تا سو ولی روغی ته غاړه نه ږدی صیب خو تا ته پیغام کړیو...

باز ګل آګا چیغه کړه :

ــکوم پیغام ؟ هغه پیغام چی موږ ته یی په کی د غلامی ویلی و ... چی موږ دی بیادپردیو غلامان شو...

ماچی دغزاپه کال د دومره چـــــړی خوړلی دی د همدی لپاره چی د عمر په پای کی غلا شم ؟ ووایه که نه؟

سور کی مداخله وکړه :

ــنو وروره ته وایی چی څــــــه وکړو ؟

د(....) (صیب) زوی وویل:

ــ پکار دی چی روغه وکړو ؟

ــ څنګه روغه زوی دی لوی شه... آیا ته خبری که نه چی د وزی او ماړه ، د پټ او بر بنډ ، د پلی او سپاره» تر منیځ .

دوستی او روغه.نه شی راتللی... هغوی نه غواړی چی خلك دی په مړه ګیډه ډوډی وخوری ، هغوی نه غواړی چی دا غریب خلك دی خپل پټی او خپل کورو لری .... هغوی نه غواړی چی د غریبانو اولادونـــــه دی مکتب ووایی او هو ښیار دی شی ....هغوی غواړی چی بیادی هم ظالمان، دوکه بازان ، لوټماران او د خلکو دوینو زبیښونکی را شی او په خلکو دی حکومت وکړی...هغوی بیا دسردارانو حاکمان کول غواړی ..زه له تا سونه پوښتنه کوم چی دا تاسو منی ؟

له ټول ولس نه، غږ پور ته شو:

ــنه ، هیڅکله نه !

ــګوره ورته ... ته دغه وینی شوی ولس بیا غلا مول غواړی ؟ داکیدی شی ...

دروازه په شدت سره وازه شوه او ددوه تنو پیغلو څیری دلاتین رڼا ته وځلیدی . هغوی په مضبوطی اداری او خبر سره د سوز کی د پوښتنی په ځواب کی چی «داکیدای شی ؟؟ » وویل :

نوربیا

واقعات مهم سال ۱۹۸۱



قسمت دوم

همچنان در سال پار امریکا طیارات‌ایواکس را بدسترس عربستان سعودی گذاشت دراین حال، سناتور هوارد (بیکر) رهبر اکثریت سنای امریکا ضمن مصاحبهٔ بایك شبکه تلویزیونی امریکا گفت : اسرائیل در مورد فروش طیارات آ واکس به عربستان سعودی نگران‌است وی تاکید کرد . هیچ یك از روسای جمهور و مقا مات کاخ سفید ا مریکا تاکنون به اندازه ریگان خیر خواه اسرائیل نبوده است .

آسیای جنوب شر قی :

درسالی که گذشت در چین محاکمه باصطلاح « دار و دسته چهار نفری» برگزار شد و دراین نمایش علاوه بر چار تن ، لین پیانو تحت محا کمه بعد از مرگ‌قرارگرفت. درجریان محاکمات پرده هایی از جنایاتی که در دوران باصطلاح انقلاب فر هنگی صورت گرفته‌بود ، بالا رفت . ناظران سیا سی‌این گونه محا کمات را تلاش تنگ شیائو پینگ برای تحکیم قدرت خود ارزیابی نمودند .

ششمین پلینوم کمیته مر کزی حزب‌کمو- نیست چین دایر وقطعنامه پیرامون بر خی مسایل تاریخ حزب کمو نیست چین اززمان تاسیس جمهوری مردم چین را به تصو یب رسانید که در آن اشتبا هات مائو بر ملا گردید .

روزنامه « مین ایچی » جاپان ا طلاع داد که تعداد فقرا در چین رو به افزایش ا ست رهبران چین در ارتباط بااین بحران از چار برنامه باصطلاح مدرنیزاسیون تنها نوسازی قوای مسلح را بسر عت اجرا می کنند.

وضع سیاسی در طی سال ۱۹۸۱ در چین بدون ثبات بود و مبارزه قدرت در بین‌رهبری پیکنگ ادامه داشت . ر هبری پیکنگ دست به اعمال غیر انسانی بر ضد مردم تبت که می‌خواهند فر هنگ خودرا حفظ نمایند زدند اکنون هزاران تبتی در زندان ها و کمپ ها وشکنجه گاه های چین بسر می برند گناه آنها اینست که جرأت کرده بر ضدسیاست فشار واختناق‌اعتراض کرده و به فر هنگ وعا دات ملی خود و فا دار مانده اند .

بهمین قسم طی سال گذشته چین ازطریق قوای مسلح خود به اعمال تحریك آ میز مسلحانه درسرحدات جمهوری سو سیا - لیستی و یتنام ادامه داد و چندین‌بار مواضع سرحدی و یتنام را مورد گلوله‌باری‌قرارداد. نماینده جمهوری سوسیالیستی و یتنام د ر ساز مان ملل متحد طی ا عتراض عملیا ت رهبران پیکنگ را تلاش ابلهانه خواند و تمرکز نیرو های صلح چین را در مرزلاوس انقلابی افشاء کرد .

دراوایل سال ۱۹۸۱ ، کنفرانس‌بین‌المللی برای و حدت مسالمت آ میز دو کوریا د ر الجزایر بر گزار شد . نمایندگان هشتادویك کشور و هفده ساز مان بین المللی دریـن کنفرانس اشتراك داشتند . این کنفرا نس ضمن تقبیح سیاست امریکا بعنوان جدایی دوکوریا خواستار خروج قوای ا مریکا یـی

از کوریای جنوبی ، توقف ار سال تجهیزات نظامی برای ر ژیم شون دو هوان گردید. زحمتکشان قهر مان و یتنام ضمن یاد آوری از مبارزه خستگی ناپذیر هوچی مین سی‌و ششمین سالگرد روز ملی خویش را که پوز کثیف استعمار گران را بخاك مالیدند باسرور وشادمانی جشن گرفتند اکنون خلقهای قهر مان و یتنام کشور شانرا بازسازی می نمایند .

در می سال ۱۹۸۱ جمهوری مردم‌کمپوچیا انتخابات مجلس ملی یعنی پا رلمان آنکشور را بعمل آورد که این انتخا بات واقعه بس مهمی درزندگی ز حمتکشان کمپو چیابشمار میرود این حادثه بزرگی است که بعد از سقوط رژیم پول پوت ینگ ساری‌درآنکشور برگزار شد .

افریقا :

سیاست غارت نو استعماری امپریا لیزم درقاره سیاه یکی ازعلل عمده پرابلم های متعدد بود که کشور های افریقایی به آ ن مواجه بودند . امپریالیزم در سال گذ شته عیسوی نه تنها در فکر کنار رفتن از این‌قاره بود بلکه کوشابود تا حدود نفو ذش را با دخالت در امور داخلی کشور های مستقل ادامه دهد . امپریالیزم در طی سال ۱۹۸۱ تلاش کرد تاجنبش های آزادی بخش ملی را در قاره افریقا تضعیف و آنرا د ر مسیر ریفور میزم بورژوازی قرار بد هد و محتوای ضد امپریالیستی آنرا از بین ببرد . ا یجاد اتحادیه های نظا می در وجود قرار داد های دوٌجانبه نظامی امر یکا و صو مال وامریکا و رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی ، امریکا و مصر ، تو سعه پایگاه های نظا می امریکا در شاخ افریقا بیك عامل اسا سی بی ثباتی وضع در این منطقه جهان مبد ل گردید .

بدنبال یك سلسله‌عملیا ت‌نظامی تجاوز کارا نه از سوی رژیم نژاد پرست افریقا ی جنو بی ، چند ین دهکده مرزی آنگو لا پهنه تا ختو تاز خو نین آنهاقرار گرفت که در نتیجه صد ها تن از اها لی غیر نظا می این خطه کشته و زخمی شدند . بید رنگ کنفرانس کشور های افریقا یی خط مقدم جبهه گشا یش یافت و گردهم آیی سازمان وحدت افریقا هم دایرشدو همه تحریم همه جانبه به افریقای جنو بی شدند .

حکومت جمهوری‌خلق مو زمبیق جاسوسان توطیه گرا مریکا یی را اخراج کردآنهاعضو سفارت امریکا در موپوتو بودند . در زیمبا بوه ، انتخابات ارگا ن های محلی حکومت برگزار شد .کاند یدای حزب حاکم اتحاد ملی افریقای زیمبا بوه(زانو) وجبهه میهن پرستان (اف-پی) پیروزی کسب کردند و انتخا ب کنندگان به‌جبهه میهن پرستان‌که‌در ایتلاف حکومتی شر کت کرده است داده اند .

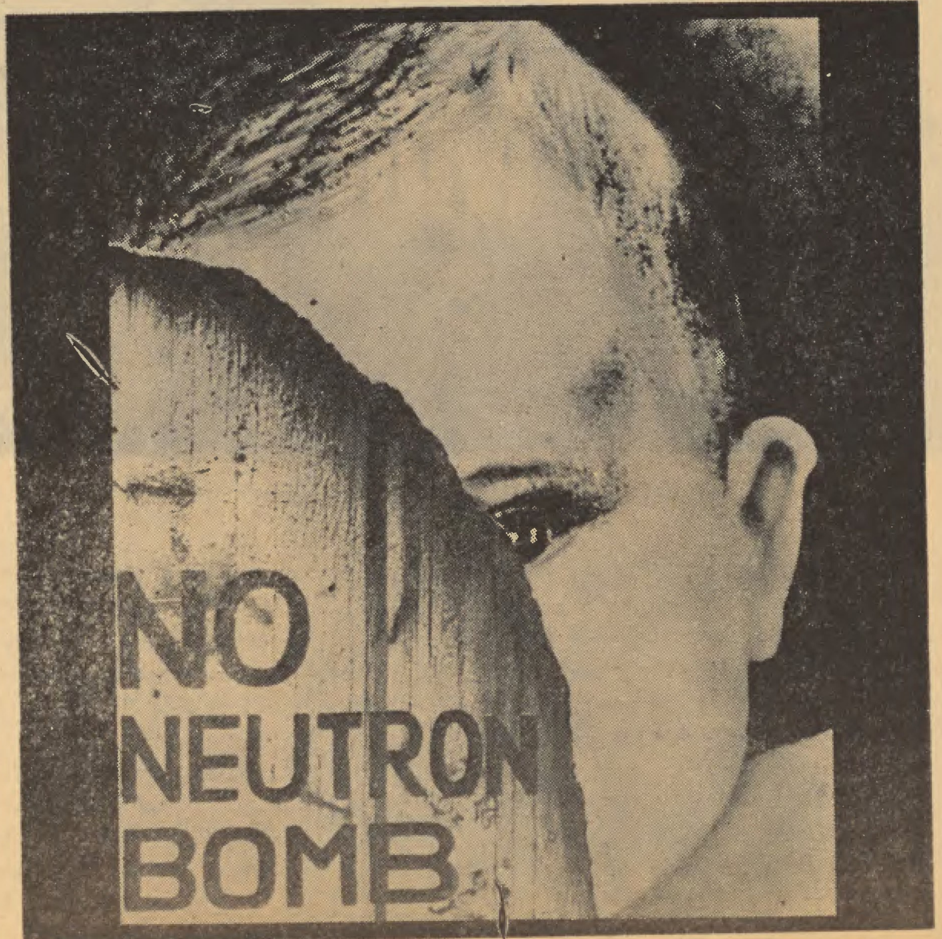
زحمتکشان ایتو پی دوازده سپتامبر هفتمین سا لگرد پیروزی انقلاب ملی و دمو کراتیك خو یش را که به سلطه استبداد سلطنت هیلی تلاش پایان داده‌وراه‌ساختمان جامعه پیشرفته و نوین را گزیدند تجلیل نمو د ند ، ا یتو پی سوسیا لیستی عضو فعال جنبش عدم انسلا ك و ساز ،مان وحدت افریقا می‌باشدو در پیوندجداناپذیر باکلیه نیرو های صلح و تر قی در راه تکامل .اجتما عی و اعمار جامعه نوین به پیش میرود.

جعفر نمیر ی این جلاد رسوا ی سودان به‌پیشنهادی مبنی‌براستقرار پایگاه های نظا می امریکا در خاك خود جنبه آشکارا داد وی حتی با وقاحت ازکشور های دیگرافریقایی وشرق نزدیك خواست که در برا بر با صطلاح خطر اتحاد شورو ی (!) به چنین عملی دست بزنند . این

(لطفاً ورق بزنید)



مبارزه خلقهای امریکای لاتین



اعتراض جها نیان برعلیه بمب‌نیترونی

سیا ست سا دا تی نمیری عکس‌العمل شدید را در جهان در پـی داشت ونـا آرامی ها در آنـکشور پدیدار گشت .

چریك های سازمان خلق افریقا ی جنو ب غربی (سواپو) ضر بات قاطعی به عسا کر نژاد پرست افریقای جنو بی در نا میبیا وارد کردند در عین حال رابرت مو گا به صدراعظم زیمبابوی اعلام کرد که تعدادکثیری درافریقای جنو بی برای خرا بکار ی در کشور های همسا یه آموزش‌می بینند .

به مو جب اعلامیه مشتر کی که از طرف روسا ی جمهور سینگال‌و گمبیا در مر کز گمبیا نشر شد طرفین با تشکیل یك کنفدراسیون که‌به «سنی گمبیا» مو سوم است. موافقه کردند . رژیم نژاد پـرست افریقا ی جنو بی به تجا وز بیشرمانه علیه جمهوری سیشل دست‌زد امااین تو طئه ها و کودتا بنا کا می انجا مید .

درقبال سقوط دو طیاره‌لیبیایی توسط طیارات جنگی امریکا برفراز خاك آنکشور موج عظیم اعتـرا ض وخشم جها نیان علیه سیا ست و موقف واشنگتن در حر کـت آمد .

انور السادات این رئیس جمهور خاین مصر ، به قتل رسید وجسد وی تحت تدا بیر شدیدامنیتی‌دفن شد در مراسم‌تدفین او فقط سه نفر ازسران کشور های اسلا می بـه طرفداری امریکا اشتراك نمـوده بودند .

جامعه مصر با لاثرسیا ست‌های ضد ملی وضد دمو کراتیك رژیـم تباه کار سادات سر در گم‌حادترین بحرانات اقتصادی‌سیاسی‌و اجتماعی گردید ، وابستگی این کشور بـه شرکت های انحصا ری بین المللی وبخصو ص شر کت های ماورای امریکا یی که‌بی‌آمدمنطقی آن بحران حادبیکاری ،بلند رفتن سر سام‌آور قیمت ها وتورم پول وکسر مزمـن بودجه دو لت بود، اتحاد سیا سی ونظا می مصر با امپرلیزم جها نی‌و اسرائیل تجاوز کار احتجاج‌گسترده تمام اقشار وطبقات مصر را علیـه سیا ست این رژیم که حسن مبارك اخیرا با صحنه سازی مضحکی بنام انتخابات ریاست جمهوری برایکه قدرت تکیه‌زدبرانگیخته است.حسن مبارك خوش خدمتی را از سلف‌خود سادات خا ین به ارث برده است.

ما نور های وسیع نظا می تحت عنوان «ستاره در خشان» درصحرای غرب قلمرو مصر صورت گر فـت او لین مر حله این مانور نظا می‌با فرود آمدن قوای پارا شو تی امریکا در مصر آغاز گردید کو ماندو های هـم در عملیات سهم گـر فتـنـد ودراین عملیات دو طیاره آواکـس فضای منطـقه عملیا ت را تحـت مرا قبت داشت .



کمپلکس های بزرگ این‌غولهای‌چند ملیتی نظامی

در حدود پنجاه‌ویك کشورافریقایی طی اعلامیه ای دولت ر یگـان را تشویق گر ترو یزم دو لتی رژیـم نژاد پرست افر یقای جنو بی‌معرفی کردند و خواستارواگذاری استقلال به‌خلق نامیبیا شد ند واین موضع گیری ازپشتیبانی کشور های غیـر متعهدبر خور دار شد .

رهبر لیبیا معمرقذافی، از اتحاد شوروی ،بلغاریا دیدار رسمی بعمل آورد و سایل عمده بین المللی را مورد بررسی قراردادند . مردم‌لیبیا یازدهمین سا لگرد بیرون رانـدن نیرو های استعمار گر انگلستان را جشن گرفتند .

امریکای لاتین :

قاره عصیانی امریکا ی لاتین با خروش بی نظیر توده های زحمتکش به خا طر آزادی و استقلال بپـا ایستاد وبر نیرو های ضد تر قی و ضد صلح ضربه زد ند . کشور کوچك بلیزار امریکا ی مـر کزی آخرین مستعمره بر یتانیا بود کـه بعداز مبارزات طولانی علیه‌استعمار گران هسپا نوی‌و بعدا علیه‌استعمار انگلیس ،استقلال خو یش‌را بدست آورد و بیرق آبی کشور را برفراز بلمو پان به اهتزاز آورد.

بولیوی در اثر سیا ست ضدملی وضد دمو کراتیك دیکتا تـوری فاشیستی در گیربحرا نات سیاسی واقتصادی حادی بودوضع زندگـی زحمتکشان این کشورهرروز رقتبار تر می گردد . جنرال‌به قدرت‌رسیده جولای ۱۹۸۰ قدرت را غصب کردو زحمتکشان را رنج می‌داد ، وی‌نتیجه انتخابات راکه به نفع کاندید جبهه دمو کراتیك‌دسته زحمتکشان‌انجامیده بود، ملغی قرار داد، پار لمان منحل شد . درسال ۱۹۸۱ نیرو های ضد دیکتاتوری اعلامیه ای را تحت‌عنوان به‌خاطر «نجات کشور»انتشار دادند وشیوه های فاشیستی‌شکنجه و کشتار را محکوم کردند کمیتـه اجرا ئیه جبهه دمو کراتیك ومتحد زحمتکشان بو لیویادر بیرو تشکیل جلسه داد و ضرورت مبا رزه را علیه دیکتا توری خواهـا ن شد.

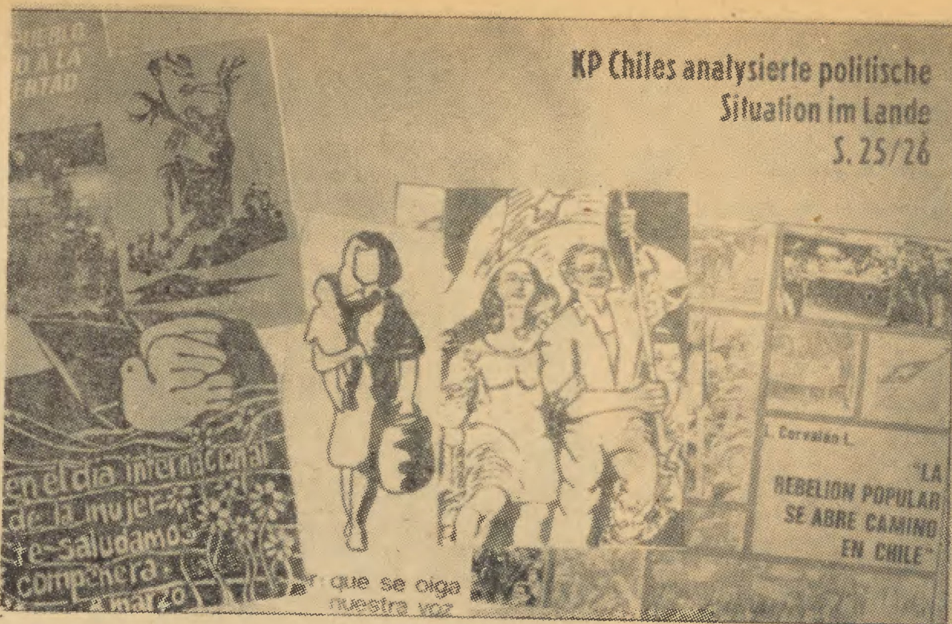
خلق قهرما ن و مبا رزنیکا راگوا دومین سالگرد انقلاب خو یش را که به حا کمیت دیکتا توری خونخوار سموزا این مزدور د ست نشانـده امپریا لیزم امریکا پایان بخشید با شکوه خا ص تجلیل کردند ایـن

ثروت های ملی را به کمپنی هـــای امپریالیستی فرو خته است . درطی سال ۱۹۸۱ روند مبارزه مردم پاراگوای روز تا روز گسترده شد. چار حزب به اساس یك پلاتفرم مشترك مبارزه را علیه دیکتا توری شد ت بخشیدند .

مردم کیو با بیستمن سالـگرد پیروزی خود رابرتجاوز ضدانقلابی پلایا خیرون گرامی داشتند . فیدل‌کاسترو درسخرا نی خود بد یـــن مناسبت مداخله امریکا را به خاك آن کشور محکو م کرد .

مقامات امنیتی کیو با اعلام کردکه عناصر ضد انقلاب که طور مخفی از امریکا وارد کیو با می‌شدند بشدت دستگیر شدند .

در طی سال ۱۹۸۱ بازدید های گماشتگان امپریا لیزم از امریکای لاتین افزایش یافت و مسا فـــرت جورج بورش معاون رئیس جمهور



مبارزه خلق های چیلی بـر ضدخونتای فاشیستی

کشور در مدت کو تاه به پیروزی های نایل آمده است .

کمك فزاینده امریکا به السلوادور صرف به تشدیدبحران‌ها درامریکای مرکزی منجر خواهد شد رهبرجبهه انقلابی دمو کراتیك السلوادور گفت که‌تحو یلد هی اسلحه و جنگ‌افزار هابه حکومت نظامی السلوادور برای تشدید اقدامات‌خونین تلا فی‌جویانه علیه مردم السلوادورمورد استفاده‌و قرار می گیرد خلق‌السلوادور ازمیان دودآتش و خون راه خود را به سوی آزادی استقلا ل مـــــــــــی گشاید و (جبهـــــــه آزادی بخش ملی فارابوند و مارتی) بـــه



تظاهرات در بریتانیا برضدپلان های ناتو



تظاهرات وسیع درآلمان غـربی‌برضد ناتو

پیروزی چشم گیری دست یا فت دار و دسته‌نظامی‌اروگوای درنمایش مسخره ای که‌برای قا نونی کردن سلطه خود بر کشورترتیب داده‌بود باشکست رو برو شد مردم بد عوت حزب کمو نیست و اتحادیه هـــای کار گری باصطلاح طرح قانــــون اساسی کشور را که‌هدف آن‌تحکیم قدرت فاشیستی است رد کردند. رژیم ارو گوای در هفت سال جز جنا یت ، خیا نت و کشتار مبارزان چیزی دگری‌انجام نداده اکنون‌بیش ازپیش در تنگنا قرار گرفته است.

از بیست وهفت سال است که یك رژیم مستبد و زور گو به زحمت کشان پارا گوای حکومت می کند

امریکا در خور یاد آوری است که‌از کولمبیا ،دمو نیکا و برازیل بعمل آورد و بیانات ضد تـــر قی ضد کیوبا یی و ضد شو روی‌ایراد نمود مگر دست خا لی از امریکا ی لاتین باز گشت نمود .

دوام استبدادرژیم های خودکامه در امریکا ی لاتین و سود جو یی نیرو های امپر یا لیستی درآن‌قاره سبب شد تا روز بروز صفـــو ف مردمان این منطقـــه بخصو ص در حوزه کارابین بیشتر فشرده شد و صدای آزادی خوا هی و پایان زجر وآزار رژیم های دست نشانده‌رابه گوش جهـا نیان رسانید ند .



گوشه‌یی از کار های داو طلبانه‌شهریان کابل در روز دوستی‌وهمکاری متقابل

توانا

۱۸ جدی یا روز دوستی و همکاری متقابل

روز جمعه هژده جد ی در شهر بو قوع ، پیو ست که در تا ریخ زیبای کا بل این گهوا رۀ انقلا ب کهن کشور ما اهمیت عظیم ومقا م شکو همند ثور رو یداد بز ر گی ار جمند ی را کسب خوا هد نمود ، این‌رویداد با شکو ه و پر جلال عبار ت بود از اجرای کار ها ی دو ستانه رفیقانه و داوطلبانه که در جهت عمرا ن وطن و رفاه و آرا می توده ها ی زحمتکش کشور به راه اندا خته شد ه بود .

هموطنان شریف ما اطلاع‌خواهند دا شت که قرار است‌درآیندۀنزدیك کنفرانس سر تا سر ی حزب دموکراتیك خلق افغا نستان « پیش آهنگ طبقۀ کارگر وتمام‌زحمتکشان کشور »دایر گر دد ، کمیته حز بی شهر کا بل به پیشواز این کنفرا نس عظیم روز جمعه هژدهم جد ی سا ل ۱۳٦۰ را بنا م روز دو ستی و همکا ری متقابل یا روز حشر در شهر کا بل بر گزار نمود که در آ ن شهر یان ار جمند و گرا می شهر کابل ، اعضای سا زما ن ها ی حز بی شهر کا بل ، اعضا ی سا زمان های دمو کرا تیك زنا ن و جوانا ن‌افغانستا ن ، کار مندا ن و کار گرا ن اتحاد یه ها ی صنفی جمهو ری‌دموکراتیك افغا نستا ن ، اعضا ی کمیته های محل ز یست کمیته شهری جبهه ملی پد ر وطن‌جمهوری دموکراتیك افغا نستا ن، اعضا ی سا زما ن صلح ، همبستگی ودوستی افغا نستا ن ، سر با زا ن ،خرد‌ضا بطا ن و افسرا ن قوا ی‌مسلح جمهو ری دمو کرا تیك افغانستان محصلین حربی پو هنتو ن‌ومتعلمین حربی شوو نځی ، څا ر نـدو ی و قطعا ت محدود نظا می اتحاد شوروی اشترا ك و رزید ه بـا دست اند ر کاری در جغل اندازی و تنطیف وتنظیم سر ك ها وکو چه ها، تر میم معا بر آب‌پاك کاری محلا ت ، رسا نید ن چو ب‌سوخت رایگا ن گندم ، شکر و شیر به مستحقین ، تو زیع کمپل ،قرطاسیه پذ یر ش رایگا ن فر زندا ن زحمتکشا ن به کو رس ها ی زمستانی وزارت تعلیم و تر بیه نصب تیلفو ن ها ی سکه اندا ز جد ید ، افتتا ح صندو ق ها ی جدید پستی در نقا ط مختلف‌شهر، دوا پا شی محلا ت کثیف و ترمیم نل ها ی شهر رسالت بز رگ‌میهن پر ستانه و مردم دو ستا نۀ خود را در برابر مرد م و وطن خو یش اداء نمودند .

در جر یا ن این رو ز پر جلا ل که بر ا ی او لین با ر با چنین عظمت و شکو همند ی در کشو رما سا زما ن داده شده بود در همۀ اطرا ف و زوا یا ی شهر شو رو تحر ك انقلا بی ووطن پر ستا نه احسا س میگر د ید در کو چه‌ها، سرك ها و دیگر محلا ت ز یست صدا ی آهنگ ها سرود ها چو ب بازی ها و اتن ها ی‌ملی بگو ش می رسید و و شعار ها ی انقلا بی ایکه بروی پا رچه ها ی ملون بر شته تحر یر در آمده بو د وبوسیله شهر یا ن شر یف شهر کابل حمل میگر دید جلب نظر نمو ده هر انسا ن آگاه ووطن پر ست را به شورو وجد انقلا بی در میآورد در طی این رو ز صد ها خا نواده فقیر و بی بضا عت شهر کا بل بشمو ل علما و خطبای مسا جد شهر از مسا عد ت ها ی بز رگی چو ن پو ل نقد ، چو ب سو خت،



در روز دوستی و همکاری‌متقابل‌همه سازمان های حزبی و اجتماعی وشهریان شریف کابل جهت انجام‌کارهای داو طلبانه اشتراك ورزیده بودند.

البسه پا ی پو ش ، شیر خشك ، گندم ، شکر ، اشتو ب ، صا بون قر طا سیه ، ادویه و غیره مواد خوراکه و اجناس مستفید گردیدند صد ها تن دیگر از طر ف مقا مات صحی کشور ، معا ینه و تداوی شدند .

آری ! با ید گفت که چرا چنین می‌شود ؟

چرا اکنو ن از نیا ز مندا ن ومستمندان د ستگیر ی بعمل‌می‌آمد چرا از مر یضا ن و در د مندا ن پرسش به‌عمل می‌آید ودرجهت رفع درد و آلام آن ها سعی می گردذ چرا امروز بر خلاف دوره ها ی استبداد سلطنتی فضا ی میهن ما را آهنگ وحد ت و دوستی ، همکا ری و برا دری فرا گرفته است .

مسلم ا ست که قبل از پیروز ی انقلاب آزاد ی بخش ثور رژ یم ها و حکو ما ت مستبد وا بسته به ار تجا ع و امپر یا لیزم در کشور ما حکمر وا یی دا شتند ، آ ن ها به وطن ، جا معه و سر نو شت مردم ما نمی اند یشید ند و همهٔ نیرو و توا ن خود را در جهت استثمار بیر حما نهٔ ملیو ن ها دهقا ن ، کارگر و زحمتکش جامعهٔ ما به مصر ف می رسا نید ند و با غصب بیر حما نه دا را ئی های عا مه ذخا یر خود را در با نك‌های کشور ها ی امپر یا لستی بیشتر میگردا نید ند به زند ه گی اجتما عی ، سیا سی و اقتصا د ی، هیچ‌فر د ی از افراد ز حمتکش جا معهٔ ما و قعی گذا شته نمی شدو بیچار گا ن میهن ما ر و ز بروز بیچاره تر می گردید ند ولی با تا سیس حزب قهر مان ما ، حزب د مو کرا تیك خلق افغا نستا ن «پیش آهنگ طبقهٔ کا رگر و همهٔ زحمتکشا ن کشور» مبا رزا ت انقلا بی زحمتکشا ن افغا نستا ن بر ضد ار تجا ع ، استبداد و امپر یا لیزم در تحت رهبری این حزب قهر ما ن پیروزمندا نه و منسجم براه ا فتید وسر انجام به اراده و حما یت میلیون ها کارگر ، دهقا ن و پیشه و ر افغا نستا ن محبو ب ودو ست دا شتنی انقلاب ظفر نمو ن ثو ربه پیروزی انجا مید و افق ها ی تابنا کی در برابر زحمت کشا نمیهن مابه لبخند زدن آغاز نهاد .

بعد از پیروزی انقلاب نجا ت بخش ثور وبخصو ص مر حلهٔ نو ین و تکا ملی آ ن کار ها ی نها یت سود مند و ارز شمند ی از طر ف حزب و دو لت انقلا بی ما د رجهت عمرا ن و اعتلا ی میهن و رفا ه زحمتکشا ن کشور بعمل آمده است که همهٔ آ ن ها با عث گردید ه است تا زحمتکشا ن میهن ما به حز ب ودولت انقلابی خود بیش از پیش اعتماد حا صل نما یند و در تحت رهبری حزب پیش آهنگ خود حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان همبستگی عمل ونظر حزب ،دولت ومردم م انقلا بی ما است . ا جرای اینگو نه کا ر ها ی انقلا بی ووطن پر ستا نه این اد عا ی ما را به اثبا ت می رسا ند که مرد ما ن آزادهٔ ما امروز بدور حزب د مو کرا تیك خلق افغا نستا ن وجبهه ملی‌پد ر وطن افغا نستا ن بیش از پیش متحد گر دید ه اند و با دا شتن راه مشتر ك و هد ف مشترك گا م ها ی مشتر کی را در امر عمرا ن و آبا د ی میهن وجامعه روز افزو نی از د یا د می یا بد مشت کو بنده یی است که بر فرق ار تجاع و امپر یالیزم وارد می آید ، چه بعد از پیروزی انقلاب شکو همند ثورو بخصو ص مر حلهٔ نو ین و تکا ملی آ ن ار تجا ع هژمو نیزم و امپر یا لیزم جها نخوار در راس ا مپر یا لیزم د شمن انسا ن ایا لا ت متحد هٔ امر یکا علیه میهن، انقلاب و مرد م ما جنگ اعلا م نا شده ا ی را برا ه اندا خته اند و با استفاده از شیوه ها ا سا لیب بسیار خا ینا نه



گوشه‌یی از توزیع مواد امدادی‌به مستحقین در روز دوستی وهمکاری متقابل

و دو لت جمهوری دٔ مو کرا تیك افغا نستا ن بکا ر و پیکار پر ثمر و سا زنده بپر دا زند وکشور خود را آباد و شگو فا ن سازند .

کا ر ها ی داو طلبا نه ا یکه در پر تو پیروزی مر حله نو ین وتکا ملی انقلا ب شکو همند ثور به ابتکا ر کمیته حزبی شهر کابل بروز جمعه هژ دهم جد ی ، به اشتراك هزاران تن از شهر یان کا بل صو رت گر فت بیا نگر خو بی از و حدت‌و خود بر می دارند و همه با هم در ا مرزدود ن همه بقا یا ی‌نا بسا ما نی ها ی اقتصا د ی‌سیاسی، فرهنگی واجتما عی از سر زمین پد ر وطن محبو ب خود تشر یك مساعی می ورزند ووطن انقلا بی خود را آباد و شگو فا ن می سازند از سو ی دیگر اینچنین همبستگی ها یی که در فرو غ مرحله ی‌نوین و تکا ملی انقلا ب آزادی بخش ثور میا ن حزب ودولت وتوده ها ی زحمتکش مرد م ما بو جود آمده ا ست و بشکل و رذیلا نه می خوا هند سد راه تکا مل انقلاب واعتلا ی پیر وز مند جامعه‌ماگردند. غافل از آنکه امروز مرد م م ادر تحت در فش پر افتخار حزب خود ، حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستا ن و دو لت انقلابی خود ، دو لت جمهوری د موکراتیك افغا نستا ن متحد گردید ه اندو همبستگی انقلا بی آن ها در امر کا ر و پیکار برای اعما ر یك افغا نستا ن نو ین و شگو فان روز بروز بیشتر میگر دد .



دتاج محل ښکلی او تاریخی‌ودانی

دا نځور گر لیکنه او ځیړ نه

دتاج محل ښکلی او تاریخی ودانی

دهند د مغو لی امپرا تو ر ی د سترو و دا نیو د جملی ځخه‌یو هم دتا ج محل ښکلی او تا ریخی و دانی ده چی د هند دا ترا .پردیش دا یا لت د آگر ی په ښار کی مو قعیت لر ی .

شا ه جها ن د هند مغو لی واکمن په ۱۶۳۱ میلا دی کا ل کی دخپلی گرانی ښځی ممتا ز محل دمړ ینی و رو سته د هغی په یاد اودرنا وی د نو مو ړ ی و دا نی دبنسټ ډ بر ه کیښنو د ه .

شا ه جها ن غو ښتل چی هغی ته دا سی یوه مقبر ه جو ړ ه‌کړی چی په نړ ی کی سا ر ی ونلری ، دهمدی کبله د ه‌چی د تا ج محل و دانی دنړ ی د «او وعجا یبا تو » دجملی‌ځخه شمیر ل کیږ ی . شاه جها ن د همد ی مقصد د عملی کولو له پاره د هند او نور وهیوادو ځخه مهند سین ، معما را ن ا و انځور گرا ن راو غو ښتل تر ځو چی دنو مو ړی ودانی نقشه طرحه کړی ، ویل کیږی چی د نو مو ړ ی و دانی ل ه‌پاره شل ډوله تزئینی او قیمتی ډ بر ی د هندو ستا ن‌او نو رو بهر نیو هیواد و ځخه‌برابری



دهند مغولی واکمنی شاه جهان‌اوښځه یی ممتاز محل

شو ی . د مشهور فرا نسو ی‌سیاح تا و د نیر په قول:

«دتا ج محل په تا ریخی و دا نی کی شل زره کار یگرو کار کاوه او نو مو ړ ی و دا نی په (۲۲)کالوکی بشپړه شوه، او که چیری ارو ـ پا ئیان و غوا ړ ی چی دا سی ودانی جوړ ه کړ ی نو دری برا بره وخت یعنی (٦٦) کا له به ونیسی . »

دشا ه جها ن ددربا ر د مشهو ر مورخ عبد ا لحمید په قو ل«یوا زی دمقبر ی د سپینو مرمر ودگنبدی جو ړ و لو دو لس کا له و خت و نیو».

دتاج محل په ودانی با ندی کروړه هند ی رو پی چی شپیته ملیو نه فرا نکه کیږ ی لگید لی دی . دتا ج محل و دا نی چی د سپینو مرمر و ځخه جو ړ ه‌شوـ یده د جمنا د سیند په غاړه دځمکی په یو ی پرا خی ډ ډ ی با ند ی پر ته ده چی جگو ا لی یی د ځمکی ځخه پنځه‌متره‌ده.دتاج‌ـ محل دودانی سطحه هم په سپینو مرمر و با ند ی پو ښل شو ی ده چی هر ه ضلعه یی سل متر ه اوږـ دوا لی لر ی او په هر کنج کی یی یو ه منا ره و لاړه ده .

دتا ج محل په یو ه خو ا کی دجمنا سیند بهیږ ی او در یو خوا ووته یی بڼوا قع دی چی و دا نی ته یی ډ یره ښکلا و رـ بخښلی ده . د تا ج محل د گنبدی جگوا لی د ځمکی ځخه اتیا متر ه دی او په منځ کی یی د شاه جها ن او د هغه دمیر منی مقبر ه مو ـ قعیت لر ی .

دتاج محل ودانی د سیاحینو له نظره ډیره عجیبه شا ننه و دانی ده ، لکه چی د فرا نس یو مشهور لیکوا ل په یو ه مجله کی چی «میکز ین» پیتو ر سک » نو میږی په خپلی یو ی مقا لی کی د تا ج‌محل دښکلا په باب داسی لیکی :

«دتا ج محل و دا نی چی دسپینو مرمر و ځخه جو ړه شو ی‌ده په دا سی ډول صا فه او رو ښا نه بر یښی چی ستر گی د لمر دوړانگو په وخت کی دد ی تا ب او توا ن نلر ی چی ور ته و گو ری ، یوازی دسپو ږ می په نو رکی کو لا ی‌شو هغی ته و گو رو په رښتیا سر ه‌هم چی د تا ج محل په و دا نی کی د معما ر ی او نقا شی د ټولو فنونو او هنر و نو نه‌کار ا خیستل شوی دی . »

نو مو ړ ی لیکوا ل د تا ج محل دودا نی د عظمت په با ب لیکی :

«دتا ج محل د یوالو نه چی دسپینو مرمر و ځخه جو ړ شو ی دی، داسی گـلان ا و عـــر بی نقشو نه او لیکو نه پکی انځورشوی دی چی هر لید و نکی یی پـــه لیدلو باند ی خو شحا لیږ ی ا و خو ند تر ی ا خلی . هغه کتیبی چی د تو ر و مرمرو ځخه جو ړ ی شو ی دی دهغه و خت دمعما را نو او نقا شا نو شا هکا ری دو را یه پکی ښکا ر ی . کو م گلان چی دتاج محل په د یوا لو نو کـــی انځور شو ی دی په هغه کی ډول ډول قیمتی ډ بر ی لکه لا جو رد ، زبر جد ، فیر و ز ه ، یا قو ت ، عقیق ، زمر د او په سلها وور نگه نو ری قیمتی ډ بر ی کار ول‌شوی دی

پاتی په ۵۳ مخکی



دیدن خواب موقعیت وخاصیت بیماری در حال انکشاف را نشان میدهد.

از پیو ستیک

متر جم : برها نی

تشخیص امراض از طریق خواب دیدن

اینکه چرا دیدن خواب ها حقایق را اشکار و حتی پیش گوی میکند قصهٔ است که به گذشته ها ارتباط میگیرد .در گذشته‌های دور مساعی زیادی به منظور پی بردن به مسایل خواب ورویا توسط ارسطو صورت گرفته است . ارسطو را عقیده بر این بود که انسان در خواب خویش میتواند بروز بیماری‌ها وروانی وجسمانی را پیش گویی کند،باید گفت که سقراط نیز امکان این پیشگوی امراض را از طریق خواب دیدن فکر میکرد . بدین ترتیب «گالین» داکتر و رزیدهٔ معروف عصر خویش اعلام داشت که یکی از بیماران وی در خواب دیده بود که پای او به سنگ مبدل گردیده و در نتیجه همین خواب بدیدن وی بود که پایش فلج گردید .

واسیلی کاستکین داکتر اعصاب شهر لیننگراد خاطرنشان ساخت که قبل از آنکه بیماران وی نخستین علایم مریضی را از خود نشان دهند عده‌ی از آنها درین مورد خوابهای اذیت کننده ، حتی و حشت آور را دیده بودند . به طور مثال‌یك انجنیر مسلکی شبی به صورت متواتر ومکرر خواب یك پروژهٔ ساختمانی ناتکمیل رادید که منزل فوقانی آن پروژه فرو ریخت و خشت های آن بالای صندوق سینه اش افتید از خواب بیدار شد . ولی در هنگام روز هیچ اضطراب و تشویشی برایش دست نه میداد . در نتیجه یك معاینهٔ که بالای انجنیرمذکور صورت گرفت مرض قلبی‌درمراحل ابتدائی آن نزدش تشخیص گردید که موصوف در مورد آن هیچ گمان نمیکرد . به همین ترتیب یك زن مریض به طور مکرر خود را در خواب میدیدکه در روی یك قطعه زمین سر دو مرطوب درازکشیده و بعد از آن طوری حس کرد که گویا در یك گود می افتد و زمین‌بالای صندوق سینه وی فشار وارد میکند :

زن مزبور این خواب‌ها را دو ماه قبل از آنکه در ضمن یك‌معاینهٔ توبرکلوز را در وجود ش تشخیص نماینده میدید . بدین قسم یك افسر نظامی که از جبهه جهت سپری کردن رخصتی کوتاه مدتی به خانه خویش آمده بود درخواب دید که تمام افراد واسپ های شان در میدان جنگ در پهلوی راست شان جراحت بر داشته اند . در نتیجه دیدن این چنین خواب بعد از مدت مختصری خود افسر در پهلوی راست خویش درد را حس کرد و دوکتوران تشخیص کردند که موصوف مصاب به مرض جگر بود .

بدین ترتیب دوکتور کاستکین از خود پرسید که آیا ممکن خواهد بود از طریق چنین خوابها مرضی در حال رشد را که تاهنوز علایم مشخص آن در وجود بیمار ظاهر نشده پیش گوئی کرد .

قسمیکه دوکتور مذکور به مطالعه و بررسی خوابهای اطفال، نوجوانان و مردم کهن سال ادامه داد به این نتیجه رسید که دیدن خواب موقعیت و خاصیت بیماری در حال انکشاف را نشان میدهد .خوابهای مکرر امکان تشخیص مرحلهٔ ابتدائی امراض را چند روز ، دربعضی اوقات یك ماه و حتی یکسال‌قبل از بروز اشکارآنها فراهم میسازد .

بیماری های از قبیل گریپ ، بیماری حاد برونشیت والتهاب مجرا های فوقانی‌تنفسی،آپندیسیت حادویا التهاب معده خود را از طریق خواب دیدن درشبکه‌چشم شخص قبل از آن که به مرض مصاب شود ظاهر میسازد که این کار از سبب پشرفت و رشد سریع امراض است .

به همین قسم مرض دیفتری را یك الی دو روز قبل از بروز آن میتوان پیش گوئی کرد و بروز مرض محرقه (تیفوس) را یك هفته پیش میتوان‌پیش‌بینی‌نمود...

اختلالات خفیف ذهنی را هفته ها و حتی ماه ها قبل از بروز اشکار شان و فشار زیاد خون رامیتوان دوالی سه ماه پیش در خواب دید .

البته دیدن امراض در خواب نیز تعلق به فردیت ونوع سیستم عصبی مریض دارد . ولی به صورت طبیعی هیچ کدام نشانه وعلامهٔ قبلی مرض وجود ندارد فقط یك علامهٔ نارا حتی در وجود بیمار سراغ شده میتواند که روی این منظور تشخیص مرض‌بایست توسط داکتر صورت‌گیرد.

بقیه درصفحه ٥٤

م. عاقل بیرنگ کوهدامنی

تفسیری از یك شعر

ازمیان ریگها والماسها

« از میان ریگها والماس ها » نام شعر بلندی از «احسان طبری» مرد بیدار و آگاه دوران ماست . احسان طبری اندیشمنـــد بزرگ زمانه‌ی ماست. کوشش ها وياد - داشت های او در زمینه فلسفه ، تاریخ ، ادیان وادبیات و هنر د یدگاه های مشخصی دارد . آثارا حسان طبری از اعتبارخا صی در میان پژو هندگان بر خـــوردار است . احسان طبری ، تسلطی شگرف و چیر گـی چشمگیر بر زبان‌وادبیات باور دری دا رد. حتی نوشته های فلسفـی اوباسبکی متیـن وشاعرانه وآهنگین پر داخته میشود. ترجمه ها و پژو هش هایش یکدست . ناب و در خور تحسین و ستایش است . طبری‌باآنکه شاعری رابه گونه‌ی حرفه‌ای د نبال نمی - کند اما سروده های او می تواند آ غازدگری باشد برای شعر متعهد دو ران ما . مـرور پیوسته در متون کهن شعری و نثری‌گذشته دری، احسان طبری را مجال پرواز بیشتری می‌بخشد. طبری مردی متین، آرام، پژوهنده‌ای سخت کوش است . با-مسوولیت و آگا هی قلم می زند . در زمینه‌ی سیاست جهان‌و فلسفهٔ نوین سیمایی فروغنده و در خـو ر اعتناست . « د یدگاه های ادبی ا حسا ن طبری» که دربر گیرندهٔ یاد داشت هایی‌عمیق او در بارهٔ مو لانا جلال الدین محمد بلخـی، ناصر خسرو بلخی ، خواجه شمس الدین محمد حافظ ، حکیم عمر خیام است در آینده به وسیله نویسنده‌ی این سطر ها نمایانده خواهد شد . دراینجا سخن بر سر شعـر «ازمیان ریگ هاوالماس های» اوست کـــه سروده ایست در اوج شگفتگی شعری .

دراین اثر گوینده از «عمق فاجعه» سخن می‌گوید ، صدای خودرا از دیواره هـــای استبداد بلند می‌کند . می بیند که شـب چیره است ، گرد خزان باریده است ، ا ما نا امید نمی گردد. راه پیمایی سخت کـوش وامیدوار است . توقف نمی‌کند به رفتـــن ادامه می دهد از سنگ وصخره می‌گذردودر سرانجام به روشنی وآفتاب بهاران راستین می پیوندد .

شریان رود ها
عضلات زمین را
بارور می کند

ودرسکوت کرگس ها و صخره ها
باد به زبان امواج سخن میگوید
بیشه ها آنجا از خاموشی‌سرشاراند
ودر صلح بیابان ها
چکه‌ی شقایق و حشی می‌درخشد
بیدبن عروس آسا
سیل رام نشدنی گیسوان را
برگل کف های موج می پاشد
او از ستیز موج و سنگ
بر رشته گل ها ونیزه های ار غوا نی
گیا ها ن
مشتی کبوتر بلورین می پرند
وعطری که ازان بر می خیزد
در ریشه‌های هستی‌ام رخنه می‌کند

- رودها، آدم‌های‌انقلابی، ازجان گـذشته فدایی و پیشتاز اند که توقف رانمی‌شناسند وشاید آنرا ننگ می‌دانند ، د لبسته‌ی‌حرکت رفتن وپویایی اند ، شوق‌رسیدن به دریا را در سردارند . با هر چه دشواری وناهمواری است به مبارزه و ستیزه بر می خیزند. با زمین بیگانه می شوند و زمزمه خویش رادر گوش زمان سر می دهند . باحرکت و آواز خود طاق سکوت را می شکنند . از ایستایی وتوقف به ستوه آ مده اند . می‌خواهند از قطره‌گی وناتوانی بیرون آیند . به سر زمین های گسترده و بیکرانه برسند .

باری رودهابه راه افتاده‌اند . سرود می- خوانند ، سرود ر هایی و آزادی را ، سرود یگانگی واتحاد را ، سرود رسیدن به ا فق های روشن ز ندگی را .

ا ما کر گس ها و صخره ها ، ریگ ها والماس ها، میخواهند که این اجازه رابه رود های براه افتاده و جاری ند هند . از حرکت شان جلو گیری نمایند . سد ها بسازند و دیوارها ، نا همواری پدید آرند ودشواری کرگس ها، صخره ها، ریگها و ا لماس ها، پاسداران بیداد ، خا موشی و فرا موشی ، توقف و سکوت اند . از حرکت رود ها که‌به راه افتاده اند و به سوی سپیده د مان‌راستین می پویند در هراس و تشویش اند. کرگس ها د لبستگان نظامی ار تجاعی و پوسیده‌اند. به لاشه ها و گندید گی ها د لخوش می - کنند، از بلندی و پرواز در آسمان صـاف می‌ترسند ، رود ها که به راه افتاده ا نـد در این راه پیمایی تنها نیستند ، بادو با ران باآنهامی پیوندند و یاری شان می رسا نند. رود ها را می توان طبقه‌ی پیش آ هنگ جامعه که در پشت ماشین کار می کند و ر نــج می کشد دانست و باد و باران را کشتکاران وکشاورزان حساب کرد . در اتحاد د هقا نان وکارگران است که انقلابی راستین‌به‌پیروزی می‌رسد.باد وباران ورود ها یگانه و همبسته می‌شوند و به سوی هدف های معین میرانند به سوی سا حل های نجات و ر هایی ا ما بیشه ها خا موش اند صحرا ها و دا من ها درسکوت فرو رفته اند . خواب شان سنگین وگران شده است واین می تواند نشانه‌ای از مردم اجتماع باشد که حادثه و فا جعهٔ را می نگرند د لشان می‌خواهد که این همه بیداد نباشد و روزگار فراعنه به پا یان آید ا ما می ترسند ، کرگس ها برسر شهـــر سایه انداخته اند وبال می زنند ، مر د م وحشت زده و هراسناك اند اگر صدایی از رود ها می شنوند آنرا به باور نمی نشینند. لاشخوران فضا را رعب انگیز و ترس آور کرده‌اند . ا مارود های پوینده از رفتن باز نمی‌مانند . گاه گا هی سکوت د شت ها را

رویش شقایق ها که می تواند نمایندهٔنسل جوان و قشر روشنفکر جا معه باشد در هم می شکند ا ما این شگفتن ها نز با بیداد خزان رو به رو می آید . شقایق های‌خونین باآنکه جان بازان اند ، ا ماگر گس ها همچنان به رقص و پایکوبی و بیداد ادامه‌می‌دهندو شقایق های خونین پی‌درپی پرپر می‌شوند. زمستان رویش ها ست و دم سردی دل هـا ودست ها . ا ما روح مقاومت ، مبارزه و ایستادگی در شقایق ها نمی میرد. شقایق ها در هر کرانه تخم افشانده اند و به پایان زمستان و بیداد ا یمانی راستین و استوار دارد .

«بیدبن ها» حرکت رود ها را، آواز باران ها و باد هارا دعوت شقایق های خو نیـــن رابی پاسخ نمی گذارند ، بیدبن ها باقطره های باران تجدید پیمان می نمایند با وزیدن باد ها سری به علامت تایید تکان می‌دهند. بیدبن ها می خواهند راهی راکـه رود ها ، ابرها ، باران ها وشقایق ها و باد ها در پیش گرفته‌اند بپذیرند . آهنگ ا تحاد و یکدلی بسرایند و چنین می کنند بید بن ها می‌تواند سمبولی برای طبقه‌ی زن در جامعه باشد ، که در درازنای تاریخ در اسا رت نگا هداشته شده واینك دعوت فدایی ها و پیشتازان‌جا معه را صمیمانه می پذیرند . «بیدبن ها» هم دل شان برای روز های آفتابی شور می زند می خواهند به سا حل های رهایی برسند و باسنگ ها و کرگس ها و ریگ ها والماس ها به ستیزه ومقابله برخیزند . مقا ومت وایستادگی و ایمـــان نشان دهند . «بیدبن ها» آنگـونه کـه شبـه دانشمندان وابسته به دنیای سر مایه‌داری میگویند . « بی ثمر» نیستند اگر مجـــال شگفتن را بیابند می توانند در شگو فا نی وسازندگی جا معه نقشی بر جسته و قاطع داشته باشند .

درشعر بلند « از میان ریگ ها والماس‌ها» کبوتران که پیام آ وران صلح ، دوستی و محبت اند می توانند تعبیری از نوخاستگان وکودکان جا معه باشند که باگل‌های ارغوانی رابطه دارند . شگوفه ها و گل و سبزه هارا صادقانه دوست دارند . خواب گل هـــا ی سرخ را می بینند از مناسبات توان شکن و فرتوت بیم ناك وبیزارند . کو دکان قرن ما بیدار اند و د لبسته‌ی افسانه های زرد پری وسبز پری نیستند واصولا نمی توانندباشند. درعصر افسانه ها زندگی نمی کنند دردوران حماسه ها بسر می برند . در عصر دا نش ورستاخیز های اجتماعی وبه قـول فـــروغ فرخزاد . شاعر آ گاه دو ران ما « کودکان قرن ما خشمگین و عصیانی اند به جـــای اسباب بازی در بکس های مکتب شان‌اسلحه حمل می‌کنند . و فتی می خواهند خشم خودرا برضد نابرابری ها و ناراستی‌هانشان دهند. حرکت رود ها راه پیمایی ابر ها وسرود های و باد و باران و شگفتن شقایق وپرواز کبوتر ها و تکان خوردن بید بن ها شا عر «ازمیان ریگ ها والماس ها» را که عاشق حرکت و پو یایی و تکا مل است سخـــت امیدوار ، شاد مانه و خوشحال می کند . او که در خزان باور ها ز ندگی می کند از این رویش ها و شگفتن ها بیشترین لـذت هارا می برد .

.... ز مان زاینده
زمان دگر ساز
زمان تو فان زا
هردم باپویه‌ی ابر ها همراه هست
وتار ای سیمین باران
بر سرو ناز های همیشه جوان
و بر طرقه های جنوبی که بر درخت‌انجیر نشسته اند .
وبر فریبای رو یارنگ بو ته ها
فرو می نشیند ، شفق چشم افروز
آمیخته با جیر جیر صبحگا هی
از میان گله‌ی ستارگان
برمی‌خیزدهمراه بابادخودسرومستی آور
که گیاهان را باپای بند ریشه ها
برقص در می آورد
آنکه که‌روزی نو نطفه می بندد
ودر چوب های خوش آ هنگ
زایش جوانه هاست
وریشه در تاریکی ز مین
استخوان های سنگ را از هم می‌گسلد
«به غرور و صلابت آن تمسخر زنان»
ورنگین کمان لرزان در اوج رنگ‌پریده‌ی آسمان

گام نغمه ناك خود را
بر موران راهب پیشه
وپرواز بنفشه گون پروانه ها
ونگاه گوگردی رو با هان
ودیدگان شراب آلوده‌ی غزالان
وبال مهربان پرستو ها می گذارد .

برای شاعر بیدار دوران ما زمان ارجمندی ویژه‌ای دارد . باید باز مان همگام و همراه شد. ز مان را باید در یافت و باور کرد . « زمانی که زاینده است ، دگر گون گـــرو طوفان زاست «رود ها، باد ا بر، بیدبـــــن ها، شقایق هـــاو کبوتر هاهمه دل بسته و عاشق زمان هستند . بازمان یکجا در حـرکت اند . نمی خوا هند که از زمان گامی عقب بمانند . باید با زمان ر فت و زمان ز دگی وعقب گرایی را نابود کرد . حربه‌ی ز مان بسیار قاطع و برنده است . ز مان باکسی تعارف و تشریفات هم ندارد . زمان همه‌ی پوسیدگی ها و تیرگی هاراکار بردی نویـــن ندارد به دور می اندزد و نابود می کند .

باری ، « ز مین به فرمان ز مان است . » باران راکه بارود هاپیوسته است وروح زمان را دریافته ، بوته ها ، سبزه ها و جوانه‌های جوان را بیدار می کند . باران گرد ملال‌را از بال و پر کبو تران می شوید آماده‌ی‌پرواز شان می کند . به دنبال حر کت رود هـــا، شفق‌ها و تك‌تك ستارگان جدا مانده نیز با شب وتاریکی ، ظلمت و سردی و خـاموشی به پیکار بر می خیزند . گوگرد های شفق شعله های ستارگان می خوا هند شب وشب زدگان و خفا شان شب پرست را نا بــــود نمایند . دیگر مجال ز ندگی و بیداد به آنها ند هند . گیاه ها و ریشه ها هم بدنبال‌رود ها می افتند. به رود های رونده و بی باك و به باران های دل بسته به خورشید اقتـداء می‌کنند روز های دیگری آغاز می شود ، روز های آفتابی ، سر سبز و با رانی، زر دی‌ها وخشکی ها و سردی ها نابود می شوند . درخت ها ریشه های خود را در تاریکـــــی عمیق تـــــر فرومی برند . درسیا هی‌زمین در محیط بیداد سنگ ها و ریگ ها والماس هارا که دست نشاندگان کرگسان اند درهم می شکند و نابود می نمایند . ریشه هـــا صلابت درو غین سنگ ها والماس ها را به ریشخند و مسخره می گیرند . رنگین کمان نیز به حر کت و روشنی بخشی و ر قص می‌آید و گوشه های بام ها را مقبول‌ورنگین می نماید واین مو ج همه جا را فرا می‌گیرد. کوشش های کر گس ها نمی تواند کار گر افتد . پروانه ها و غزالان و پرستو ها نیز به این موج بزرگ ، شکننده و سازنـــده پیوسته‌اند. مور های منزوی نیز از خلوت خانه های خود بیرون آ مده ا ند . راه‌دیاران رهایی و روشنایی را در پیش گرفته ا ند واین راه پیمایی ، این آواز واین پر وا ز بس بسیار آگا هانه و رساست . همه‌برفرمان زمان درحرکت افتاده اند ومی خواهند خواب های سرخ شان تعبیر گردد . در یاچه هـــا می خوا هند در همدستی با باران های مژده بخش به در یا های بزرگ بر سند. حرکت خویش را توانایی و تندی‌بیشتری می‌بخشند. رنگین کمان« گام نغمه ناك» خودرا بر سر شهر خا موش بام های کوتاه و گلین می ـ گذارد . شهر پراز ترنم باران «صدای بال پرستو های عاشق می شود . خلوت موران منزوی و را هب پیشه هم بر هم می خورد. طاق سکوت د یرین سال در هم‌می‌شکنند . تاریکی آ هسته آ هسته رو به نابودی می‌گذارد . شهر روشن می شود .

.. و تا فوج عقا بان در لا ژورد
وطلسم سپید برف بر قله ها
ودریاچـــه‌ای‌کـــــه بر پیشانی زمین‌می ـ درخشد .
عکس می افتد
درشب ز مین
آنگه که در لجن مرموز مارها می خوابند
وکرگس شاه آدم خو ران در لانه می‌خزد
وسراسر هستی در آب تیره تعمیدمییابد
وخاکستر فرا موشی را بر سر خاك لاله وتب گل های زرد می باشند
به تنها یی غرور آ میز قله‌ها می‌اندیشم
و به راز بار آ وری عناصر
وغبار بذر های سبز
آن روز فرا می رسد .

شاعر در هوایی آلوده نفس می زند د ر فضایی مختنق که همه‌ی ارزش های انسانی‌را نفی می نمایند . دو ران ، دو ران کر گسان آدمخوار و ماران گرسنه وو حشی ا ست که فضارا آلوده ودود زده کرده اند . ز مانه به کام آ دمخو ران و ستم پشگان ا ست کـــه نفسی آلوده دارند و به هر چه می د منـــد خاکسترش می کند .

کرگسان آدمخوار و ماران خوش خط وخال به رقص و پایکوبی پر داخته اندو گردی ازبی باوری ها بر شهر پاشیده اند . امـا شا عر همچنان به غرور کو هستان مـی ـ اند یشد ، به پرواز بلند عقا بان و بار وری سبزه ها ودرخت ها ، همیشه امیدوار است ودر انتظار ، در انتظار رو زان گرم وآفتابی. شاعر باآنکه در گذر گاه خزان ایستاده‌است، ا مادر انتظار بها ران است . او دولت خزان را مـوقتـی و کـوتاه می دانـد . حـرکـت در یاچه ها فر جا می آفتابی و د لپذ یـسر دارد . روزی که شاعر در انتظار آن است فرا می‌رسد ، روزی سرشار از ترنم با ران و مژده‌ی خورشید.

... و ستون های طلایی خورشید
برسیم مه آ لود آب
ترانه های شگرفی را بیدار می‌کند.
که ازان تاریخی نو شگفته میشود
وغوغای شهباز ها به آ سمان بر می‌خیزد
وفیروزه ها از ظلمت معدن می گریزند
وکا هنان باچهره هایی به رنگ سبز
ورد خوا نان
خواستار نفوذ شب ها در گنبد هـــا ی عقیق اند .

پا سداران تاج و تخت ، جا دو گران و کا هنان آن ریزه خواران خـــوان بیداد و قشری مفتخوار و بهره کش اند و بـــقا ی خویش و آسودگی خود را در حفظ نظام‌کهن می دانند ، می خواهند شب سیاه کاری‌جاودان جاودان گردد . دل شان می خواهد که بـــا توسل به خرافات واو هام و رمل واسطرلاب عمر نکبتبار طاغوت ها دراز تر گردد . می‌خواهند یکه تازان و مستکبران بیشتر خون ستم کشان را در پیاله ها کنند . کا هنان پاسداران بیداد

بقیه در صفحه ۵۳

شب رفته

نوشته نعمت حسینی

زن مقابل آیینه ایستاده بود ـ موهایش را شانه می‌زد ．

بدقت تصویر خود را در آئینه میدید ـ پس از آنکه لحظاتی خودرادر آئینه دیدباخود گفت :

ـآه چقدر پیر شده ام ． این مدت کم‌مرابه اندازه ده سال پیر ساخته است ．

او به موهای سفید خود که مثل برف‌بالای سرش خوابیده بود خیره شد ． پس ازچندی ایستادن مقابل آئینه بالای چوکی کهنه‌ورنگ ورو رفته یی نشست ． اطاق چنان سرد بود که دست هاو پاهای زن را کرخت ساخته‌بود ـ نوك انگشتانش از شدت سردی کبود شده بود ـ به هر چیزی که دست می‌زلد دستش می‌چسپید ، به دخترش «شبانه» که یگانه‌یادگار شوهرش بود و بالای چو کی به خواب کودکانه اش فرورفته بود نگاه کرد ．

هنوزنگاه های معصومانه ودردآور دخترکش اورا می آزرد وهنوز لبخند کودکانه او که گاهگاهی روی لبانش پدیدار میشد ، قلبش رابه تپش وامیداشت .

شبانه چنان به خواب کودکانه اش‌فرورفته بود که حتی سردی اتاق نیز او را بیـدار نمی کرد ．

زن به بیرون نگریست ـ هوابا‌آنکه اندکی روشن به نظر می‌رسید． برف‌به‌شدت می‌بارید ـ نورچراغ همسایه رقص دانه‌های برفرابخوبی نمایان میساخت ．اندوهگین بود ، غمزده بود، بغضی راه‌گلویش رابست . دلش میخواست گریه کند ـچیغ بزند اما گ ریه اش نمیامدو فریادش در گلو خفه می شد .

البومی راکه بالای‌میزقرار داشت ـ برداشت وورق زد ، عکس های خود و شوهرش راکه یادگار آیام خوش زندگی شان بود مرورکرد، به ء کسی بر خورد که یاد آوری بود اززمان آشنایی او بامرد زندگی اش ．

او در آن زمان خیلی شاداب بـود وزیبا بیست سال داشت و مکتب را تازه به‌پایان رسانده بود ．

یادش آمد روزی‌که‌برف دانه ،دانه می‌بارید ورقص کنان باناز روی زمین می‌نشست منتظر سرویس بود ، ناگهان متوجه شد حبیب که چند حویلی دور تر از آن هازندگی می‌کرد به او سخت توجه داردو چشمانش به‌اودوخته شده‌است ． باوجود یکه دست و پاچه شده بود خودرا نباخت باسر انگشتان خود شال گردنش رابه بازی گرفت ، گاه رشته های شال را طرف‌راست و گاه طرف چپ‌می‌پیچاند امااز زیر چشم به حبیب ، به آشنایی نا آشنا به هم کوچه خود نیم نگاهی میکرد ، و دوباره ریشه های شال را می کشید ．

سرویس آمد ، در داخل سرویس نیـز پنهانی اورا نگاه می‌کرد ، از سرویس که‌پائین آمد بازهم‌متوجه‌گردیدکه حبیب اورا مشتاقانه می‌نگرد ．

روز ها گذشت ، آند وبهم آشنا شدندو سرانجام حبیب ضمن دیدو بازدید هابرایش گفته بود که دوستش دارد و از دل وجان اورا میخواهد ．

حبیب خوب بود ، مهربان بود ، همیشه تبسم برلب داشت و همینکه با«سحرم»مقابل میشد، برق شادمانی، بیش از پیش ازچشم هایش می درخشید ．

زن البوم را روی میز گـذاشت از چوکی برخواست به سوی کودکش رفت لحاف راکه از سر کودك‌بیك سورفته بود، دوباره روی او کشید تاخنك نخورد ．

از شیشه به بیرون نگریست ． برف هم چنان می‌بارید ، عقب پنجره ایستادو بـه بیرون خیره شد ، پرنده خیالش پر کشید ، یادش آمد که روزی ، برف می‌بارید وبازوی حبیب را گرفته در جاده یی آهسته گام می‌زدند ． گاهگاهی برف را باپایش‌تیت می‌کرد از حبیب پرسیده بود ．

ـاز برف خوشت می‌آید ．

رشتهٔ خاطره هاواندیشه های سحر را صدای سرفه پای دخترکش از هم گسیخت رفت بالای سر شبانه ، پیشانی اش را بوسید اورا بغل گرفت ، دوباره در جایش نشست شبانه رابالای زانوهای خود آرام ، آرام شور داد تادو باره به خواب رفت ． دست های کوچك و ظریف شبانه را که کمی سرد بود چندین بار به چشمانش مـالید و ماچ کرد وزیر لب زمزمه کرد ．

ـتو زندگی مه هستی ـ تو قوت دل مه هستی ．

زن باردگر چون عنکبوت به تار اندیشه هایش چسپید ـ اندیشه‌هاوخیالاتی که‌برایش دلپذیر بودند ، به یادش آمد روزیکه حبیب یك گلدان پر از گل آورده بود ، گلهای‌سرخ که حبیب سخت گل سرخ را دوست می‌داشت صدای حبیب که شورو گرمی زندگی راداشت هنوز در گوشش بود ．



- عزیزم - ازی گلدان خوب مراقبت کنی. گل های نازك وظریفی استن ... وزن برایش گفته بود .

- مراقبت میکنم.. هرچه توبگویی هموطور میکنم ....

شدت سردی زن را بخود آورد . پاهایش کرخت شده بود با زحمت برخاست و شبانه رابه بسترش خواباند - بعد دست های خود را به هم مالید و فشرد تا کرختی را دور کرده باشد و ناگهان چشمش به چله اش افتاد به حلقه طلایی اش .

یادش آمد ، که زمستان بود شاخه ها عریان شده بودند ، چادر سفید برف همه‌جارا پوشانده بود و سرما بیداد میکرد . همه‌جاو همه چیز درکام یخبندان فرو رفته بود ..

یك شب که حبیب از کار خسته به خانه آمد سحر پریشان بود ، حبیب علت راپرسید سحر موضوع گم شدن چله اش را گفت‌که دربین برف ها از نزدش‌افتیدو قادر به‌یافتنش نشده بود .

حبیب بالحنی آرام گفته بود .

- غصه نخو- برت دگه چله‌میخرم‌همی‌فردا یك حلقه طلایی دگه .

-اگه برف ها اوشوه پیدا خات شد ...

-آخر برف ها او میشه ...

و هردو چون دو گنجشك که در سقف برنده خانه آنها لانه کرده بودند در اندیشه آب شدن برف ها فرورفتند ... شبانه هنوز خواب بود - زن کنار پنجره آمد به بیرون نگریست گلدان های گل همسایه رادید که زیر برف خوابیده بودند یادش ازآن زمستان سر آمد - از آن روز ها که گلدان گل های سرخ را باناز می پرورانید . صبح گاهان آن رابه آفتاب میگذاشت‌وهنگام غروب‌دوباره به اطاق میآورد . او اینکار را چنان باشوق واز جان ودل انجام میداد که گویی عاشق آن گل هاشده بود .

حبیب گاهو بیگاه میگفت :

-سحر جان ببین ای گل ها چقدر زیبانمان چه رنگی مقبولی دارن ، هموطور نیس .

-هموطور اس ،مقبول اس . ای گله دوست دارم وتره زیاد تر از گل .

ویك شب سحرفراموش کرده بود که‌گلدان رابخانه بیاورد صبح که از خواب برخاست، برف دانه دانه میبارید و چنان معلوم بودکه از سر شب باریده است ، چشمش به کنج اطاق افتاده بودوگلدان سرخ راجایش ندیده وارخطا به بیرون‌رفته‌دید برف آن راپوشانده است گل ها کرخت شده بودند و برگ‌های آنرا یخزده بود . ودرحا لکیه غمی بزرگ قلبش رامی‌جوید‌دوقطرهٔ اشك روی گونه‌هایش لغز یده بود .

وباز هم به یادش آمد که حبیب درآن‌لحظه صدایش زده بود .

-«سحر ده ای خنك ده بیرون چه میکنی. بیاخانه که هوا سرداس » و اوکه بغض راه گلویش را سخت گرفته بود - میخواست فریاد بزند و چیغ بکشد - اما غمگینانه داخل اطاق شده همینقدر گفته بود :

-برف گل ها را کرخت کرده :

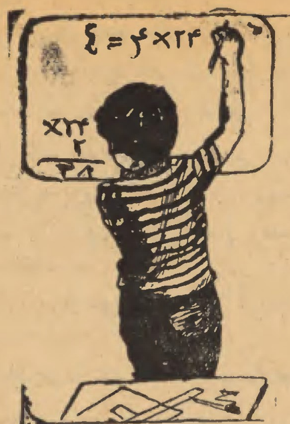
حبیب هم اندوهگین شد - اماچیزی نگفت وبه فکر کرختی فرورفت ودر اندیشه ی‌تاراج برف غرق شد که گل هایش را باخود برده بود .

زن از پشت شیشه ی پنجره به بیرون میدید برف سپید در زیر پر تو خورشید، میدر خشید .

او دیگر به برف فکر نمیکرد به زمستان هم نمی اندیشد - فقط به حبیب ، حبیب دلش به حبیب زندگی اش فکر میکرد که دیگرنبود که جایش در کنار پنجره خلی بود .

سال ها بدنبال هم گذشته بودند اما هنوز سحربه یاد حبیب بود به یادمردزندگی اش فکر می کرد شاید یك روز او دوباره برگردد.







اطفال امروز

شخصیت طفل

طفل در برابر پدیده ها ی مختلف اجتما عی یعنی طر ز رفتار وگفتار وروش بر خورد با مسایل و حـل آنها یا بطور کلی مشخصا ت بدنی ونفسا نی یکنفر منحیث کل شخصیت او را میسا زد . پس شخصیت از عوا مل مختلفی تشکیل گر د یده است که برخی از آنها ما نـنـد شکل ظا هر ی یا رفتار و آدا ب که دید ه شد ه میتوا ند و یـك تعداد چیز ها ی دیگر از قبیل تمایلا ت آرزو ها و اهدا ف کـــه خط السیر رو حی انسا ن رامشخص میکند .

پیدا یش شخصیت مـبـنـی بر خود شنا سی است هر کس خود را نیك بشنا سد در ك نما یـــد که چه کار ها ی ازو ی سا ختـــه است پس از آ ن میتواند در مورد دیگرا ن قضاو ت نسبتاً در ســت صا در نما ید زیرا نظر هرشخصی درحصه د یگـرا ن برا صـول معتقد ا ت و طر ز رفتار و اخـلا ق خود ش متکی می با شد پس تصو- را ت و عا دا ت ابتدا ئـــــی که انسا ن بدست آورده ا ست ا ز نظر تکا مل شخصیت بسیا رارزنده است چه ا گر بنا ی شخصیت در خانواده قوام بگیرد طـفل در بـر- خورد با ا جتما ع احسا س اعتماد به نفس و رضا یت خا طر خوا هد کرد .

حرکات و سکنا تش متزلـزل و تقلید ی نخوا هد بود و جای خود را بین مرد م اتخا ذ نموده محبو ب ومورد احترا م خوا هد بود .

اما در کشور یکه پد را ن و ما درا ن متو جه تا ثیر ا خـلا ق ورفتا ر در اطفا ل شا ن نبا شنـد ویاطفل را رو ی تعصبا ت بی جا بدون در نظر گر فتـن ا قتضاء آت محیط و عصر و زما ن مثل خو دبار میآ ورند در موقع فرار سیـــد ن اوا ن مکتب و بر خورد با معلما ن وهم ردیفا ن فر ق زیاد با سایرین میدا شته باشد .

طفلی احساس حقار ت نمو ده خود را از جمع ایشا ن کنار خواهد کشید. فرد ا گر واقعیت بین براید وارزش های خود را خو بتر درك کند بکا ر ی که قادر است بااطمینان کامل اقدا م خوا هد کرد و درمورد چیز یکه اطلا ع ندا شته با شــد ادعا ی بیمورد نکرده پیو ستــــه اعتدا ل را رعا یت خوا هـــــد کردو با فکر مستقیم و رسا و نظر خالی از حسد و بغض در مـــو رد دیگران قضا و ت صحیح خـواهـد کرد و درین صورت ارتباط اوباعالم خا رج مبنی بر منطق و عوا طف عا لی انسانی استوار خوا هــــد بود .

عوا مل تشکیل دهندۀ شخصیت:

در سنین کود کی انسا ن معمو لاً در بی تعین خو ب وبد ا مـــو ر وارزش یا بی آنها میبرا ید. درابتدا که نیرو و استحکا م نیا فته با شد زیادتر از رفتار بزر گا ن تقلیـــد میکنند اعما ل و رفتار ا شخا صی محبو ب و مورد علا قه خود رانمونه شان قرار میدهد میزان نیك و بـد را از عینك ایشا ن مینگر د.عوا مل مختلف را تشکیل میدهد در دورۀ مکتب اکثرا از هم سا لا ن ومعلمان خود بیش از د یگـران میا مـوزد عوامل مختلف در تکا مل شخصیت در دو را ن طفلی مو ثر است که یك عدۀ آنها را طور نمو نه دراینجا تذ کر مید هم .

۱ـ ساختمان بدنی : تنا سب اندا م و زیبا ئی سا ختما ن بدن که مورد تو جه و تحسین د یگران وا قع شودوهم چنین نقص عضـــو و گرا هت نظر در چگو نگی فکـر وطرز رفتار شخصی مو ثر ا ســت کمبود رشد بدنی چاقی، لا غـری بلند ی و کو تا هی در ردیــــف مقا یسه با د یگرا ن عا مل ناراحتی است کود کا ن و بزرگ سا لا ن از این نا حیه متا ثر میشو نـــد کسا نیکه د چـــار نقص عضوی اند حالات عاطفی شد ید د ا ر نـد که حس حقار ت و گو شه گیـــر ی را در ایشا ن خلق میکند وزند گی را با لای ایشا ن تلخ و نا گــوار میسا زد .

۲ـ لبا س و سایل : عا مـــل دیگر یکه عکس ا لعمل شد یـــد در شخصیت اطفا ل دارد لبا س و لواز م کا ر ا ست که مو ثر ترین آنها مو جب با لیدن و عد م آنهــا سببب نا را حتی میکر دد در یکنوا- خت گر د ن لبا س متعلما ن و بکار برد ن یك نو ع لباس به خصوص در مکا تب د خترا ن مفید حــال شا گر دان که آ نها ا زیـن ناحیه رنج میبر ند وا قع میشود .

۳ـ نام و لقب : نام و نــام خانوادگی که نتوا نـد د ستاویــز لطیفه گو یا ن قرا ر گیرد منا سب ترین رسمی ا ست که فرد به آن می با لد نا مش مشکل تلفظ شود یـا مشابه مترا د ف کلـمـات زشت



طرز بر خورد والدین با اطـفال مخصوصا ابرازمحبت مادری درتکامل شخصیت طفل تاثیر خودرا بـجـامی گذارد.

« راسا»

رنگین خوب

بیگاه په خوب کی محبوبا را غلله
ډیره خوشحاله په مسکا را غلله
ما تر ی تپوس دخپل وصال وکړلو
دا راته شنه شوه په خندارا غلله
را ته ئی سری شونډی اوسره انگی
را نذ رانه کړل په ګډا را غلله
ماهم ددی په نذرانه کی د ستی
دوا ك په ورکړه می رضا را غلله
دیار په مینه کی ورك شوی ځان می
پیدا نکړ دا څه صحبارا غلله
څومره خو ږه څومره شرینه شپه وه
چی را ته خو ب کی شالیلی را غلله
ستاد وصال په یا دبه بیا وده شم
گوندی دامینه که دی بیا راغلله

از : باقری

دل ، چشم ، سر ، و زبان ازنگاه شاعر

د ل

دلی کز عشق میهن بهره ورنیست
بباغ زندگی او را ثمر نیست
فروغ عشق دل مهر وطن شد
کمال معنوی زین خو بتر نیست

سر

سری کز باده میهن خما راست
شکوه وعظمتش بس پایداراست
نباشد خوبتر بز می کز ین بزم
در این راه اهل حکمت جانسپا راست

چشم

خوشا چشمی که راه تو ده پوید
گل زیبای این گلشن ببوید
کشد نور صفا چون پر توصبح
مسیر راه پیر و زی بجوید

زبان

زبانی را که گویای وطن شد
برای عشق مرد م در سخن شد
کشد از بحر هستی گو هرنا ب
دراین ره پاسدار شس مردو زن شد

عظیم شبهال

کاندایدای جوایز اتحا دیه نویسندگان ج . د . افغا نستان

همخون

وهمسنگر

وهم باور!

سالها پیش ازین زمان
که در خانهٔ من و در خانهٔ تو
کدخدا بود و صاحب عنان
بهره کشان و ستمگران
ای همسایهٔ باستان
بین ماسرحد بود :
آمودر یای خرو شان

***

اما بعد که تو
باپتك کار گر وداس دهقان
تازیدی بر آنان
وافگندی بزیرستون (واندوم) را (۱)
برسم (کمو نار ها) جاویدان
آنگاه بین من و تو
مرز صلح شد و دوستی
آمو دریای فیض رسان
در آن هنگام :
که مردم میهن من برخاست
وراند از سر زمین نیاکان
فرنگیان
نکردی دریغ کمکت را
ای همسایه !
تا حد توان
وآنگاه که دشمن کین جو
باز در خانهٔ من •
در لانه و کاشانه و آشیانه من:
آتش افر وخت
برادرم راو خواهرم راو مادرم را
طفلم راو همسرم را
بیر حمانه بکشت
بودو نبودم را تاراج کرده
وخشك وترم راسوخت

من از تو همسایهٔ نیکو •
یاری جستم
وتو جوانمر دانه :
بانانت و باسلاحت مرادر یافتی
و به یاری ام بشتافتی
نانت را بامن قسمت کردی
و سلاحت را
وبا باورت با من
بردشمنم تاختی
اکنون من و تو
ای همسایه ، ای همد رد
در یك سنگر
می رزمیم
بایك باور
در ین سنگر :
خون برادر تو
خون برادرمن
خون برادر ما
خون تو
خون من
خون ما :
گرم و ج و شان ریخته
و خو نهای سرخ مان جاودانه
بهم آمیخته
واینگاه من وتو
ای همسایهٔ ، ای همدرد !
یا همنه همسایه
که همخون و همسنگر و هم باوریم•

---

(۱) ستون (واندوم)مظهر ارتجاع ونظامیگدی بود که توسط کمونارهای پاریس در (۱۸۷۱) پائن آورده شد •

برای شما برگزیده ایم :

این هفته از ادبیات فرانسه

زن فریب خورده

اثر : آندره موروا

این داستان از میان بیش از یکصد داستان این نویسنده برای شما برگزیده شده است

آندره موروا نو یسنده به شهرت رسیده که قصه های کوتاه و بلند ش در بیشتر زبانها ی زنده دنیا بر-گردان شده ودر ادبیات جهان چهره شناخته شده یی به شمار میا ید،در سال ۱۸۸۵ در شهر «البوف» دیده به جهان گشود .

پدرش کار خا نه دار میهن‌پرستی بود که بعداز جنگ ۱۸۷۰- ۱۸۷۱ میان آلمان و فرانسه که در نتیجه آن آلزاس به دست آلمانها افتاد به آلبوف کو چید و در آنجا به تاسیس کار خا نه یی پر داخت که رفـــاه اقتصادی خا نواده اش را از عواید آن به خوبی تامین می کرد و خود در شمار سر ما یه دار های محلی به حساب میا مد . مور وا درجریان جنگ نخستین جها نی به عنـــوان متر جم زبان انگـــلیسی در ارتش فرانسه به کار پر داخت و استفاده از یاد داشت های روز انه همین‌دوره از کار ش ما یه ی او لین کتاب او «سکوتها ی کلنل برا میل» گردید که برای او شهرت فراوا نی را به ارمغان آورد .

موروا در مدت زندگی خود رمان ها وقصه های کوتاه فراوانی رابـــه نگارش آورد که تحلیل روا نی قهر-مانان در جریان حادثه سازی هابه کار های او ویژ گی و خصو صیتی از قصه روانی میبخشد .

موروا که درسال ۱۹۳۸ به عضویت فرهنگستان فرا نسه انتخاب گردید ودر سال ۱۹٦۵ موفق به در یافت جایزه «سفرا» شد، افزون‌بر قـــصه نو یسی به نگا رش زند گینا مه های مردان بزرگ نیز پردا خت که در این ردیف کار های او «پرومته یا زند گی با لزاك» اثری است‌گرا نقدر وبا ارزش .

از میان رمان های او منتقدیـــن ادبی «اقلیم» را شاهکاراین نویسنده میدانند که در ادبیات فرانسه نیز اثری جاو دانه شمرده می شود .

آندره موروا در سال ۱۹٦۷ بـــه عمر هشتاد ودو سالگی جهان را بدرود گفت

قصه کوتاه «زن فریب خورده»که در اصل باعنوان «توزن هنر مندی هستی» به نگارش آمده ا ست به وسیله دکتور تقی غیا ثی به دری بر گردان شده و ما آنرا با مقداری تزیید و تصرف از نظر تان مـــی گذرانیم در واقع درسی‌ازنما یشنامه نویسی است که در قا لب داستا نی زیبا و پر احساس ارائه می گرددو به همین جهت مطا لعه آنرا به همه‌ی هنر آموزان هنر های تیا تر وسینما توصیه میداریم .

* * *

دوست من «روبر فابر» همیشـــه احسا سی پیچیده و چند گا نه را در من بر می انگیخت ، از پر رویی وبی آزرمی اش بدم میا مد ، اما شورو شوق فرا وانش را برای کار ستایش می کردم ، نما یشنا مه ها یی‌که می نوشت بر افرو خته و عصبا نی ام می سا خت ولی از قدرت نمایشی آنها خو شم می آمد ، خود خوا هی ها یش نا را حتم می کرد اما ازاینکه همیشه مثل يك دوست صمیمی مرا محرم رازش قرار میدادو حتی اسرار خانوادگی اش را نیز از من نمـــی پو شانید ، قلبا شاد و را ضی‌بودم، وقت نا شنا سی اش از این مانند که صبح وقت برایم تیلفون می کرد وانتظار داشت سا عتها به گفته هاو درد دل ها یش گوش دهم برافروخته ام میسا خت ، اما اگر اتفاق می‌افتاد که سه روز پی در پی برایم تیلفون نکند ، نگران میشدم ،

آن روز صبح نیز برایم تیلفون کرد ودر صحبت کو تاه و شتابزده خود گفت :

- دوست عزیز ، بسیار ممنون می شوم اگر هر چه راکه‌می نویسی رها کنی و فورا نزدم‌بیایی ، موضوع مهمی است که باید با تو در میا ن گذارم واز تو مشوره بگیرم .

با عصبا نیت به او جواب دادم:

-روبر، واقعا که تو ا ز دو ستی وبرد باری من سوء استفاده میکنی سه بار در هفته برایم ایجاد مزاحمت می‌کنی و آنهم برای کار های پیش پاافتاده و بی اهمیت ، حداقل حق زند گی خصو صی ام را از من نگیر، همین اکنون تازه شروع به نو شتن مقا له یی کرده ام .

بعداز پنج دقیقه گفت و شنوددر برابر اصرار پیهم او به این نتیجه رسیدم که اگر چند دقیقه یی نزداو بروم وقتم کمتر تلف می گردد ، چه اگر خواهشش‌رابر نمی آوردم امکان داشت نه تنها آنروز بلکه روز های

پیا م به پار لما ن ها و حکو مت ها ی جهان و پیام به زنا ن سراسر جها ن ، کنگره بر لین فا کتـور نیرو مند ی را تو سعه صفو ف جنبش دمو کرا تیک بین ا لمللی ز نا ن محسو ب میکر د .

فر یده براوون رئیس فـدرا ـ سیو ن د مو کرا تیک بین ا لمللی زنا ن تدو یر کنگره را حاد ثـۀ پر اهمیت تا ریخی ارز یا بی نموده وبیا ن دا شت که این نما یش بزرگ افاده گر نیرو ی عظیم ز نا ن در مبا رزه مشترک بخا طر صلح ، آزاد ی و استقلال خلقها مـی با شد .

از تاریخ ۸– ۱۳ اکتو بر ۱۹۸۱ در پرا گ پا یتخت چکو سلوا کیا کنگر ه سر تا سری ز نا ن کـه یکی‌از مهمترین حوادث در جـنبش بین المللی زنا ن است گشا یش یـا فت . ا یـن کـنگره بـه ابتکا ر فد را سیو ن بین ا لمللی زنــا ن سازمـان د ا د ه شـد پیشنهاد در با ره تد و یر آ ن را جلسه بیرو ی فد را سیو ن‌دمو – کرا تیک بین المللی زنا ن که ا ز ۹ تا ۱۱ اپر یل سا ل ۱۹۸۰ در بر لین دا یر شد ه بود مطر ح‌گردید واشترا ک کنند گا ن بیرو از یـن پیشنهاد استقبا ل نمود ند. در ین جلسه تصمیم گر فته شد تا کنگره تحت شعار برا بر ی – استقلا ل ملی و صلح تدو یر یا بد .

اهدا ف کنگرۀ سر تا سر ی‌زنان در «پیا م به زنا نی جها ن » که در ما ه اپر یل هنگا م تدو یر جلسه بیروی فدراسیو ن تاکید گردیـد. انعکا س یا فت . در ین پیام‌گفته میشود : به تشد ید فعا لیـــت سازما نهای ملی ز نا ن ، تحـکیم و تو سعه نفو ز آنها و همچنا ن‌تو– سعه همکا ر ی با نیرو ها ی که در راه حقوق زنان مبارزه می نماینـد با ید مسا عد ت نمود . در کـار کنگره یکهزار نما ینده و مهمان از تمام‌کشور ها ی جها ن اشترا ک خواهند کرد . در جلسا ت‌کمیسیون ها و پلینو م ها وپروبلم ها ی ذیل مورد بحث قرار گرفت :

–مبارزه زنا ن در راه صلح‌وخلع سلا ح .

–زنا ن و مبارز ه برای استقلال ملی و تر قی

–تساوی حقو ق زنا ن در جامعه

–پرووبلم ها ی ز نا ن زحمتکش از آ ن جمله زنا ن دهقا ن .

– زن و خانواده :

–همکا ر ی سا زما نها ی زنا ن با مو سسه ملل متحد ومو سسا ت اختصا صی آ ن .

در جر یا ن کنگر ه سخنرا نی ها ی در بارۀ مو فقیت ها ی زنا ن در کشور ها ی سو سیا لیستی ، مبارزه ز نا ن کشور ها ی سرمایه داری، پرو بلم ها ی زنا ن کشو ر ها ی در حا ل رشد و کشور ها ی نو به استقلال رسیده ا یـراد شـد و هـمچـنا ن سخنر انی ها ی از جانب زنا ن کشور هـای که علیه ا ستعما ر و بخا طـر استقلا ل ملی می رز مند ا یـراد گردید.

تود ه ها ی وسیع زنا ن در امر تـد ا رك کـنگـر ه سهم گرفتند در عده ا ی از کشور ها کمیته های ملی تاسیس گردید. بنیاد فعا لیت شا ن آ ن مرا م به حسا ب میرود که در سا ل ۱۹۸۰ در کپـهنا گن در کنفرا نس سر تا سر ی در چوکات د هـه ز نـان بـه‌تصو یب‌رسیده بود . کمیته‌ ها ی ملی به پخش معلو ما ت در باره کنگر ه مساعدت مینما یند . سا زما نها ی ملـی تشکیل شد ه یکجا با دیگر سازمان ها ی متر قی فعا لیت میکنند .

این کمیته ها ی ملی ، کنفرانس ها، سیمینار ها ملا قا ت زنا ن را در سطح ملی تشکیل مید هند ودر جر یا ن این ملا قا ت ها مو ضو– عات و اهدا ف کنگر ه سرتا سری را مورد بحث قرا ر مید هند .

برای پشتیبا نی اقتصاد ی ا ز کنگره صندو ق و جهی ملی ا یجاد میشود .

در ۱۸ ما رچ سا لجا ر ی‌دربودا– پست جلسه مشو ر تی سا ز مانهای بین ا لمللی و منطقو ی دا یـر شد ، اشترا ك کنند گا ن این‌جلسه در مورد پرا بلم ها ی مو جود ه تدارك کنگر ه مشوره کر د نـد وتصمیم اتخاذ نمودند که گروپ‌های کـار ا سنا د ی را بـه حیث مواد اساسی برای جرو بحث تهیـه نما یند . در طی این ملاقات‌مشورتی ((انگبارك کرید)) نما یند ه‌مر کز مسا یل اجتما عی و انسا نـی و مو سسه ملل متحـد اظها ر کر د که مو سسه ملل متحد از پیشنها د فد را سیو ن د مو – کرا تیک بین ا لمللی زنا ن در باره تدویر کنگر ه جها نی ز نـا ن پشتیبا نی میکند و در ا مر تدا رك وتد و یر آ ن کمك خوا هد نمود در ین ملا قا ت مشو ر تی ۱۷ سا زما ن بین المللی غیر دو لتی وچار مو سسه جدا گا نه مو سسه ملل متحد حصه گر فتند که ذ یلا اسما ی شا ن ذکر میگر دد .

– شو رای بین المللی صلح .

–فد را سیو ن بین المللی‌اتحادیه های صنفی .

–سا زما ن همبستگی خلقها ی آسیا و افر یقا .

–لیگ بین ا لمللی زنا ن بـرای صلح و آزاد ی .

–سازمان سر تا سر ی زنا ن افر یقا .

– کنفرا نس کاتو لیت های مهر وپاهی در برلین .

–شو را ی بین ا لمللی زنا ن،

–فد را سیو ن بین ا لمللی‌پلا ن گذار ی خا نواد ه .

–فدرا سیو ن سر تاسری‌جوانان دمو کرا ت .

–موسسه ملل متحد ، سا زمان بین ا لمللی کار ، یو نسکو وغیره.

کنگره جها نی زنا ن به شکـل د مـو کـر ا تیك د ا یر گردید . مواد برای کار آ ن د ر جلسا ت گرو پها ی کا ر که در آن نما یند گا ن سا زما ن هـای بین المللی و ملی شرکت نمودنـد تر تیـب و مـو رد بحث قــرار گر فت . این گرو پ ها برای آنکه بتوا نند با مسا یل زنا ن در سر– تا سر جها ن آشنا گر دند بـر اساس قاره ها ی مختلف سازمان یا فته‌اند . در ماه اپر یل در دهلی او لین جلسه گرو پ کار د ا یر شد که در آ ن اسناد کار کنگر ه عنوانـی ز نان جـهان در مبارزه برای صلح بر ضد مسابقـا ت تسلیحاتی تدو ین شد ، دو میـن جلسه گرو پ کا ر در لز بـن «پر تگا ل » دا یر گردید که طی آن لایحه گزارش در بـاره ز نـان زحمتکش تدو ین گردید که در آن طور جدا گانه پرو بلم ها ی زنان رو ستا ئی انعکا س یا فته ا ست زنا ن رو ستا یی در تعداد زیادی از کشور ها ی جها ن تحت ستم قرا ر دا رند .

همچنان در گزارش تذ کـر رفته است که وضع زنا ن زحمتکش در کشور ها ی سر ما یه دا ر ی در نیمه سا لها ی ۷۰ به علـت بحران اقتصادی وخیم‌تر شده‌است. فعلا جلسه گروپ‌کاردرانگلستان دایر میکردد و عنقر یـب جلسا ت گروپ های کار ساسترپگار کانگاه، نگا، سو یز ر لیند دا یر خوا هـد گردید : کنگره جهانی زنا ن‌د رپراك جزء انفکا ك نا پذیر جنبش‌عظیـم جها نی برای صلح وخلع سـلاح شد و درامر تحکیم وحدت زنـان در جهت مبارزه بر ضد جنگ د ر دفا ع از استقلال ملی ، حقـو ق اقتصادی ، سیاسی و اجتما عـی آنها کمك بسزا نمود.

دخت‌شرق

ای پور دخت شرق !
گهوارۀ سپیده خورشید انقلاب
دروسعت سپهر
با شهپر یکه در خور پـروازآدمیست
همچون کبو تـران سپید جامـه‌سحر .
در زرمگاه مهر ،
بادشنه ای طلایی اندیشه هـای‌نغز
پرواز کن بسوی افق های لا له‌گون
مانند آفتاب نواز شگر زما ن
پرتو فگن به‌پیکر یخبسته زمین

زمان جنگ دوم جهانی تجارب تلخ وفراموش ناشدنی دارند. این جنگ جهان سوز مرگ میلیو نها انسان (بشمول بیست میلیون نفر سکنه شوروی)رابصورت انفرادی ودستجمعی باخود به ارمغان آورد . درین جنگ بی نظیر تاریخ زنان شوروی دو شادوش مردان شان چنان قهرمانیهای از خوڈ نشان دادند که برای همیش ثبت تاریخ شوروی و جهان گردیده وبرای همیش در خاطرات مردمشوروی ومردمان سراسر جهان باقیست .

زنا ن شوروی جاهای شوهران ، برادران پدران و فرزندان جوان شان رادر فابریکات، کار خانجات و کشتزار ها که بخاطر مقابله بدشمن کار ها را ترک گفته و عازم جبهات شده بودند پر کردهوبدینترتیب ازورشکستگی اقتصادی و قحطی در کشور شان جلوگیری نمودند .

آنها همچنان سلاح در دست گرفته دوشاـ دوش مرد ان شان در مقابل حملات وحشیانه هوایی و زمینی دشمن از شهر هاودهاتشان دفاع مینمودند که حزب ، دولت و مردم اتحاد شوروی سهم فعال زنان کشور شان رادر پیروزی کشور شان علیه فاشیزم با قدردانی یاد کرده و هرگز آنرا فراموش نمیکنند .

در جریان جنگ جهانی دوم میلیونها زن از کشور های جهان سوسیا لیستی وزنان کشورهائیکه تازه یوغ استعماررااز شانه های شان بدور افگنده بودند همبستگی عام وتام شان را از مبارزهبرحق وعادلانه زنان شوروی علیه فاشیزم هتلری ابراز داشتند .



اینعکس گوشهیی ازاولین کنگره فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان را کـه بـاشتراک نمایندگان هشتاد و یك میلیون نفر ازچهلو یك کشور جهان که (درماه نومبر سال ۱۹۴۵درپاریس) برگزار شده بود، نشان میدهد .

از مجلهٔ سویت و من

مترجم علی زاد

نگاهی به تاریخچهٔ مختصر:

فعالیت‌های صلحجویانه کمیتهٔ زنان اتحاد شوروی در عرصهٔ ملی و بین المللی

اولین مجمع عمومی سازمان ضد فاشیستی زنان شوروی که چهل سالقبل‌از امروز یعنی درسال ۱۹۴۱ عیسوی در شرایط بس دشوار مبارزهٔ مردم شوروی در مقابل فاشیزم هتلری (یکی از سیا هترین اصطلاحات امپر یالیزم بین المللی) تشکیل گردید . کـه سـازمان مذبور از زنان سراسر جهان تقاضا بعمـل آوردتابخاطر رهایی ویاجلوگیری از درگیر ـ ماندن اطفال فامیل هاوکشورهای شان در دام فاشیزم هتلری مبارزه بی امان شان را آغاز نموده واین فرزند نابکار امپریالیزم را برای ابد به زباله دان تاریخ بسپارند .

بپاسخ این تقاضای انسانی زنان شوروی هزارا ن مکتوب را زنانبرتانیه ، ایالاتمتحده هند و استرالیا مبنی برابر از همبستگی شان با مبارزات بر حق و عادلانه مردم شوروی در جهت از پادر آوردن فاشیزم هتلریعنوانی سازمان ضد فاشیستی زنان شوروی ارسال داشتند که بدین ترتیب زمینه آغاز همکـاری میان زنان شوروی وسازمان ها ونهضت های مترقی زنان در کشور های خارجی فراهـم گردید . آنها همچنان آمادگی شان را جهت پیوستن برای دفاع از زنده‌گی عالم بشریت ابراز داشتند . قابل یاد دهانی مینماید که در ماه سپتمبر سال ۱۹۴۱ بودکه کمیته ضد فاشیستی زنان شورویکه بعدابنام‌کمیته زنان شوروی مسمی گردید تشکیل گردید .

مردمان جهان قربانیهای بینظیر ، خسارات بی حدو حصر وبدبختیهای را که جنگ جهاـ نسوز جهانی دوم بر آنها تحمیل نمود خوب بخاطر دارند و هر گز آنرا فراموش نمیکنند .

میلیونها طفل صد ها هزار زن از کشـور های مختلفجهان از زیست در کمپهایمخوف وزندانها ، جنایات وکشتار های بیرحمانه



چندتن از اعضای کمیته ضد فاشیستی زنان‌اتحاد شوروی راکه درماه دسمبر سال ۱۹۴۱ بنا نهاده شد می بینید .

هر چه بیشتر همکاری های بین المللی ابراز میدارند .

کمیته زنان اتحاد شوروی حمایت کامل خود را از ابتکار صلح اتحاد شوروی برای دهه هشتاد که توسط لیونید ایلیچ بریژنیف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونست آن کشورارائه‌گردید و مشتمل بر پیشنهادات واقعی جهت ایجاد حوزه‌صلح در نقاط مختلف جهان ،ختم کامل مسابقات تسلیحاتی و مساعی هر چه بشتر در جهت تعمیق بیش از پیش پروسه دیتانت وایجاد فضای همکاری های وسیع وهمه جانبه با کشور های روبه انکشاف در تمامی قارهٔ های گیتی اعلام داشت .

کمیته مذکور یکی از بنیانگذاران صندوق صلح شوروی کـــه بخاطر تقـویت آن مردم شوروی که میخواهند مستقیما در مبارزه برای صلح ، استقلال ملی و ترقی اجتماعی‌اشتراك ورزند اعانه های فراوانی دادند میباشـد . زنان شوروی از طریق کمیته شان تحت نام



گوسه‌یی از سیمینار بین المللی مسکو راجع به « تجارب‌حل مسایل مربوط به زنان در کشور های چندین ملیتی » که در مـاه‌اگست سال ۱۹۷۲ دایر شده بود دیده می- شود .

بخاطر تشکل بهتر زنان گیتی زنان اتحاد شوروی وزنان کشور هائیکه ضربات کوبنده ئی را در نتیجه جنگهای تحملی فاشزم هتلری متحمل شده بودند دست در دست هم داده یك سازمان بین المللی توده ئی (فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان) را بنانهادند.

نمایندگا ن زنان اتحاد شوروی در کمیتهٔ که وظیفه احضار اشتراك‌کنندگان اولین کنگره را بعهده داشت‌ومساعدت جهت طرح استفاده یی اساسات پروگرام فدراسیون که شامل مسایل اقتصادی ، سیاسی ، حقوقی قانونی واجتماعی زنان برای استقلال ملی و ترقی اجتماعی مردم ، برای‌یك‌آیندهٔ شگوفان برای نسل جوان وبرای صلح بوده سهم فعال داشتند .

سعی وتـلاش خستگی‌ناپذیر جهت همکاری باتمام سازمانها و نهضت های زنان‌که طرح وتطبیق پروگرام های‌فدراسیون اشتراك‌داشته ودارند از اساسات‌بس‌عمده فدراسیون بشمار میرود ، از اولین کنگره فدراسیون جهانی دموکراتیك زنان تاکنون تعداد اعضای آن‌سه چند افزایش یافته و باداشتن یکصد وبیست سازمان ملی زنان یکصدو چهارده کشور سوسیالیستی ، کپیتالیستی و روبه انکشاف از تمامی قاره های جهان بحیث اعضای‌خود وبشکل یك سازمان بین المللی توده یی‌عرض اندام کرده است .

درماه دسمبرسال۱۹۴۵ زنان اتحاد شوروی همراه با دیگر اشتراك کنندگان کنگره‌موسس فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان‌شعار «کار خستگی ناپذیر بخاطر ایجاد یك صلح پایدار در جهان بسان یگانه تضمین کننده سعادت فامیلها واطفال ما » را تصویب‌نمودند کمیته زنان شوروی شعار فوق را محترم شمرده وبرای تطبیق آن از صرف هیچگونه مساعی دریغ نمیورزند .

کمیته زنان شوروی بسان یك سازمان عامه و توده یی در مبارزه بخاطر صلـــح نمایندگان تمامی جمهوریتها قلمرو هاو کلیه مناطق اتحاد شوروی‌راکه مشتمل زنان تمامی ملیتها و نژاد یهای مختلفه ساکن در کشور خودرا متحدو یکپارچه ساخته است. زنان شوروی (قهرمانان فعال صلح) قانون دفاع از صلح مصوبه سال ۱۹۵۱ شورای عالی اتحاد شوروی که تبلیغات جنگی را یك جنایت بزرگ و غیر قابل عفو علیه بشریت خوانده بود تائید نموده و پشتیبانی عام‌وتام خودرا از آن اعلام داشتند . آنها همچنان تصویب قانون اساسی جیلا (مصوبه سال ۱۹۷۷) کشور شان راتائید کرده و پشتیبانی عام وتام شان رااز سیاست خارجی کشور شان مبنی بر تطبق پالیسی صلح جویانه لنینستی بخاطر تامین فضای مصئون زیست برای مردمان سراسر جهان وبرای گسترش



اشتراك کنندگان کنگره جهانی ما د ران:ر لاوس (که ماه جولای سال ۱۹۵۵ دایـر شده بود) را بعد از ختم کنگره حین دیداراز اتحاد شوروی در ستیشن خط آ هـن‌کیف واقع در مسکو می بینید .

صلح وتفاهم متقابله میان زنان سراسرجهان تماسهای دوستانه شان را با سازمانهای‌ملی زنان بیش از یکصد و بیست کشور جهان و همکار ی فعال شان‌رابا بسیاری سازمانهای بین المللی و منطقوی جهان بر قرار ساخته اند . ملاقاتهای دو جانبه و سیمینار ها فی مابین زنان شوروی وزنان کشور های دیگر جهان در جهت دریافت راه های مناسب حل معضلات شان شکل عنعنوی را بخود گرفته که سیمینار های اخیرزنان شوروی ـمنگولیا، شوروی ـایتوپیا ، شوروی،جاپان و شوروی کانگو که بیانگر علایق عمیق زنان خارجی

بقیه در صفحه ۴۱



یك گردهمایی بین المللی زنان (در ماه اگست سال ۱۹۷۵ درمینسك اتحاد شوروی) بخاطـر یـادبـود آنانیکـه جای های شیرین شان رادرراه مبارزه علیه فاشیزم ازدست دادند .

نمونه یی از آثار خطی امین الله پیرزاد خطاط مشهور

















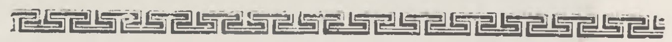






از : س . ر . هاشمیار

خوش نویسی وخوش نویس های ما



امین‌الله پیر زاد از خوش نویس هایی است که زیاد کار میکند و کم ادعا دارد. از مصاحبه و مصاحبه گر نیز گریزان است و ترجیح میدهد در سکوت و انزوایی که خود به پذیرش گرفته بماند و هنر شناسان به قضاوت در کار های نشینند تا اینکه خود بگوید و خود را بشنا ساند « عطر آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید .»

از دید گاه دیگر مردی است وارسته که خود نگری هارا به دورریخته ودگر نگری و دگر خوا هی را جانشین آن سا خته است ، کم می گوید و شنیدن را بیشتر دوست می‌دارد وبراین عقیده است که از هر سخنی می توان آمو خت و چه بهتر که این آموختن ها فراوان باشد و به تکرار آید .

زادگا هش شهر هرات است و پرورنده استعدادش استاد محمدعلی عطار خوش‌نویس شناخته شده کشور که وی را از بهترین ومستعد ترین شا گر دانش به شنا خت می‌آورد و به این قول است که آینده درخشان در راه او ست .

این گفت و شنود در واقع مصاحبه‌نیست که گفتیم او را با این‌کار و جماعت‌مصاحبه‌گر میانه خوب نیست و در واقع سخن هایی‌است که در نشستی دو ستانه به بیان آمده ومابه قید قلم آورد ن فشرده‌یی از آن و افزودن نکاتی که در شناسا یی وی مفید افتد ،می‌کوشیم او و کار هایش را بشما بشناسانیم. سخن‌را باپرسشی کلیشه وار به آ غـاز می گیرم :

ـ استاد خوش نویسی را از چه ز مانی به آغاز گرفتید ، چه انگیزه یی شما را وا داشت به آن رو آورید ودر این راه چـه کسانی شما را یار بودند ؟

ـ درسال های جوانی که یادش خیر باد چنین می‌پنداشتم که اندك استعدادی درخوش نویسی دارم واین انگیزه‌یی شده بود که‌گاه وبیگاه سیاه مشق گونه‌یی داشته باشم و ساعات بیکاری‌را درنوشتن بگذرانم‌وخانواده‌ام نیز مشوقم می گشتند تاآنکه بخت را یاری افتاد و با استاد محمد علی خطاط آ شنا شدم این آشنایی راه زندگی‌ام را تغیر داد وبعد از آن باپیروی از تو صیه استاد که‌استعدادی را در من به سراغ گرفته بود فقط‌به‌نوشتن پرداختم واستادبی‌آنکه خسته‌گردد ویاملالی اورادست دهد باخوشرویی پرسش هـــارا پاسخ می گفت و عملا در راه خوش نویسی مددم میداد ، اینك از آن سال ها اندکی کم یابیش از بیست سال میگذرد و هنوز هم به توصیه و نظر خواهی از استاد نیاز دارم .

ـ کدام نوع از خط هارا بیشتر می نویسید وبه نظر خود شما پختگی و زیبایی در کدام نوع خط نویسی تان رخ نمایانده است ؟

ـ نسخ ، ثلث ، نستعلیق ، معقـلـی شکست و ریحان را زیاد می نویسم، درمورد پختگی و زیبایی درکارهایم ، خودم به‌ایـن باورم که راه صد ساله را یکشبه نمی توان آموخت و هنوز همه کار های مرا نواقص و معایبی است که باید در جریان سال ها به اصلاح آید، باهمه‌ی اینها آ نچه را به‌اسلوب ثلث، نسخ و نستعلیق نوشته‌ام به مقایسه کار های دیگرم بیشتر دوست دارم و به آن ارج می‌نهم .

ـ تعداد قطعات که از نظر هنری خود تان به ارزش می‌نهید و به وسیله شما کار شده است به چند میرسد ، چند قطعه از کار های خودرا‌آماده دارید ؟

ـ تعداد د قیقش را نمی دانم ، ا ما گویا درحدود یکصدو پنجاه و یا اندکی بیشتراز این آ ثار کارشده داشته باشم که برخی در هرات است وبعضی هم در کابل .

ـ من فکر می کنم برخی از دست نبشت های شمارا در برخی از مساجد نیز دیده‌ام ؟

ـ درست است برخی از آ ثارم در مسجد رضائیه هرات، مسجد مسگران و هم قطعـه هایی به اندازه های بزرگ ۱۲۰ر۱۸۰ د ر فاطمیه کابل وامام باره قند هار موجود است که به صورت هفت قلم کار شده است .

ـ چرا از آ ثار تان نمایشگا هی دا یـــر نمی کنید که فرصتی باشد برای‌هنردوستان در شناخت بیشتر هنر شما ؟

ـ تاکنون نه فرصتی برای این کار بوده است و نه هم شرایطی مساعد ، چه من در هرات بودم و در و لایات ادارات ا طلاعات وکلتور کمتر به چنین مسایلی علاقه می‌گیرند، ولی حساب آ ینده از گذشته جداست می ـ کوشم آ ثاری چند از خود را به نـمایش گذارم که البته این کار به کو شش‌سازمان هنری غلام محمد میمنه گی تحقق می یابد .

ـ می‌توانید بگویید در مجموع شیوه کار کدام یك از استا دان متقدم خوش نویس در ارائه های هنری شما اثر گذاشته وشمابیشتر از کی مایه پذیر بوده اید ؟

ـ در نستعلیق، میرعماد، میرزاعبدالرحمن هروی ، میرعلی هروی و میرعلی تبریزی ، در ثلث ونسخ یاقوت مستعصمی ، حـامد العا مدی و هاشم محمد بغدادی، کسانی اند که کوشیده‌ام شیوه شان را پیرو بـاشم و علاقه من به اسلوب فنی کارشان موجب‌شده که‌دراین‌نوع‌های‌خط درکارهایم ازآنان‌مایه‌بگیرم

ـ از انواع خط هایی که امروز رایج است بعد از اسلام کدام یك او لیت داشته‌وکدامین جانشین دیگری شده است و به چه دلیل ؟

ـ نخستین نوغ خطی که در بعد از اسلام رایج گردید خط کوفی بود و دلیلش هم‌اینکه قرآن با همین نوغ خط نوشته میشد ، خـط کوفی‌درحدودپنج‌سده دوام آورد وبعد به خاطر دشواری هایی که در خواندن آن وجود داشت خط های دیگر جانشین آن گردید که بــه ترتیب می توان «معقلی»، «ثلث»، « ریحان»، «رقاغ» ، «تو قیع» و « نسخ» نام گرفت .

علت جانشین شدن نوعی خط به جای خط دیگر یا وارد آوردن سهولت هایی بوده‌است درخواندن ، یاز مینه های تکا ملی خط و یا پیروی از اسلوب ز یبایی وتلاش در راه‌زیبا نویسی .

ـ در آ ثار کتبی در ادوار مختلف بیشتر از کدام نوغ خط استفاده می شده است ؟

ـ « ثلث» ، «نسخ» و نستعلیق و علـت هم بیشتر زمینه های ساده خـوانی است‌و سهولتی که خواننده در خواندن آ ثار کتبی نوشته شده بااین خط ها باآن رو بر وست.

ـ اینکه در پهلوی انواغ خط های شناخته شده کـلاسیك ما با نمونه هایی ازخط‌نویسی زیر عنوان خط های آ ر تیستیك «هنری» رو برو مباشیم » از نظر شما این گونه‌خط ها چقدر با موازین خط های کلاسیك ساز گاری دارند وازنظر خوش نویسی واجدچه ار زش های می باشند ؟

ـ این گونه خط ها از نظر ز یبا یـــی برخوردار از ار زشهایی می باشند ا مانه تابع قاعده های معینی در خط نو یسی‌هستند ونه هم بر اساس پرنسیب های کهن درخوش نویسی میتوان به آن ارزشی قایل گردید ، البته منظور این است که تابع‌هیچ‌یك‌ازقواعد خط نویسی‌کهن ودرانواع شناخته‌شده آن‌نمی‌باشند .

ـ از نظر شما رواج این نوع خط ها و شیوه های مدرن که از پرنسیب های‌کلاسیك درخط نویسی در آن نشانی نیست ، آ یــا به‌زیبانویسی کهن ما آسیب نمی‌رساند ؟

ـ چرا بدون شك ، ا ما نمی شود فقط بهمین د لیل جلو رشد آ نرا گرفت ، این نوع خط ها اگر قاعده معینی ندارند اما می‌توانند ز یبا باشند واز آن گذشته پدیده‌یی استند از دو ران ما که باید راه رشد یابد فقط در مکاتب و کورس های خط نو یسی تدریس شده نمی تواند .

ـ باشنا ختی که شما از خو شنو یسی وخوش‌نویس های کشور ما دارید ، به نظـر شما کدام یك از خطاط های معاصر درپخته‌گی واز نظر اصالت کاربه استادی رسیده و می‌توانند در شمار بهترین ها به حساب آیند؟

ـ استاد محمد علی عطار که در نبشـت همه‌ی خط ها به استادی رسیده و کار هایش از ارزش و اصالت ز یاد هنری بر خور دار است و هم چنین عزیز الدین فو فلزایی‌که درانواع خط ها به پختگی واستادی ر سیده است .

وبه همین تر تیب محمد حسین و فـــا سلجوقی در انواع خط ها از پختگی کا مـل بر خوردار بود . وسید محبوب الله‌هاشمی، سید حمایت الله حسینی ، کریم حلیمی و گل احمد فقیری در شمار خطاط هایی میباشند که کار های شان از ارزش و اصالت‌فراوان هنری بر خوردار است و هر یك در نوع و شیوه یی به حله استادی رسیده اند .

ـلطفاً پیرامون ساز مان هنری غلام محمد میمنه گی و بخش خوش نویسی آن صحبت کنید ، چند شاگرد در این بخش به آ موزش اشتغال دارند و تاکنون چند دوره فـارغ ـ التحصیل داشته اید ؟

ـ این ساز مان همانطوریکه میدا نیـــد درپرورش و شگو فایی استعداد های تازه و وجوان نقش وا لا دارد ودر بخش هـــا ی گوناگون آن پدیده های مختلف هنــری از مانند نقاشی ، پیکره سازی ، خوش نویسی و .... به و سیله استا دان شنا خته شده بانو آمو زان مستعد کار میگردد .

مادر بخش خوش نویسی اکنون ٥٦ شاگرد داریم که در میان آ نان استعداد های‌باروری را به آسانی می توان به شنا خت گرفت .

بقیه درصفحه ٥٢

هنر و ادبیات مانند هر پدیده دیگر اجتماعی در جوامع مختلف بشری به سود طبقات.مختلف جامعه بکار می رود ، در آنعده از جوا مع انسانی که انسان دورانساز در شرایط بدی از استثمار بیرحما نه فیودالان مستبد و استثمار گرا ن بیرحم و بی عاطفه قرار دارد نیروی هنر مند نیز بنا چار در خدمت‌مشتی از اقلیت محدود ستمگر قرارمی‌گیرد و به مقام شامخ هنر منحیث آئینه تمام نمای هستی وبیانگر راستین واقعیت های موجود ارجگذا ر ی صورت نمی پذیرد . چه رسد بر آنکه هنر مندرسالتمند ومتعهدی‌که واقعیت های درونی جامعه خو یشس را در آثار و نبشته های خودتبارز می دهد و از درد ها ،رنج‌ها و خوا- سته های بر حق توده های وسیعی از مردمان زحمتکش جا معه پای سخن در میان میاورد ،ورد نو ازش هنگی جهان، ادب و هنر در خدمت پادشا هان سر یر نشین و وا - بستگان استبداد گر آن‌ها قرار داشت و توقع زما مدا ران ظالم و ستمگرآن زمان از هنر و هنر مند از ادب و ادیب و نویسنده جا معه ما این‌بود که با تمام نیرو وتوا نی که در بدن دارد در خدمت این‌گروه مستکبر و خود خواه برسر اقتدار قرار گیرند و همیشه به مدح‌وثنای آنان بپر دازند ، و در غیر آن برای هنر مندان ، ادبا،شعرا و نو یسنده گان ما این زمینه مسا عد نبود که آزاد به اندیشند و آزادانه به ایجاد آثار ادبی و هنری ایکه ازدرد ها ،رنج ها ، خواسته ها ونیازهای اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی جامعه حکایت نماید بپر - دازند و بدین ترتیب خزینه های فرهنگی جامعه خویشس را بیشس از پیشس باز ور تر گردانند .

قرر گرفته است، وهمه دشمنان شرف وآزادی مردم افغانستان در صف واحدی قرار گرفته باسلاح‌گرم وسرد باما از جنگ وخون ریزی پیشس می آیند . در چنین حالت‌هر یك از هموطنان ما مکلفیت بخصوصی رادر امر خنثی نمودن این جنگ ظالمانه وجنایتکارانه امپر یالیستی بدوشس دارد که باید باپایمردی و متانت درجهت دفاع‌ازوطن‌انقلاب و مردم خویشس در برابر نیرو های اهریمنی ارتجاعی و امپر یا لیستی ایستادگی نماید ودر راه کسب پیروزی های مزید تلاشس بی‌پایان بخرچ دهد .

درین مورد نقشس ادبا، هنرمندان ونویسنده‌گان جامعه بسیار ارزشمند وبرازنده است .

امروز هر هنرمند وهر نویسنده، هر ادیب‌و هرشاعر جامعه‌ماوظیفه دارد که ازیك طرف در امر افشای

جمهوری دموکراتیك افغانستان به منظور ارجگذاری به‌مقام والای ادب وهنر جامعه وبه منظورابراز قدر ازکارروائی هاوزحمات شباروزی اهل ادب وهنر کشور و مساعد گردیدن زمینه کار و فعالیت بیشتر آنان در راه احیای فرهنگ اصیل و بومی جامعه ، رشد و تکامل‌آن،برای عدهٔ زیادی ازادبا وهنر مندان ممتازی که مطابق به‌خواست زمان وجامعه خویشس بهترین، ارزشمند ترین و گرانمایه ترین آثار ادبی و هنری رابمیان آورده اند به اعطای جوایزی پرداخته است که‌بدون شك اجرای چنین کار ها به شوق و دلگرمی‌ادبا وهنر مندان واقعیت گرا وواقعیت پسند کشور ماهر چه بیشتر می افزاید و آن‌ها را بدان وامی دارد تا باهمه نیرو وتوانی که‌دربدن‌دارند درراه رشد وانکشاف گنجینه های فرهنگی و هنری جامعه خویشس

م- غالب

اعطای جوایز ادبی وهنری اخیر بیانگر ارجگذاری به‌ادب وهنر کشور است

قرارگیرد و تشویق وترغیب شود.

ولی با ابراز مسرت باید اظهار داشت که در جامعه مابعد از پیر - وزی انقلاب شکوهمند ثور و به خصوص مرحله ی نوین و تکا ملی آن حزب و دولت انقلابی مادر راه رشد و انکشاف آثار فرهنگی جامعه توجه جدی‌مبذول می داردودراصول اساسی جمهور ی د مو کراتیك افغا نستان که در شرایط فعلی حیثیت قانون اساسی مو قت کشور را درا می باشد در این‌مورد چنین آمد ه‌است :

((جمهوری دمو کرا تیك افغا- نستان بهترین و گرا نمایه ترین آثار میراث های فرهنگی و عنعنا ت تمام ملیت ها ، اقوام و قبایل کشور را حفظ وانکشاف می دهد .))

در جامعه ما قبل از انقلاب ثور مانند سا یری جوامع تحت ستم اجتماعی ، طبقاتی وفر-

ولی خوشبختانه امروز از برکت پیروزی انقلاب آزادی بخشس ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی‌آن برای همه ادبا، شعرا ، نویسندگان وهنر مندان کشور ما همه زمینه‌های این امر مساعد گردیده است که آزادانه به اندیشند به واقیعت های درونی جامعه خویشس باغور وتعمق مزید و باژرف بینی عام وتام بنگرند وسر انجام خواست هاو نیازهای فرد، فردی از همو طنان مارادر آثار ونبشته های روز مره خویشس انعکاس دهد، به توده‌ها بیاموزاند واز توده‌ها بیاموزد .

از سوی دیگر همه جهانیان و بخصوص مردم زحمتکش جا معه ما شاهد آن اندکه بعد از پیروزی انقلاب ثور بخصو ص مرحله نوین و تکاملی آن ،وطن، مردم و انقلاب ما در برابر یك جنگ ا علام ناشده جهان ارتجاع و امپر یالیزم

ماهیت دشمنان انقلاب ملی‌و دمو- کراتیك ثور و خنثی ساختن‌پرو - پاگند های زهر آلود آنان در مورد انقلاب مردم وواقیعت های درونی جامعه بپردازد واز جانب دیگر وظیفه دارد تا اهداف و آرمان های والای حزب ودولت انقلابی مارا درجهت بهبود حیات سیاسی اجتماعی و اقتصادی مردمان‌آزاده‌مادر آثارهنری و ادبی خویشس وسیعاً انعکاس بدهد وتوده های وسیعی از مردم زحمتکش کشور رابه نحو شایسته ای تنویر نماید وآن هایی را که فریب تبلیغات خصمانه دشمن را خورده اند دوباره در روند تکامل انقلاب ثور قرار دهد .

آری ! ازآن جائیکه ادیبان وهنر مندان جامعهٔ مادر امر رشد وبار ورشدن گنجینه های فرهنگی کشور و تحقق اهداف والای انقلاب ثور نقشس بزرگی را حایزاند دولت

بکوشند وبا انعکاس واقعیت های عینی درونی جامعه خود درامرتحقق بخشیدن به آرمان های سترگ انقلاب شکوهمند ثور خدمات قابل قدری را مصدر گردند.

بدون تردید می‌توان گفت که در اثر اینگونه ارجگذاری های حزب و دولت انقلابی‌ما به کار وبار همه مردم ما بخصوص اهل ادب‌وهنر جامعه مادر همه ساحه های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی فردا های روشن و تابناکی‌رادرپیش رو داریم و یقین کامل داریم که‌دراثر مساعی مشرك .حزب دولت ومردم انقلابی افغانستان به فرصت بسیار اندك انکشا فات قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد فرهنگ وکلتور جامعهٔ ما به ظهور خواهد رسید و مردم ماازهمه نیاز مندی‌های ، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فر هنگی بی نیاز خواهند گشت .

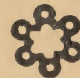
همبستگی خلقها

من اندر دفتر بحر خروشان
رمز هستی را
نوای زندگی را نیك می خوانم .
* * *
واز تصویر نور آفتاب شا مگه
در جهرهٔ امواج سر گردان .
هزاران نقش میبالد .
* * *
واز ر مز هزاران موج سر گر دان
تحرك می جهد در دامن هستی
واز ساحل نوای کار می خیزد
نوای ناوهای بارکش ازبوق پی درپی
* * *
واز کار است ر مز ز ندگی کردن

ومن در سرزمین دو ستان اینك
گل پیروزی هر مرد و هر زن را
به باغ کار تولیدی
طراوت زا همی بینم
* * *
بود جاوید پیروزی
بود جاوید کار وزندگی درصلح و آسایش
وبادا جاودان همبستگی خلق ما و خلـــق
جی . دی ــ آر .

قیوم قویم
ـرستك کنار بحر
جمهوری دموکراتیك آلمان

۱۸ جولای ۱۹۸۱



مهپاره

هر گه که یاد آن گل و خسارهمی کنم
چون غنچه از فراق یخـن پاره می کنم
دل را چو چاره نیست بجز صبردر فرا ق
ماتم برای این دل بیچـــا ر ه می کنم
مانند مه نورد دلم را ربـود و رفـت
شکوه ز د ست د لـــبر مهپاره می کنم
چرخ فلك چو بخت مرا کـــرد واژگون
زانرو فغان ز ثابت و سیا ره می کنم
دنیا عجوزه ایست که با هیچکس‌نسا خت
حیرت ز مکر این ز ن مکـــاره می کنم
دلبر چو کرد و صل خود ازعنبری‌دریغ
دادوفغان ز هجــــر وی هموا ره مـــی‌کنم

سید اسحق عنبری

چشم من

نیست بی رو یتو غیر از گریه‌کارچشم من
اشك راکاوش گذشت ازاختیار چشم‌من
هست فکر قا متش سر وی‌که شوق از خون دل
دائمش‌می پـــرورد در جـویبار چشم مـن
ای چراغ چشم ودل بر خیزاز ناز و نشین
گــه به پهلوی‌دلـــم گـــه در کنار چشم مـن

(افغان)

با غیر آشنا شده ناآشنا ببین
گردیده خصم اهل وفا بیوفا ببین
تهمت نگر ، به رحم ، ترا نام میبرند
نسبت دهند صبر بمن افترا ببین

دمینی پوښتنه

که را ځی دی دزړه مینه پر ما ،وایه !
یا که شته دی چیر ی بل ځوك آشنا ، وا یه !
که په زړه کی دی څه خـــای‌شته زما ، و ایه !
که شته ، وا یه ! نشته ، وایه!رښتیا وا یه !!!
دو کتو ر زیا ر

قرار گیرد موجب سرا سیمگی خاطر قرار میگردد روی همین دلیل خواجه نصر الدین طوسی دراخلاق ناصری اظهار میدارد و ابتدأ طفل را نام نیکو ناموافق بر او نهند مدتی عمر از آن ناخوش دل باشند .

جنگ‌و ستیزهٔ اطفال :

چون اطفال به سنی میرسند که با یکدیگر بازی و کار کنند جنگ بین شان عادی است این ناسازگاری ها بین شان علل زیاد دارد ممکن منشاء خودرا از تصادم امیال بگیرد و یا بخواهد در کار های دیگران مداخله کندکه‌چنین سلوك ممکنست جدال زبانی را سبب شوند و یا به زدو خورد شدید خاتمه یابد بعضی اوقات یك طفل طفل دیگر را میزند اذیت میکند به فعالیت هایش مداخله میکند به جهت اینکه عکس العمل او را به خود معلوم نماید . علت دیگر جنگ و ستیزه اطفال اینست که اطفال از اکابر پیروی میکنند اکثراً دیده میشود اکابر با اطفال به وضع شوخی آمیز رفتار میکنند بنأ اطفال آن وضع را در مقابل اطفال دیگر منعکس میسازند بعضی زد و خورد ها روی دریافت جسمی صورت میگیرد تا در گروپ مربوط فردرا تنومند جلوه دهد روشی را که معلمان برای ادارهٔ جنگ وستیزه واطفال از آن کار میگیرند تاثیر بزرگ بالای رشد ، اجتماعی اطفال وارد میکند بر معلمان لازم است توجه داشته باشند که عوامل زیاد برای جنگ و ستیزه اطفال وجود دارد معلمان را لازم است که درك نمایند که علت بدخوئی طفل این است که روش دوستیابی یافتن را نمی داند اگر علت این باشد باید بوی کمك شود بر معلمان است که اصل علت را جستجو نموده پس از آن بذرایع و علل مختلف جنگ وستیزه را از بین دور سازد..

کامل‌ترین‌شیر برای‌اطفال شیر مادر است

تربیه و پرورش اطفال سالم به جامعه وظیفه بسیار مهم‌وعمده هر مادر میباشد .

واین وظیفه بر مادران ازهمان روز تولد طفل شروع میگردد پس برای اینکه والدین بتوانند این وظیفه مهم و ارزشمند رابه خوبی انجام دهند لازم است که اساسات علمی تغذی خویش واطفال خویش و تربیه وپرورش آنها را فرا گیرند و عدم توجه‌به آن سبب تاخیر نموی جسمی ودماغی اطفال گردیده و امراض مختلف رابار میاورد و معلوم‌شده که اندازه ذکاوت فهم و قوه‌دماغی اطفال که بصورت درست ومناسب تغذی نشده اند نسبت به اطفالیکه درست تغذی شده‌اند کمتر است، اهمیت علمی واجتماعی درین است که پایین بودن اندازه ذکاوت و قوه دماغی



اگر طفل به شیر پودری تغذی‌شود خطر ملوث شدن شیر وشیر- چوشك زیاد می باشد .

نسل آینده جامعه تاثیرات ناگواری به ساختمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته و پیشرفت و ترقی جامعه را با رکود مواجه میسازد پس‌بدین منظور باید مادران‌عزیز بدانند که مسؤولیت بس مهم وپر ارزش‌را در مقابل جامعه ونسل های آینده‌بسیار سنگین میباشد از این لحاظ لازم است که در مورد تغذیه و تربیه وپرورش اطفال معلومات کافی بدست آرند .

شیر مادر غذایی کامل‌ومناسب برای اطفال است شیر مادردارای آن همه . مواد غذائی است که طفل در شش ماه اول زندگی به آن احتیاج دارد شیرمادردارای مواد کافی پروتین شحم ، قندو ویتامین ها و مواد معدنی است‌که احتیاج طفل رابه خوبی تکافو نماید آنچه که در بین مردم اصطلاح شده که دادن شیر به طفل بالای صحت مادر تاثیر ناگوار دارد و برعکس دادن‌شیر به طفل بالای حالت روحی و جسمی مادر از چندین لحاظ برای طفل یك غذای مساعد است

۱-شیر مادر تا شش ماه اول‌حیات طفل غذای خوب و مکمل است زیرا که نوزاد آنرا بسیار به سهولت هضم می کند و از جانبی هم ضرورت غذای طفل مرفوع می گردد .

۲- خطرملوث شدن یا آلوده شدن شیر مادر بسیار کم‌است

۳- بعضی فکتور های دماغی که‌سبب بوجود آمدن معافیت نزد اطفال میشودودرشیر مادرموجود است وازهمین لحاظ کودك را از مصاب شدن امراض میکروبی نگاه می دارد . و یا در مقابل امراض مذکور مقاومت می بخشد

۴-شیر مادر از لحاظ اقتصادی نیز با ارزش می باشد اطفالیکه به شیر مادر تغذیه می شوندنسبت به‌مادر خود اعتماد و اطمینان حاصل نموده و مادر هم احساس آرامش روحی می نماید .

۵-چون شرایط حفظ الصحه محیطی در کشور های رو به انکشاف بسیار خراب بوده بنأ اگر طفل به شیر پودری تغذی‌شود خطر ملوث شدن شیر و شیرچوشك زیاد می باشد که در نتیجه این کار اسهالات مکرر کودك را به سوء تغذی مبتلا نموده و در آخیر به امراض کشنده دچار می کند توقف نشو و نمای اطفال ضعف دماغی پندیدگی پاها پستان در دی بی اشتهایی، سر دردی تغییر رنگ مو و به آسانی و ریختن‌مو ، کم خونی‌امراض جلدی ، اسهالات زخم های لب و دهان امراض و علایم مهم سوء تغذی است هم چنین بعد از سن شش ماهگی شیر مادر غذای طفل را پوره نه می نماید زیرا از یك طرف کودك بزرگ می شود و احتیاج غذای او هم نظر به سابق زیاد تر می شود .

لهذا بر علاوه شیر مادر دیگر مواد غذایی بصورت تدریجی به طفل داده می شود تا در پهلوی تامین ضرورت غذایی به غذاهای دیگر هم عادت پیدا کند دادن‌غذا های‌جدید به طفل بصورت تدریجی و با در نظر داشت‌احساسات از شیر مادر جدا ساخته شود چون این کار بر علاوه که طفل را به مشکلات روحی مواجه می سازد . سبب بوجود آمدن امراض جهاز عضمی نیز می گردد، در این اواخر یکتعداد مادران می کوشند عوض شیر خود شیر پودری به اطفال می دهند مگر این را باید بدانند مواد ـ که در شیر مادر موجود است در شیر پودری وجود ندارد اطفالیکه با شیر مادر تغذی می شوند از لحاظ جسمی نسبت به اطفال که با شیر پودری تغذی می شود قوی و جسیم می باشد .

به ادامه گذ شته

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

گر د هم آیی بر لین تحت شعار صلح،مساوا ت و انکشا ف کـــار خو یش را آغا ز نمود .

فرید ه برا وو ن رئیس‌فدرا - سیو ن د مو کرا تیك بین ا لمللی زنان در گزارش خو یش به کنگره متذ کر گردید ه که : اعلام سا ل ۱۹۷۵ به مثا به سا ل بین ا لمللی زن مظهر عا لی از احترا م بشریت به مقا م ولا ی ز ن است، وازدول جها ن تقا ضا دارد تا در ار تبا ط با وضع تبعیض در برا بر زنا ن ، وحل مسا له زن بطور دقیق‌تدابیر عملی مشخصی را اتخا ذ نما یند.)) بیش از ثلث نفو س مشا غل د نیا را زنا ن تشکیل مید هند ٤٦فیصد زنا ن از سنین ١٥-٦٤ سا لگی در سا حا ت تو لید ی مصرو ف اند . فیصدی زنا ن مشا غل د ر تما م کشور ها همگو ن نیست .

بطور مثا ل در امر یکا ی لا تین این رقم به ٢٠ فیصد میر ســد در افر یقا و آسیا تقو یباً بـــه ٣٠ فیصد . در ارو پا و امر یکای شما لی ٣٥ فیصد را تشکیل‌میدهد بزرگتر ین رقم فیصد ی‌زنا ن‌مشا غل در کشور ها ی سو سیا لیستی است.

اکثر یت زنا ن در کشور هـــای مستعمره ، نو به ا ستقلا ل رسیده وکا پیتا لیستی محرو م امکا نا ت کسب تحصیل مسلکی اند. آنا ن در بد ل کار ها ی ثقلیل ودشوار کمتر ین د ستمزد را نصیب مــی گردند. خطر اخراج از کار بیش‌از هر کسی دیگر ی زنا ن را در ین جوا مع تهد ید میکند .

در اکثر یت این کشور ها سهم زنا ن در ا مور تو لید ا جتما عی نمیتوا ند با وظا یف شا ن دردرون خا نواده درست تلفیق گر دد،پرابلم عمده بسیا ر ی از ین کشور ها را عد م مو جو د یت و یا کمبو د شبکه ها ی خد ما ت برای اطفا ل تشکیل مید هد .

فیصد ی بیسواد ی در بین زنان سر سا م کننده است . بطور مثا ل این رقم در کشور ها ی افر یقای به هشتاد فیصد ، در کشور ها ی آسیا یی به پنجا ه فیصـــد ودر امر یکا ی لا تین به ٢٧ فیصـــد میر سد . از همین جا ست کــه زنا ن با ید پیکار عا د لا نه شا ن را بخا طر کسب حقو ق مسا و ی با مرد و تغیر از ریشه نظم ظالمانه فعلی را اکثر یت کشور ها تشد ید بخشید .

فریده برا وون از عقب تر یبون پر جلا ل کنگره هفتم با با نگـك رساا علام دا شت که‌مبارز ه‌بخاطر تساوی حقو ق زنا ن جز عمتشکله جنبش خلقها بخا طر استقلال ملی، دمو کرا سی و صلح بوده و با آن پیو ندا ر گا نیك دارد ، نـــدای همبستگی با نیرو ها ی صلـــح دو ست و همه آ نا نیکه در جهـت تحکیم ثبا ت او ضا عدر شر ق- میا نه ، تأ مین حا کمیت جمهو ری قبرس ، علیه خو نتـای چیـلی، دیکتا تو ر ی اسپا نیا و پر تگا ل می رز مند در فضا ی کنگر ه طنین اند از بود . طر ح پیشنهـا د ی کنگره در ار تبا ط با تدو یر کنفرا- نس جهانی خلع سلاح به سا زما ن ملل متحد پیش کش شد ، نتا یج کار پر ثمر این هم آ یش بزرگ زنان در سند پــر بها جمع بنـدی گر د ید .

بقیه در صفحه مقابل

ژاندارك‌دوشیزه

قهرمان راه آزادی!

زنان در هر کشور ی طی هـــر گو نه شرا یطی قهر ما نی ها و فدا کاری ها ی از خود تبارز داده اند که ثبت تا ریخ گر دید و ما یه افتخار بشر یت به خصوص جهان زن می با شد .

یکی از زنان نا مدا ری که در میدان مبارزه به خا طر آزاد ی‌و استقلا ل کشور خو یش‌د لیر ا نه رزمید و قهر ما نا نه به پیرو ز ی رسید دو شیزه ا یست بنا م‌ژاندارك از یك خا نواده دهقا ن پیشه در سا ل ١٤١٢ میلا دی در دهکد ه‌دو مر مـی در سر حد لورن فـرا نسه دید ه‌بد نیا کشو د ه ا ســـت در دو را ن جنگ ها ی صد سا له بین انگلیس ها و فرا نسو ی ها در او اسط قر ن چها رده حینیکـه قوا ی مها جم انگلیس بسو ی سر زمین فرا نسه پیش میر فت درسال ١٤٢٨ شهر اور لیا ن در محا صره انگلیس ها قرار گر فت شا ر ل هفتم پا د شاه فرا نسه خیـــا ل تخلیه شهر را دا شت که ژاندار ك این دو شیزه وطنپر ست در میدان سیا ست کشور خود را از گرداب اسا رت نجا ت بخشید ه ژا ندا ر ك که زند گی رقتبار همو طنا ن‌خویش را درآن حالت مشاهده می کـرد برا ی پیروزی کشور ش دعامی کرد کم‌کم رو حیه مبارزه به خا طر آزادی فرا نسه درو ی جـا ن‌گر فت و نزد شا ر ل رفت و شمو لیت داو طلبا نه خو یش را در خد مت سر با ز ی از وی تقا ضا کرد .

ژا ندا رك که اصلا لبا س ساده دها تی می پو شید ، لباس مردانه به تن کرد .

زره سفید در بر نمود ، کلا ه سفید بر سر نهاد بر اسپ‌سیاهی سوار شد بیر ق مخصو ص را به سر کرد گی شش هزار مبارزسواره با اهتزاز در آورد .

و به میدا ن جنگ دا خل شد.

ورود این د ختر و طنپر ست‌رو- حیه جنگ آو را ن را در جهـت مبارزه وراد مردی تقو یت بخشید ژا ند ر ك صفو ف د شمـــــن را شگا فت .

به شهر او رلیا ن دا خل شد لشکر دشمن را چندین با ر شکست داد یك هفته نگذ شته بو د کـه انگلیس هاعقب نشینی کرد ند و سر کرده آ ن ها تا لبو ت رااسیر گر فتند .

سا ل بعد ژا ندا ر ك در مدافعه کو سپین بد ست بو ر گـو ل ها اسیر شد و آ ن ها او را در بدل ده هزار لیره به انگلیس ها فرو - ختند تا با لا خر ه در سا ل ١٤٣١ انگلیس ها او را در آتش سوختند واز آ ن نا می در تار یخ در جملـه زنا ن و طنپر ست ، آزادی خــواه وقهر ما ن جها ن جا ودا نـــه ما ند .

بعدهم تا چا شت مرا پای تیلفون نگهدارد .

آنروز ها منزل ها یمان به هم نزدیك بود ، پا نزده دقیقه بعد وارد دفتر کارش شدم ، بدو ن فا صله شروع کرد به چرب زبا نی .

به تجربه میدانستم وقتی «فابر» تملق بگوید مثل این است که پو لی قرض بدهد، ازوام دادن چه بهره‌یی انتظار داشت ؟

ـدوست عزیز ، نقد تازه ات را همین اکنون خواند م ، به‌به، چه هوشی ، چه ذوقی ، چه‌سبکی، واقعا که یگا نه منتقد زما نه یی ...

ـمتشکرم ، با من چه کار داشتی؟

ـ همین اکنون عرض می کنم، نمی دانم خانم «آستیه» را میشناسی یانه ، خانم آدرین آستیه ؟

ـ خودت او را به من معر فـی کرده یی ، همان خا نمی که بسیار زیبا ست .

ـآفرین ، زن شوهر داری است، اما تا زگی و جزبه ی فراوا ن دارد، ذوقش‌هم عالی است، خلاصه دوست عزیز من کشته او هستم ...

ـبرای چه مدت ، دو هفته یادو ماه ؟

ـ به مد تش کاری نداشته باش، واقعیت این است که جز او کسی‌را دوست ندارم و حالا هم فرصت کم نظیری پیش آمده است ، می خواهیم باهم به اسپانیا سفر کنیم ، بلـی آرزو دارد اند لس رابببیند، شوهرش که در خا ور دور سر گرم تجارت است دو ماه در سفر خواهد ماند، اوضاع بر وفق مراد است ... امـا افسو س که «اورت »خار سر راه است، بیچاره «اورت» به او قـول جدی داده بودم که روز های عید را با خا نواده در «بووالن» بگذرانم،سه سال است که اولاد ها را به سفر نسبتا دوری نبرده ام ... حتمـا ناراحت می‌شو د .

ـخوب منظورت را فهمید م ، ولی نمی دانم برای چه مرا ....

ـ برا ی چه ؟ برای اینکه فقط‌تو دوست عزیز میتوانی به من لطف کنی واو را راضی نمایی .

من میدانم که «اورت» به‌تواعتماد فراوان دارد ، اگر برایش توضیح بدهی که چون وقا یع داستان آینده من در اسپا نیا رخ میدهد ...

ـبگذار بقیه اش را من بگو یم... و به همین دلیل تو نا چاری یـك خانم فرانسوی را با خودت به آنجا ببری ، اما بسیار بیجا فکر کردی من هر گز چنین تو ضیحی را به‌عهده نخواهم گرفت ، فراموش نکن مـن همانقدر که دوست تو هستم دوست خانم تو «اورت» هم می باشم اگر چنا نکه تو می گویی و من هم‌باور می کنم ، زنت به من اعتماد می‌کند برای اینست که همیشه دو برابراو راست بوده ام و حالا تو یك نوع نادرستی و خیا نت در دو ستی رابه من پیشنهاد می کنی !

ـنا درستی ؟ استغفرالله ،دوست عزیز من خلاف نظر تو معتقدم که‌به عنوان دوست اورت ، توبا این‌کارت خدمت بزرگی‌رابرای‌او انجام میدهی، کمی فکر کن...

بقیه در صفحه ۵۱



ترجمه از مجله ((سپو تنیک))
مترجم عبدا لرحمن ((در مل))

این بیماران در واقع اشخاص سالم میباشند

در عصر دینامیك ما خستگی های دماغی تقریبا به امر عادی تبدیل شد ه است . اما تعداد کمی از مردم از این حقیقت آگا هی دارند که عکس العمل قانو نمندانه اور گانیزم انسان در برابر این خستگی‌ها بصورت درد های مختلف فز یکی تبارز مینماید . از این روهر گاه در قلب و یامعده تان احساس درد نمودید این هنوز بمعنی آن نیست که وجود شما واقعا به بیمار ی ای مبتلا باشد .

اما مسئله بغر نجتر از آن‌است که در نظر اول به پیش شما جلوه می نماید . حتی شدید ترین تکا ن روحی هر چند کوتاه مدت هم باشد خطر مبتلا شدن سکته قلب ، خون ریزی داخلی مغز و گاهی هم مر گ ناگهانی را در بر دارد .

این پدیده ایست که به کثر ت به مشاهده میرسد . وضع صحی ما از بسا جهات منوط ومربوط حالات روحی ما میباشد :

حالت افسرده و تحت شکنجه روحی ٤٠اکثرا احساس بیمار ی در ما بوجوده میاورد . – ٤٠ – ٥٠ فیصد از اشخا صیکه از نا خوشی های جسمانی شکایت دارند در‌پشت اعرا ض بیمار یهای جسمانی شا ن حالت افسردگی و مغمو میت ((پنهان)) میباشد . حالت دیپر – یسیف ((افسر دگی مشهودروحی بااحساس پژ مرد گی ضعف کسالت از دست دادن شور و شوق قبلی نسبت بوظیفه و کار و زندگی))این نه یکی از معمول ترین شکل ظهور رنج و عذاب روحی میباشد بلکه اکثرا موجبه وعلت اذیات و دردهای جسمانی نیز میباشد .

هر قدر دوام اوضاع تشنج د ر عصر ناآرام ما بیشتر میگردد چنین حالتی یکی از معمو لترین عکس – العمل انسان در برابر هر وضع نا مساعد زندگی و یا شرایط محیطی میباشد .اگر ا زیکسو با گذ شت سالها تعداد بیماری های انتانی رو به کاهش نهاده است ازسوی‌دیگر کسالت هاو ناخوشی های جسمانی ناشی ا زخستگی های رو حی در همه کشور های متمدن جهان پیو– سته در افزایش میباشد .

در واقع امر قرار آما رساز مان جهانی صحت تعداد مریضان روحی که دچار حالت دیپر سیف حاد می باشند ۳ الی ٤ فیصد ((هر چند این تقریب خیلی هاکمتر از وا قع میباشد)) نفوس کل جهان راتشکل میدهند حالت حزن واندوه بیماران مبتلا به امراض ایترو سکلروز (تصلب شر این) عروق مغز و‌هیپر– تونیك (بلند بودن فشار بدن از حالت نورمال) و یا بیماری قرح‌معده وسایر امراض داخله نزد تقریبا ٢٥ فیصد و تشو شات مشهود روحی ناشی از موجبات ناچیز وحتی عوامل نامشهود نزد ٤٥ فیصداهالی مناطقیکه تحت معاینه قرار گر فته بودند به مشاهده رسیده است.

تحقیقات دانشمندان طب شوروی حاکی از آن است که غم و غصه در وجود انسان وخاصتا در اعضای داخلی آن باعث بوجود آمدن اختلا– لات مختلف میگردد . طبق یك احصائیه دقیق بیش‌از ۳۰ – ٥٠ فیصد از اشخا صیکه از بیمار ی های ناحیه قلب و اختلال ضربا ن قلب و اختلا لات مختلف در فعالیت های دستگاه معده –امعا و بر هم خوردن فعالیت ها ی جنسی و غیر ه شکایت داشته ونزد دکتور ان‌مرا – جعه نموده اند درواقع کاملا اشخاص سالم و صحتمندی بود ه‌اند که‌علت اصلی بیماری شان را تشو شا ت روحی تشکیل میداد ه‌است بیمار ی آنها در واقع کاملا احساس بیمار ی بوده که به علت خستگی وافسردگی بیشد ی‌از حد روحی ناشی از شرایط دشوار وروح آزار ممتد زند گی بر آنها مستولی گردیده است .

تصاد فی نیست که درتمام‌جهان این‌ارتش عظیم اشخاص مایوس‌و افسرده را در کاتگور ی مریضانی قرا رمیدهند که گویا دیگر هیچ کمکی نمیشود به آنها نمود . حقیقت امر نیز همینست که معا لجه این‌– گونه بیماران باشیوه هاو ادو یه جات معمول مطلقا بی نتیجه می باشد .

سه راهیکه به بن‌بست می انجامد :

کم بهادادن و یا ندیده گر فتن حالت درونی انسان د رحالیکه‌محیط ماحول روز به روز صنعتی تر گردیده دامنه اطلا عات وسعت‌بیشتر کسب نموده و خوا ص آن پیهم در تغیر می باشد ملیو نها انسا ن در واقع سالم وصحتمند را برا ی‌سا– لیان درازی به سرگردانی‌درموسسات مختلف طبی محکوم می نماید .

این مسئله مهم وجدی طبی – اجتماعی میباشد که داکتران شو – روی به حل آن پرداخته اند .

تا چندی پیش هم برای اینگو نه بیماران فقط سه دور نمایی پیش‌از همه محتمل وجود داشت که قاعدتا یکی از آنها هم فرجام نیکی برا ی آنان در برنداشت . در حالیکه‌معا– ینات دقیق هم در وجود بیماران‌کدام نوع انحرا فی را از حالت نورما ل نشان نمیدهد مگر باز هم بعضی‌از اشخاص خود را بیمار حس میکنند تشخیص حالت خاص سیستم مرکزی اعصاب هنگام فشار احسا– سات هیجان آمیز مثل یك عده‌امرا– ض دیگر از طریق انالیز (تجزیه های لابرا تواری)نا ممکن است واینك ((بیماری)) که هیچ نوع مریضی ای ندارد (طوریکه‌متخصصین طب فرا نسوی آنها را این طور نامیده اند)نزد دوکتوران اغلبا متمار ض و یا در بهترین صور ت آن ، شکایات آنها تخیلی شنا خته میشود .

شخصیکه محتاج به گرفتن مقدار حداقل دوای اعصاب میباشد و یا حتی ساده تر از آن به کمك و مشوره شخصی ضرورت میدا شته باشد به بیمار طولانی و یا دا یمی مبدل میگردد . اگر شخص مذ کور در ابتدا گاهگاهی احساس میکر د که وضع قلبش تااندازه ی غیر نور مال میباشد پس حال به فرا– رسیدن گویا انفار کت قلب و یا فلج ناشی از فرط فشار که‌و قوع آن بنظرش حتمی‌می آید روزشماری کنان انتظار میکشد . کافیست که یاد آور شویم معلوما تیکه از تحقیقات خاص د راین مورد بدست آمده است حاکی از آن است که تشخیص ستنو کار دی نزداشخا– ص مبتلا بعدم کفایه قلبی و انفار– کت میو کارد حداقل در مورد سه فیصد و در نزد مریضان مبتلا به بیماری قرح معده تقریبا در مورد شصت فیصد و نزد بیماران مبتلا به قرح اثنا عشر در مورد ۳۰فیصد و نزد مریضان مبتلا به اپندکس‌در

مورد بیشس از ۴۰ فیصد و در نزد اشخاص مبتلا به بیماری های خبیثه در مورد بیشس از ۳۵ فیصد عار ی از حقیقت میباشد . تصاد فی نیست که‌بنا برهمین ار تباط گفته میشود که خود تشخیص اساسی ترین منبع بیماری های زما ن مارا تشکیل میدهد . قرار آماریکه از منابع‌موثق در دست است همانا تشو شا ت روحی ومقدم برهمه نا آرامیها ی حواس علت اصلی یك سوم تما م واقعا تی را تشکیل میدهند که در نتیجه آن اشخاص قابلیت کارکردن خویشس را از دست داده اند .

سومی عبارت از مشوره بادا ـ کتران امراض رو حی میباشد که در ظاهر ا زهمه صحیح تر به نظر می اید اما آنهم اکثرا راه خروج‌بهتری را به این اشخاص از بن بستیکه‌به آن مواجه گردیده اند نشان نه‌داده است .

تشخیص نا درست داکتر عقلی و عصبی و یاداکتر امراض داخله به صورت اتوما تیك داکتر امرا ض روحی را درمسیر غلط سوق‌میدهد باین معنی‌که‌ازروی‌تکالیف سیستم سوما تیك (بخشی از سیستم عصبی حیوانات و انسا نها است‌که از رشته های حسی تشکیل گردیده و رابطه عضلات ، جلد و مفا صل ر ا با سیستم مفا صل و سیستم مر کزی اعصاب قایم میسازد)ونو وولوژ یك (فعالیت های عصبی) شخص ، او را مبتلا به نوروز میدانند که د ر واقع امر شخص مذکور هرگز به آن مبتلا نه بوده و نمیباشد .

بعد از این که معلول بجای علت قرار داده میشود همانا خود به علت اصلی واساسی تبدیل میشود .اکثر دکتوران امروزی بیمار ی رو حی اعراض سو ماتیك هرد پر یشیدن ((پوشیده)) رابه حیث علامه بیماری سخت روحی قلمدادمیکنند اشخاص از ترس اینکه مبادا داغ مبتلا بود ن بمرض عقلی وعصبی برجبین شان زده شود و حیثیت و اعتبار اجتماعی خود را از این بابت در بین اطرا ـ فیان خود ازدست د هند وایقان‌به اینکه تکلیف شان صرف جنبه فزیکی دارد آنها را وا میدارد که‌از هر گونه تماس (حتی اگر بصور ت شخصی هم باشد) بادکتر امرا ض روحی جدا خود داری نمایند .

عوار ض ظاهری که در پشت‌سر آنها اندوه وغم و پریشانی درونی پنهان میباشد هر گز دلیل مبتلا بودن شخص به کدام نوع مرض روحی و یا حتی ضعف عصبی شد ه نمیتواند . واقعا مشکل است قبو ل نمایم از جمله آنها یکه طب عمو می تکلیف آنها راغم واندوه درونی تشخیص داد ه‌است در حقیقت‌بیش از ۴۰ فیصد شان مبتلا به بیمار ی منیاك ـ دیپر یسیف و یا شیز و فرینی میباشند .

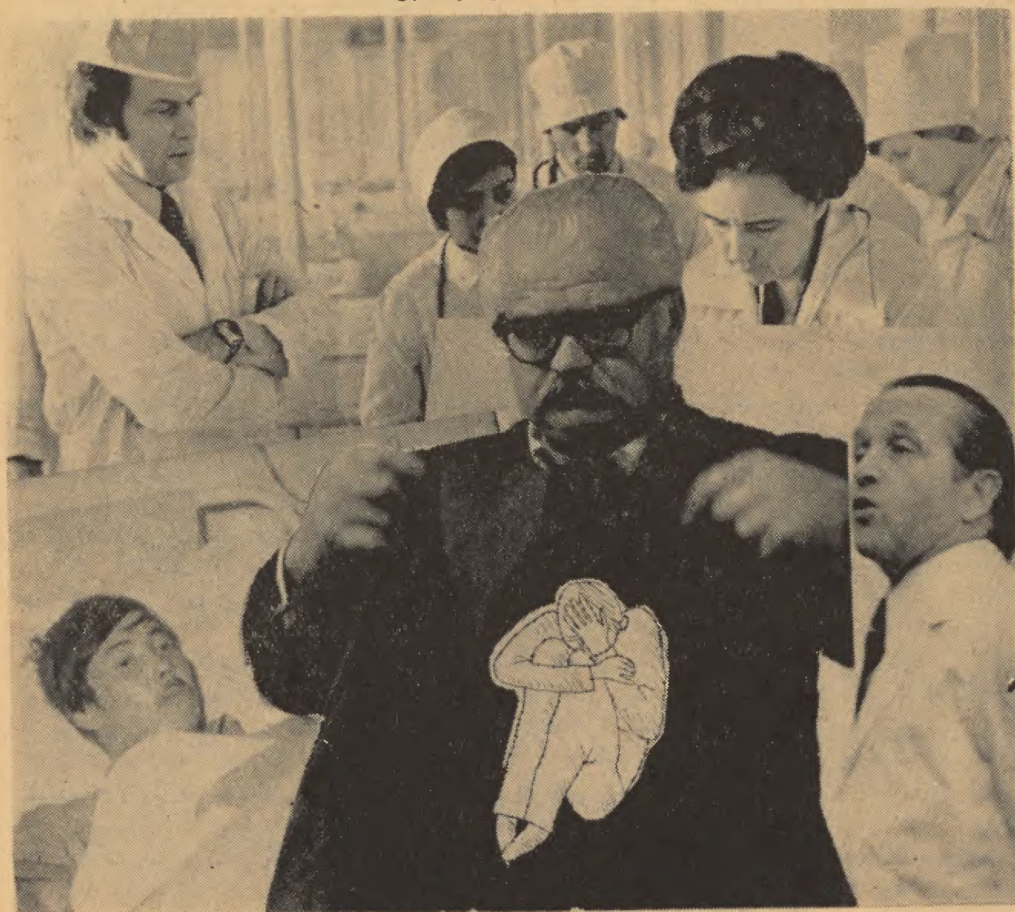
درینصورت پس بیمار ی آنها چیست ؟ و میکا نیز م روانی و فزیو لوژیك آن مرض چه گو نه است ؟ و بالا خره طب جدید به‌آنها چه کمکی کرده میتواند ؛ بالا خر ه کار های نیرو فزیولوژیست سترگ شو روی بنام پتر آنو خین برای ما امکانی را بوجود آورد که به‌گفته فزیو لوژیست کلاسیك ایوان‌پائو ـ لوف همه خصو صیات پسکیو جی به زبان فزیز لوژیك بیان گرددطبق نظر آنوخین به عوار ض گونا گو ن قلبی ـوعایی ، معده وی ـامعا یی وسایر عوار ض حالات دپر یشنی نباید همچون عوار ض جانبی حالت دپر یشنی نگریسته شود . این جز حتمی هر احساس درونی به‌حد کافی تبارز یافته میباشد . اتفا قی نیست که اکثر ناخوشی های‌فزیکی که احساس کاذب بیماری های مختلف را در مابوجود میاورد درهمه مواقع و در همه مردم بصورت‌عوا ـ رض دایمی حالات دپرشنی تبارزمی یابند. نتا یج عملی که دانشمندان طب شوروی ـ پیروان راه آنو خین از مشاهدات دراز مدت کلینیکی‌خود بدست آورده اند کدام اند ؟

تمام مدارك بدست آمده حا کی ازآن است که برای ا ین ا شخاص که بیمار نیستند اما خود را بیمار حس مینمایند متخصصینیکه ساحه تخصص شان محدود باشد هیچ گونه کمکی کرده نمی توانند در این جابه داکتران که ساحه تخصص شان وسیع تر بوده و در مورد امراض داخله و روانی طبی وتشو ـ شات روحی آماده گی لازم ومهار ت خاص داشته باشند .

پرابلم تشو شات حاد رو حی نمیتواند قرار پرنسیپ مطلقا سالم و یا کاملا مریض حل گردد .

در این جا قبل از همه لازم‌است که داکتر شیوه تشخیص قالبی را کنار گذا شته و روشس تحقیق همه جانبه و بر خورد مشخص با بیماری مشخص را در پیشس‌گرفته و اعتماد این نوع مریض رانسبت به داکتر وهمچنان نسبت به متخصص امراض رو حی که بایست به عمق تکلیف شکایت ((مریض)) مورد نظر نفوذ نماید وحالت نورمال و ذوق وعلاقه به زندگی را به او اعاده سازد جلب و فراهم سازد . پرا تیك با ثبات رسانیده است‌که‌بر خورد درست طبی در اکثریت‌موارد امکان میدهد که طی دوسه هفته در رسیدن باین مامول توفیق حا صل گردد .

در اتحاد شو روی اختلا لات پسیکو سوما تیك و پایه عبار ت دیگر پسیکو فزیو لوژ یك به حد کافی مطالعه و تحقیق گردیده و موفقیت های که امروز در این‌ساحه جدید علمی بدست آمده است این امکان رابوجود آورده است که باین ملیون ها بیمار صحتمند یکه امروز وجود دارند صحت وسلا مت کامل باز گشتانده شود .



عوارض ظاهری که در پشت سرآنها اندوه وغم و پر یشانی درونی‌پنهان می باشد هرگز دلیل مبتلا بودن شخص بکدام نوع مرض‌روحی‌وحتی‌ضعف عصبی شده‌نمیتواند

ساده دل



نوشته دستگیر نایل :

پیوسته بگذشته

ـ بقه هم پاهای خوده بلند کده که‌مره‌نعل کو! ای آدمه گم شدنش آمده !))

پس چشم ها ی خود را ابلق‌ابلق کرده با خشم افزود :

ـ مور چه ره که گم شد نش‌آمد بال میکشه !

سنگی به حر فها ی نیشدا ر و تهدید آمیز این شخص چیز ی‌نگفت امانگاه خشما گینی به وکیل نعیم کرد وگفت :

ـ وکیل صاحب ، مه فهمید م که مقصد شما از ی گپها چه بود ،اگه نام ونشا ن ودستر خوان ندار م‌بنام یك انسا ن ، یکنفر خد متگار قو م ده بین شما یك عمره گذشتا ند م اینقدر هم انسا ن نباید به زور و قدرت خود مغرور باشه‌که دیگرهـاره ه‌تحقیر کنه . او زما نه هاره اوبرده که آب زور سربا لا میر فت وهرکار به کام شما می چر خید ! شما فکر می کنین که غر یب آدم نیس،غریب بندهٔ خدا نیس ؟ ده ای خاك وملك حق نداره !))

صوفی قربا ن ! با صدای گر فته گپها ی سنگی را قطع کرد :

ـ کسی که به خدا و به حقیقت ایما ن داشته باشه ، ای قسم فکـر نمیکنه که وکیل صا حب گفـــت . اربا ب رجب از کجا نا م و نشا ن یافت که ده سا ل تما م ما مرد م بیچاره و غر یبه مثل مار ، پو ست کد ! قدر وعزت ، نا م و نشا نه‌برای آدم مرد م میته ، مرد م نبا شه‌هیچ چیز نیس ! هیچکس از شکم ما در خود همه چیز نیاورده !

اهالی طر ف چین پیشا نی وابرو های بهم پیچیده و خشن وکیل نعیم می‌نگریستند ومنتظر بودند که اوچه نوع ءکس العملی‌نشان خواهد داد. یکبار وکیل ناگها نی چین خود را تکان داده سر شانه خود اندا خت‌و باخشم به کسا نی که اورا نگاه‌می کردند ، دید ومثل عاد ت دایمی‌اش سر خود را بلند گر فت و تخ‌تـــخ کنان در راه روا ن شد وبا صدا ی غور گفت :

ـ ده هر کار مسخره گی بود ، حالی ده کار های کلان هم رخنه‌کرد هیچکس نمی تانه بدو ن اجازه ما هرچه دلش بخواهه بکنه .

بابر آمد ن وکیل از مســـجد ، سنگی به مرد می که به اطرا ف‌او ة‌ایستاده بودند وبا حیر ت می‌نگر-یستند ومثل اجسا م بیحر کت و جا مد به جا ی خود مانده بودند ، گفت :

ـ شنید ین گپها ی ا شکـــــم بزرگ هاره ؟ صو فی قر بـان دو جریب زمین خوده به دولت داد که مکتب آباد شوه اماتا امروز همــــی آدمها ی دلسوز ! شما مانع شدند، بگویین ای کار به نقص شما شد یا فایده تان ؟ اگه مه عو ض همی وکیل صاحب میبودم او لتر از همه همی مکتبه به سبب آرا می او لاد ها ی شما آباد می کد م . بسیار چیزهای دیگه هم هست که ما می بینیم اما قدرت گفتنه بروی شان نداریم.

غلغله و هیا هو ی مردم‌بلندشد وهمه از دنبا ل سنگی سیـــــــل آسا روا ن شدند . چهره‌سنگی با دید ن مرد م که از دنبالش می‌آمدند کل‌گل می شگفت . قلبش آگنـــــده از احسا س ، احسا س شاد ی و سرور شده‌بود ، هیچگاه این نـوع احساس که در ژرفـــا ی رو ح او چنگ زده باشد ، به او دست‌نداده بود. اوبه خود میبا لید و به‌عظمت وشکو همند ی قدر ت مرد م میبا لید که همه افتخارا ت بو سیله آنهـــا میسر بود . مرد م می گفتند :((برای مامرد م غر یب وبیچاره همی‌قســم آدم لازم است که از درد ما خبــــر باشد .)) یکتن از اهالی که احسا-ساتش به شد ت تحر یك شده‌بود، باخون گر می به آنها یی که ازدنبال سنگی روان بودند ، گفت :

ـ گپها ی بیفا یده نز نین ،همه مایکجا شده سنگی ره ارباب خــود مقرر کنیم وبه ای خا ن صا حب ها بگوییم که دست از سر کل ما بر دارن!

همگی با خشم به او نگر یسته اعترا ض کنا ن غری دند :

ـ ((ماره چی شده ؟ هر کس‌نکنه نامرد باشه دست همه از با ب هــا خلاص !))

سنگی با هیجا ن و خوشی زاید الوصفی مداخله کرد :

ـ((اگه متحد با شین زورشماره هیچکس نداره .))

سنگی که هر لحظه به غرور او افزوده میشد ، مرد می را که‌اطراف اورا گرفته بودند ، مخاطب قرا ر داده‌گفت :

ـ ((خو، مو ضو ع حل شـــد، مقصد مه همی بود که مرد م مـــره بشنا سه ، مرد م از مه باشد !))

او ، بادر ك احساس درونی‌خود با محرو میت ها ی مرد م قر یه‌که آنرا باتما م حواس خود لمس میکرد از در گر فتن چنین مبارزه یی بـا صاحبا ن زور وزر خوشنود بود و قلبا آرزو میکرد که در ین راه خود را قربا ن بسازد . وشعار ش همیشه این‌بود :

((آد م اگر یکروز هم زنده گی کند ، بایدمر دانه زنده گی‌کند .))

سنگی ،از زنده گی وروز گارپدرش خاطرا ت تلخی داشت و گاه گاه به مردم می گفت . (شوهاوروز ها پدر خوده می‌دیدم که ده مقابل اربا ب قادر وکلما ت زشت و اها نت آمیز اوخاموش وساکت ایستاده میشد.))

اربا ب به او می گفت : ((احمــق مثل الاغ ! بی عقل هستی یك‌وظیفه که برایت داده میشه بـا بزدلی‌و ترس انجا م میتی . باید مثل شیر درآمد داشته باشی کار ی کنی‌که همیشه غرور مه با لا بروه .))وپدرم مانند موش سورا خ میپا لیدکه‌خوده ازنظرش پنها ن کنه وقتی پدر م‌با اشخاصی ازخود غر یب تر روبـرو میشد ، عقده های دل خوده سرآنها باز میکد . ای قسم زنده گی خوشم نمی آمد واز کار های پدر م راضی نبودم) .

ارباب رجب که ازولا یت به‌قریه آمد ، سرو صدا ی اربا ب شـــدن سنگی بیش از پیش زیاد شده‌بود. اربا ب از اقدا مـــا ت سنگی نـــه بلکه از عد م اعتماد دیگر صا حب رسو خان بیم داشت که به بها نه سنگی شخص دیگر ی را عو ض او انتخا ب کنند . لذا اشخا ص‌گماشته گی اش را دوباره نزد خود خواست وپرسید :

ـ اوبچه ها ، هنوز هم سنگی‌ره زنده ماند ین ؟ تا امروز که مه نبودم شماده حصهٔ او چی اقدا م کد ین! محر ك ای کار ها صوفی قربا ن اس باید او هم پشت کلاه خودمیر فت. اگه شما تنبلی می کنین ، را پور هر چهار شماره به حکو متی میتم که ده قتل دهقان حاجی رشید بزاز شریك بسازه که گم ونیست‌شوین

آه ! چقدربدکدم که دونفربیگناه دیگر ی ره که هیچجر م و گنا هـی نداشتن ، قلمداد داد م . کاش ده همی موضو ع سنگی ره به چنگك حکو مت میداد م ، هی !کلان اشتباه کدم)).

از جملهٔ چهار نفر تنها پهلوا نجوره به اربا ب گفت :

- ((زدن سنگی بسیار آسا نس، ماخو ده فکر گم کد ن صو فیقربان استیم که محر ك اصلـــی او اس وطوریکه دیده میشه بسیار مرد م قریه طرفدار ی او هاره میکنه ،بیغم باشین بزود ی از سر راه تــــا ن گمش میکنم !))

طرفداران سنگی به آنها یی که مترددبودند واز نفو ذ صا حــــب رسوخان می ترسیدند ، تبلیغ می کردند که سنگی میگو ید اگرارباب شدم به مرد م سر ك میسا ز م ، مکتب آباد میکنم و دستظلمهازیخن مردم غریب کوتاه میکنم .

یکروز سنگی به بازار رفت کهاز آنجا به دکا ن خود سو داخریداری کند. زیرا از زما نیکه به فکرارباب شدن افتاده بود، دکا نش به کلـــی خالی شده بود . فاصله میا نبازار قریه در حدود سه سا عت بسوار ی اسپ می آمد .

برای طی کرد ن این راه ، آد م دشتها ودره هایپرخموپیچیراباستی پشت سر میگذاشت ، دره ها ی هول انگیز ی که انسا ن به تنهایی خود در آنجا ها مو ی بد نش ازترس راست میشد . در طی همین مد ت به سنگی گفته شده بود که با یدبه تنهایی به بازار یا جا ی دیگر یرفت وآمد نکند .اما سنگی آد م فراموش کار وبی پروا بود . پهلوان جورهو یکی از رفقا یش اتفا قا سنگی رابه هنگا م برآمد نش از بازار که بـــه قریه می آمد ، دیدند . سنگیخرخود راسو دا بار کردهبود وخودشپیاده طر ف قریه می آمد . در راه یگا ن نفر سوار یا پیاده را مید ید کـــه رفت وآمد میکردند . یگا ن نفـــر سوار با شو خی به سنگی میگفت:

- باز خر خوده چی بار کــد ی ارباب ؟

- سودا س ، سودا ند یده یيکه دکان خالی شده .

- تو خو تما م ما ل دکا ن خوده بهمردم خوراندی ؟چطور سنگی قاقا می خندید ، دستی به ریش کو تاه خود بردهبا خوشحا لی میگفت:

- ((ما ل دنیا چی بدرد میخوره اولس زنده باشه !))

پهلوا ن جوره مو قع را غنیمـــت شمرده با رفیق خود هر چه زودتر سر راه سنگی را گر فته بودند . هنوز خمو پیچ دره را پشت ســـر نگذاشته بود که صدا ی هیبتنا کی بگوشش طنین انداز شد :

- ((سنگی ، ایستاد با ش ،شور نخوری که می کشیمت !))

به عقب خود با اضطرا ب نگاه کرد ، اندا مش بشد ت می لرزید، اودر تما م زنده گی خود با چـــنین حادثه یی روبرو نشده بود . زبانش گنگ شد و صا مت وبی حرکت به جا ی خود ایستاده ماند . خراودم خودرا چند بار شور داد و عرعرکنان به رفتن خود ادامه داد . سنگـــی جرئت نکرد به خر خود صدا کـــند که بایستد . از سمت راستشدونفر آدمها ی تنو مند ی که پو ز ها ی شان بالنگی بسته بود ، یکی ازآنها گفت :

- ((به طر ف همی دره روا نشو، صدا یت بالا نشوه .))

چند قد م به طر فی که آنهـــا دستور میدادند ، روا ن شد . در فاصله تقر یبا چند صد قدمیچقری هولنا کی بود پهلوا ن جوره بانو ك چاقو به گو ششِ خله کرد :

- پولها یته چی کدی ؟ میفهمی

بقیه در صفحه ۵۲



پیوسته بگذشته :

برگی از تاریخ :

یادی از تأسیس حزب واحد رفیقان

انتشار اید یا لوژی حزب به اروپا :

محمد جعفر محجوب در مقدمه فتوت نامهٔ سلطانی (ص ٦١) درین مورد چنین می نویسد :

((در روزنامه فرانسوی لهدوبات مقاله انتشار یافته و در آن گفته شده است که یکی از فرمانروایان آلمان رسولی نزد خلیفهٔ بغداد – الناصر الدین الله فرستاده و از او تقاضا کرده بود که وی را نیز در سلك جوانمردان وابسته به خویش در آورد واورانیز در اعداد ((رفیقان)) وپیروان خود در این آیین محسوب دارد ، واحتمال بسیار قوی میتوان داد که آیین جوانمردی اروپاییان که درزبان فرانسوی آنرا ((شوالیه گری)) گویند بر اثر انتشار آداب ورسوم جوانمردان ممالك اسلامی وبه پیروی از آن در آن سر زمین پدید آمده باشد .))

شرایط پذیرش عضویت در حزب:

شرایط پذیرش عضویت وشامل شدن به حزب فتوت یا رفیقان در تمام موارد مو به مو تطبیق می گردید . اولین شرط شمولیت پوشیدن لباس بنام ((سراویل)) بود .

مولانا حسین واعظ کاشفی دانشمند معروف عصر درخشان تیموری کشور ما در اثر مشهور خود بنام ((فتوت نامهٔ سلطانی)) دربارهٔ این لباس که مفرد آن سروال است میگوید :

((ابراهیم علیه السلام سروال راکه به فارسی زیر جامه گویند و اهل عراق فتوت خوانند برایشان مقرر کرد ؟ واو یك جزو از خرقه است چنانچه فتوت یك جزو از طریقت است ، وبه واسطهٔ آن که اکثر مردم بدین لباس میل کردند علم فتوت مشهور شد (ص٧)))

شرط دوم پذیرش عبارت از نوشیدن ((آب و نمك)) بود درین باره قاضی شهاب الدین در تاریخ مظفری دربارهٔ رسم آب و نمك نوشیدن جوانمردان و رمز آن گوید :

((نوشیدن آب بدان جهت است که معتقدند آب اصل زندگی و مایهٔ قوام واستحکام آن است چنانکه خدای تعالی میفرماید: و من الماء کل شی حی . و نیز آب همه نجاست ها وپلیدی هارا پاك می کند . درباب علت آمیختن نمك به آب نیز گوید : نمك هر چیزی را از فساد حفظ می کند و آن را از دگرگونی وتغییر پذیرفتن دور می دارد .

پس خوردن نمك رمزی است از دوام حال وثبات قدم جوانمرد در آیین خویش وباز نگشتن از آن، ونیز آب، شیرین و گوارا ست و شوری ضد گوارایی و مایهٔ ناگوار شدن آب است و آمیختن نمك باآب اشاره بدان است که جوانمرد باید دربرابر سخت و سست و فراز و نشیب زندگی شکیبا باشد وبلا را تحمل کند و نعمت های حق تعالی را شکر گوید وبار ((رفیق)) خویش را در هر حال خواه در تنگی و عشرت وخواه در فراخی نعمت بکشد)).

بقای حزب رفیقان :

آئین فتوت وجوانمردی که اساس تشکیل حزب رفیقان بود، روشی بود که به صدر اسلام منتهی میگردید ، این روش دنبالهٔ کار عیاری بود که نخستین قیامهای مردم و جنبش های ملی را دربرابر ستم واستثمار بسیج ساخت و لی به مرور زمان در آن رکود و فساد راه یافت تا جاییکه مردم نسبت به اعمال جوانمردان با شك و تردید مینگریستند ، مفهوم عیاری معنی غیر از آنچه که افاده میکرد به خود گرفت ، فتوت نیز درطی قرون از راه اصلی منحرف گردید تا جاییکه گاهی این جوانمردان بر خلاف روش های جوانمردی به ایزاء و اذیت مردم بیدفاع می پرداختند. تنهاخاطره خوش تاریخ از جوانمردی این بود که فتوت درمیان مردم پدید آمده و به پایمردی وپشتیبانی همین توده‌هارشد وموقع اجتماعی یافته بود ، ناصر – الدین الله تصمیم گرفت از این نیروی بزرگ به نفع گسترش قدرت اداری وسیاسی واجتماعی خود بهره بگیرد ، هرچندجوانمردان به دسته های گوناگون تقسیم شده بودند ولی خلیفه توانست با یکی از گروپ های متشکل وبزرگ به رهبری عبدالجبار ائتلاف نماید وحزب خودرا در بطن آن بپرداز ند وتنظیم بخشد . مردم عامه که‌برای باراول خلیفه راپشتیبان و هم عقیدهٔ خود یافتند فکر اورااستقبال کردند وبه حزب اوشامل شدند . تعداد اعضای حزب رفیقان برای مامعلوم نیست . چون تشکیلات حزب رفیقان با تشکیلات حزبی و سیاسی روز گار ما تفاوت عظیم دارد . از سوی دیگر بجز عدهٔ معدودی از مورخین صاحب درك آن جریان سیاسی را مستقل از جوانمردی مطالعه نکرده اند .بهر صورت اساس کار حزب رفیقان برهمان روش های جوانمردان مرتبط بود .

مرامهای حزب جوانمردان بعداز ناصر نیز ادامه یافت .

هر چند تدبیری که درراه‌بدست آوردن رهبری حزب رفیقان توسط خلیفه به کار رفت بیشتر برای خلافت ثمر بخش بود تابرای مردمی که به عضویت حزب در آمده بودند امابرای رهبران وزعیمای جوان مردان نیز خالی از منفعتی نبود و گاهی هم موجب دخالت عدهٔ از زعمای فتیان و رفیقان در کار – سیاست وآئین ملك دادن شد و بعضی رابه ریاست وامارت‌وحکومت نیز رسانید . یکی از مورخان درین باره چنین می نویسد :

((وابستگی فتیان و جوانمردان با دستگاه خلافت چندان نبود که بنای جوانمردی پس از برداشته شدن ستونی که از حمایت دولت برپشت دیوار های آن زده شده‌بود یکسره فرو ریزد و منهدم شودبر عکس ، چون این جریان فکری در میان مردم ساده کوچه بازارطرفدار و هوا خواه داشت، گر چه رفته‌رفته وبه تدریج ولیکن سرانجام از محیط سیاست‌بیرون آمد و باز در میان طبقات مختلف توده های‌خلق همانها که این آیین زاییدهٔ شور و اشتیاق و صفا وصداقت واستقبال پرشور ایشان از آن بود ، پناه‌گاه خویش رابدست آورد .))

ناصر الدین الله از شمولیت‌و تنظیم حزب رفیقان وجوانمردی بهره برداری بزرگ سیاسی‌کرد. پیروان این حزب به صورت‌مهره هایی در شطرنج سیاست،دردست خلیفه ونواسه اش به این سوی‌و آن سوی میرفتند وحریف رامات میکردند ناصر الدین الله پس از خلافت طولانی که از برکتِ حزب رفیقان در کمال قدرت وآرامش گذشت در اوآخر ماه رجب سال ٦٢٢ هجری قمری وفات یافت یکسال بعد از مرگ زودرس‌پسرش نواسه وی منصور ملقب به‌المستنصر بالله به خلافت نشست و دو باره کار حزب بالاگرفت . ناصر اورا برای همین کار بزرگ تربیت‌کرده بود. به‌قول مورخان معاصرش: وی به نشر عدل و انصاف در میان مردم کوشید واهل علم‌رابخود نزدیك کرد و مسجد ها و مدرسه ها وکاروانسرای ها وبیمارستان های بسیار بنا نهاد ... متمردان را از میان برداشت ، فتنه را فرو نشانید و آشوبگران را سرکوب کرد .

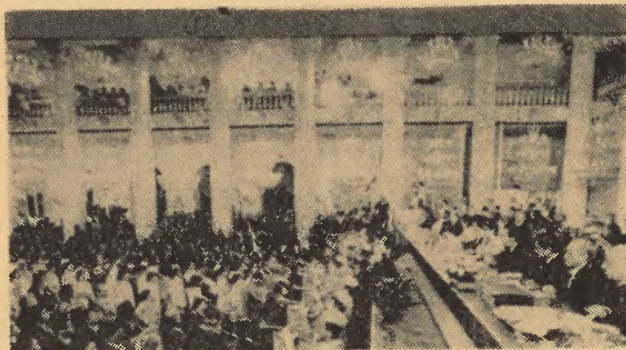
بقیه درصفحه ٥٢



گوشه از کنگره جهانی ز نان را که‌درماه‌جون سال ۱۹۶۳ در قصر کرملین بر گزار شده ودر حدود دوهزارنماینده از یکصدوده‌کشور جهان اشتراك نموده می بینید کـه والنتیاترشکوا اولین زن کیهانورد که تا زه‌ازفضا بر گشته بود هم در جمع ا شتراك ـ کنندگان دیده میشود .



گردهمایی بین المللی « زنـان و ســوسیالیزم » که به تقریب شصتمین سالگـرد انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتو بر در ماه‌جون سال ۱۹۷۷ برگزار شده بود و اشتراك کننده‌گان‌آن درحین دیدار ازقریه‌سوشنسکوی‌واقع درحومه کراسنویارسك دیده میشوند .



کنگره جهانی زنان تحت شعار «برای یك‌آینده صلح آ میز و مصئون برای تمامـی اطفال » در مسکـو درماه سپتمبر سال بیـن‌المللی طفل

بقیه صفحه ۲۷

فعالیت‌های صلحجویانه . .

را به تجارب زنان شوروی در زمینه دریافت راه های حل مناسب برای حل مشکلات زنان میباشد . یکی از فعالیتهای بس ارزنده‌ومهم کمیته زنان شوروی سهم‌فعال آن در همبستگی با مبارزات عادلانه مردمان افریقای جنوبی ، فلسطین ، چیلی ، السلوادور یوروگـــوی، کمپوچیا ، افغا نستان ، نیکاراگوا و دیگر کشور هائیکه تحت تجاوزات پیهم محافل امپریالیستی و ارتجاعی درراس ایالات متحده امریکا قرار دارند همراه با دیگر سازمانهای عامه وتوده یی اتحاد شوروی میباشد .

کمیته زنان شوروی اماده انجام هر نوع کمك با سازمانهای زنان کشور های تازه به آزادی رسیدهٔ قاره های آسیا و افریقا که در جهت فایق آمدن بر میراث های شوم استعمار چون بیسوادی فقر و مرض مبارزه بی امان مینمایند میباشد علاوتا زنان شوروی تجارب شان رادر زمینه محو کامل بیسوادی باآنها در میان گذاشته و همچنان آنها را در تجهیز مراکز اجتماعی زنان واطفال شان مساعدت مینمایند .

کمیته زنان شوروی (باتدارك سکالرشپ‌ها) زمینه کسب تحصیل را برای زنان ود وشیز ـ گان کشورهای‌خارجی‌ازطریق سازمانهای زنان آنان در کشور شان مساعد میسازند . چنانچه همین اکنون در حدود هشتصد دو شیزه جوان از پنجاه ونه کشور قاره های آسیا ، افریقا وامریکای‌لاتین بااستفاده ازبورسهای‌تحصیلی‌که کمیته زنان شوروی برای آنها تدارك دیده در اتحاد شوروی تحصیل میکنند که البته‌این دوشیز گان بعداز اخذ دیپلوم به کشور های شان باز گشته و بحیث داکتر ، قانون دان متخصص زراعت ، انجنیر و غیره در خدمت مردم و میهن خود قرار میگیرند .

دردهه گذشته بخش اعظم فعالیت‌های کمیته زنان شوروی وقف در عمل پیاده کردن بهتر اعلامیه سال بین المللی زن (ملل متحد) ودهه ملل متحد برای زن وتصویب فیصله نامهٔ در جهت محو کامل تمامی اشکال تبعیض در مقابل زنان گردید .

که مصوبهٔ اخیر الذکر را اتحاد جما هـیر شوروی درسال ۱۹۸۰ امضاء و تصویـب نمود . کمیته زنان شوروی در دوران سا ل بین‌المللی زن ودهه ملل متحد برای ز نا ن دریك تعداد گرد همایی مهم عامه از قبیـــل: کنگره جهانی زنان در بر لین در سال ۱۹۷۵ کنفرانس جهانی « برای یك آینده صلح آمیز ومصئون برای تمام اطفال » در مسکو درسال ۱۹۷۹ گرد همایی ساز مانهای غیر د و لتی درکوپنها گن در سال ۱۹۸۰، ا خذ آمادگی هابرای اشتراك و اشتراك فعال در هشتمین کنگره جهانی زنان در پراگ در ماه اکتوبر سال جاری اشتراك ورزیده است کـه تحقـق تصامیم هشتمین کنگـــره جهانی زنـان بـه همبستگی خدشه ناپذیر و مساعی خستگی ناپزیرکلیه ساز ما نهای ز نان جهان نیـاز مبرم دارد .

این چنین اشکال عنعنوی همکاری چـون اشتراك دو شا دوش در مبارزات ز نان دموـ کرات خارجی (برای صلح) پیـروزمنـدانه انکشاف می نماید .

کمیته زنان شوروی ساز ماند هی ز نان شوروی را جهت جمع آوری ا مضاء هابرای

بقیه درصفحه ۵۰



کنگره جهانی زنان و ششمین کنگـــره‌فدراسیون (دمو کراتیك) بین المللی ز نان‌که در ماه جون سال ۱۹۶۹ در هلسنگی دایر گردیده بود .

اعضای هیات نمایندگی شوروی در حا ل‌مصافحه بامیزبانان کنگره دیده میشوند .

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

اثر - فرانک - ر - استاکتون

بانو یا ببر

در روزگار بسیار قدیم، در همسایگی سرزمین دانش‌پرور یونان، کشور پهناوری بود که پادشاهی مقتدر و نیم وحشی بر آن فرمانروائی می‌کرد، این پادشاه بگفتهٔ مورخین، آرزوها و هوس‌های بی‌انتهائی داشت، چون توانا و زورمند بود، هرچه دلش می‌خواست می‌کرد و هرآرزوئی داشت بصورت عمل در می‌آورد. در آن مرز و بوم، تنها حاکم مطلق العنان خودش بود و کسی یارای مقاومت و سرپیچی در مقابل امر او را نداشت برای این شهریار توانا، هیچ لذتی بالاتر از این نبود که افراد خطاکار را بروش‌مخصوصی که شیوهٔ خود او بود مجازات نماید و کیفر آنانرا در برابر چشم دهها هزار تماشاگر بدهد.

از بدو زمامداری او، معماران و هنرمندان آن‌دیار بدستور وی، در وسط شهر میدان بسیار عظیمی ساخته بودند که صورت یک آمفی تیاتر باشکوهی را داشت در این تماشاخانهٔ عظیم، پادشاه جزای گناهکاران را می‌داد و طرز دادرسی او هم بسیار عجیب بود و وقتی که کسی متهم به خیانتی می‌شد و شخصیت ومقام او جلب توجه سلطان را می‌کرد، بلافاصله آگهی‌های متعددی در شهر نصب می‌شد و روز مشخصی برای تعیین سرنوشت متهم اعلام می‌گردید در روز موعود، در حالیکه دهها هزارتماشاگر لژهای تماشاخانه را پر کرده بودند، پادشاه با جلال و جبروت بی‌مانندی داخل آمفی تیاتر می‌شد و در جایگاه مخصوص خود قرار می‌گرفت. آنگاه بفرمان او متهم را بداخل تماشاخانه می‌آوردند از آن لحظه، دقایق حساس دادرسی شروع می‌شد: در حالیکه همه دیدگان بسوی پادشاه دوخته شده بود به متهم می‌گفتند که ازدو دروازهٔ عظیم و پولادینی که مقابل او ست و بسردابه‌های مخوف زیرزمینی تماشاخانه راه دارد یکی را انتخاب کند. آن دو در عیناً نظیر هم بود، بطوریکه تشخیص یکی از دیگری بهیچوجه امکان نداشت، محکوم مجبور بود به میل خود یکی از آندورا انتخاب کند و بگشاید. هیچ فردی در آن لحظه با او سخن نمی‌گفت و متهم با انتخاب یکی از آن دو در، سرنوشت خود را با دست خویش تعیین می‌کرد، در پشت یکی از درها، ببری گرسنه و خون‌آشام خوابیده بود. این حیوان درنده را با زحمت بسیار و مشقت فراوانی تهیه کرده بودند و روزها در گرسنگی و اسارت نگاه داشته بودند تا در فرصت مناسب، بیک دم طعمهٔ خود را ازهم بدرد و شکم گرسنه اش را سیر نماید. اگر متهم تصادفاً آن در را می‌گشود، ببر دیوانه آناً بسوی او حمله می‌برد و جلوی چشم آن گروه بی شمار، محکوم سیه روزگار رابه فجیع ترین طرزی از هم می‌درید. در آنموقع ناقوس های بزرگ به نشانهٔ عزا به صدا در می‌آمدند. بفرمان پادشاه، صدای شیون وماتم وزاری از هر سوی بر می‌خاست وکلیهٔ تماشاگران با سرهای فرو افتاده و دیدگان اشکبار محیط تماشاخانه را ترک می‌گفتند.

حال اگر متهم در دیگری را می‌گشود، از درون آن زن زیبا و طناز مثال فرشتگان آسمانی پا به محوطهٔ تماشاخانه می‌گذاشت. آغوش عطرآگین خود را برای برگرفتن متهم می‌گشود و سراپای او را غرق در بوسه می‌ساخت و آنگاه را مشگران به ترنم می‌پرداختند و خوانندگان خوش آواز نغمه سرایی آغاز می‌کردند. تمام فضای آمفی تیاتر غرق در شادی و سرور می‌شد و بدین ترتیب بیگناهی‌متهم ثابت می‌گشت. پس از چند دقیقه بفرمان پادشاه، کشیشی‌درمعیت عدهٔ رقاصه و هنرمند داخل تماشاخانه می‌شد و دختر زیبارادر هما نجا بعقد نکاح متهم در می‌آورد. زنگهای شادی از هر سو به صدا در می‌آمد جمعیت به‌شادی و پایکوبی می‌پرداختند و باران گل بر سر عروس وداماد خوشبخت فرو میریخت هیچ لزومی نداشت که در اینگونه مواقع، شخص متهم مجرد وبدون زن و فرزند باشد. و لو آنکه متاهل و صاحب فرزند می‌بود، دختر زیبا را به پاداش بیگناهی در اختیارش میگذاشتند و مقرری مناسبی‌برای او تعیین می‌کردند.

این‌بود شیوهٔ دادرسی و عدالت گستری پادشاه. شهریار نیم وحشی با منطق عجیب خود اینطور استدلال می‌کرد که اگر شخصی متهم بیگناه بوده و یا در ارتکاب آن جنایت گزیر و پرهیزی نداشته باشد، در دم با او الهام می‌گردد، که کدامیک از آن در را بگشاید. اگر مستحق مجازات بود، طبعاً دری را می‌گشود که از درون آن ببر گرسنه جستن می‌کرد، واگر بیگناه بود، دختر زیبا با مقرری کافی نصیبش می‌شد.

نکتهٔ حساس این بود که تا لحظهٔ که‌عدالت در بارهٔ محکوم مجری می‌شد، هیچکس جز شخص پادشاه و یکی دو تن از مقربانش نمی‌دانست حیوان درنده در پشت کدام درو دختر ماهروی در پشت کدام یکی قرار گرفته است، و برای آنکه متهمین آینده نتوانند در انتخاب خود تصمیم قاطع بگیرند، قفس ببر را مرتباً تغییرمکان می‌دادند گاهی دختر زیبا از دروازهٔ سمت راست و زمانی از سمت چپ بیرون می‌آمد و به همین جهت هیچیک از متهمین نمی‌توانست نسبت به تعیین سرنوشت خود اطمینان کامل داشته باشد.

و اما این شهریار جبار و خودکام را دختری بود خوب چهر وعاشق پیشه. نظیر آرزوهای بی‌انتهای پدرش دور از دسترس و خیال بشر قرار داشت.

این دختر زیباروی و شهرآشوب را دلی بود زیبا پسند و ملتهب. دوست داشت با جوانان بیامیزد و از عشق و پرستش آنها لذت برد، اما هیچگاه‌جرات این کار را نداشت. پدرش اورا به سر حد جنون می‌پرستید. هرچه میکرد و آنچه می‌خواست همه بخاطر او بود. به همین سبب هیچ فردی در سر اسر کشور،

بالای پایه...

از رئیس دارالمجانین‌پرسیدند آیا هرگز دیوانه ای ترا فریب‌داده است. گفت آری،

روزی در گوشه حیاط دارالمجانین پنهانی مراقب دیوانگان بودم. ناگهان دیدم‌دیوانه ای اطراف خودرا بدقت وارسی میکندوهمینکه دید کسی مراقب ومواظب او نیست کفشهایش را کند و از پایه برق‌وسط شفاخانه بازحمت ومشقت بسیار بالا رفت و خود را بنوک پایه رساند و آنگاه کاغذی از جیب در آورد وبه آب‌دهن ترکرد وبنوک پایه چسپانید و با احتیاط هر چه تمامتر پایین آمد، من که شاهد وناظر این امر بودم کنجکاویم سخت جنبید و بخود گفتم بهرطریقی هست باید از سر این کار خبردار بشوم و ببینم برین کاغذ چه نوشته است.

گذاشتم تا شب رسید وهمینکه دیدم رفت و آمد قطع شده است من نیز کفشها و لباسم را کشیدم وبامشقت بسیار خود را به بالای آن پایه رساندم ووقتی کاغذ را کندم و باولع هر چه تمامتر خواندم دود از مغزم بلند شد میدانید بروی آن کاغذ پاره چه‌نوشته بود « انتهای پایه ».

از بزرگ و کوچک و وضیع و شریف، جرأت آنرا نداشت که دست تمنا بسوی وی دراز کند. از قضای روزگار، دختر پادشاه دلباخته یکی از جوانان درباری گردید. محبوب او مردی بود خوش سیما، پاکدل و باشخصیت. با اینکه دختر روحی سرکش و خلقی نیم وحشی داشت، در برابر عشق جوان چنان تاب و توان از دست داد که خواهی، نخواهی عده‌ای به این راز شگرف پی بردند و سرانجام این خبر را به گوش پادشاه رسانیدند. سلطان جبار از وقوف باین راز بر خود بلرزید و بیدرنگ دستور داد که جوان را بزندان افکند و روز مخصوصی را برای مجازات او تعیین کنند. این حادثه بمنزلهٔ بزرگترین و عجیب‌ترین واقعهٔ تمام دوران سلطنت تلقی گردید و کلیه‌شخصیت‌های بزرگ و برجسته کشور برای حضور در این دادرسی دعوت شدند.

مملکت در اضطراب ونگرانی عمیقی فرورفت و همهٔ چشم‌ها تابنده دوخته شد تا پایان این ماجری و سرنوشت جوان گستاخ را که بخود اجازه داده بود عشق دختر سلطان را درقلب خویش بپرورد مشاهده کنند.

از طرفی بدستور پادشاه، گروهی در سراسر کشور واطراف به جستجو پرداختند تا درنده‌ترین و مخوفترین ببر آن سرزمین را برای بلع قربانی تازه بیاورند. گروهی نیز در دربار وکاخ‌های اطراف شهر تفحص آغاز کردند تا دختری که نظیرش از زیبائی یافت نشود برای مصاحبت و کامیاب ساختن او پیدا کنند.

مقدمات کار از هر حیث‌فراهم شد و روز موعود فرارسید از دور و نزدیك و سراسر شهرهای اطراف، جمعیت عظیمی بسوی آمفی تیاتر هجوم آورد تعداد تماشاگر به‌قدری زیاد بود که دیگر جائی برای نشستن باقی نمانده بود و ناچار صف اندر صف، عده‌ای پشت یکدیگر ایستاده بودند.

مثل معمول، پادشاه در لحظهٔ مقرر حاضر شد و بفرمان او، جوان سیه روز را به وسط میدان آوردند. چشمها همه با اشتیاق ونگرانی بسوی او دوخته شد وی مردی بود بلند قامت و خوش سیما، جوانیکه برازندهٔ عشق دختر سلطان بود.

اکثر تماشاگران که او را دیدند، دردل نسبت باو احساس رقت وترحم کردند. جوان همینکه دربرابر جایگاه سلطنتی‌آمد، بخلاف معمول که میبایستی مقابل سلطان رفته تعظیم کند، با دیدگان بهت زده مستقیماً به چشمان شاهزاده خانم که در جانب راست پدرش نشسته بود نظر دوخت. شاید انتظار نداشت که دخترپادشاه رادر آن لحظه و در محوطهٔ آن سیاستگاه ببیند. ولی از دیدار او هم تعجبی نکرد، بلکه تا حدی خوشحال شد، تردیدی نیست که دختر اگر خون نیم وحشی وطبع طاغی و سرکش نداشت در آن دقیقه نمیبایستی در آنجا حضور یابد. ولی از آنجا که‌در عین عاشقی و شیفتگی مغرور و خودپرست بود، از شرکت درآن بزم خونین امتناع نکرد.

از لحظه‌ایکه دلدار شوریده بخت بدست مامورین پدرش اسیر شد و بدرون زندان افتاد، شبانه روز کاری نداشت جز آنکه بسرنوشت تباه محبوب خود و طریق نجات‌او بیندیشد درطول مدتی که مقدمات دادرسی او فراهم می شد کوشش فراوان بکار برده بود تا بلکه بتواند او را ازمرگ احتمالی که در پیش‌داشت رهائی بخشد. ولی به مقصود نرسید. تنها کاری که‌توانست‌انجام دهد و برای او حائز اهمیت فراوان بود، پی بردن به بزرگترین رازی بود که تا آن زمان جز برای شخص پادشاه و معدودی درباریان با نفوذ میسر نبود. شاهزاده خانم توانسته بود بفهمد که از پشت کدام دربزرگ ببر گرسنه بیرون می آید و از پشت کدام در دختر ماهروی. ازدرون این دو دروازهٔ ضخیم و پولادین که چندین طبقه پوست و نمدآنرا پوشانده بود غیر ممکن بود که بتوان صدای حیوان را شنید، یا حدس زد که قفس ببر در آخرین دقایق کجا قرار می گیرد. ولی وی با صرف مقدار زیادی سکه های طلا بکشف این راز مهم توفیق حاصل کرده‌بود.

این دختر نه تنها می دانست که ببر گرسنه در پشت کدام در قرار گرفته، بلکه اطلاع داشت دختر زیبایی که برای همسری دلدارش انتخاب شده کیست وی آن دختر سعادتمند را که آمادگی قبول عشق محبوبش را داشت می شناخت و می دانست که او دختری از شخصیت‌های برجستهٔ درباری است و حتی مکرر دیده بود که این دختر با چشمان پرتمنی بمعشوق اونگریسته و دردل آرزو می کرد روزی او را در آغوش گیرد حتی به یاد آورد که گاهی دلداراو نگاههای حسرت آمیز وی را با عشق و علاقه‌پاسخ می داد وباین ترتیب بذر محبت او را در دل میکاشت. اکنون شاهزاده‌خانم زیبا در جای خود قرار گرفته بود و بسوی عاشق ناکام خویش مینگریست می توانست‌مجسم کند که دختر خوبروی با قلب پر آرزوی خود، پشت کدام در ایستاده و چگونه لحظه ای راانتظار می کشد تا محبوبش بحسب تصادف آن در را بگشاید و آرزوی دیرین او را بر آوردوقتیکه عاشق سیه روز بسوی وی‌نظر کردو در همان حال که با رنگ پریده و قلب ملتهب در میان موج جمعیت او را نگریست فهمید که از او استمداد میجوید. میخواهد از او بپرسد که بکدام سوی بروم و کدام در را انتخاب کنم.

پادشاه، درباریان و همهٔ جمعیت منتظر بودند تا متهم‌هرچه زودتر یکی از آن دو در را برگزیند، اما او خیره و بیحرکت ایستاده بود و با نگاه التماس‌آمیز خود از محبوب به طلب یاری می کرد. درین لحظه شاهزاده خانم بآهستگی دست راست خود را به بهانهٔ نوازش گیسوان خویش‌بلند کرد و از همان یك حرکت، فروغی از مسرت وامید در چشمان محکوم تیره روز درخشید. دیگر یك لحظهٔ‌تأمل را جایز نشمرد، با اطمینان خاطر و عزم جزم، مثل اینکه فرمان آزادی خود را دریافت کرده باشد در فضای پهناور آمفی تیاتر بحرکت در آمد وبسوی در سمت راست رفت.

در آن دقیقه صدایی از کسی برنمی خاست و چشمها مات و بیحرکت بسوی او دوخته شده بود، جوان پیش رفت تا بدروازهٔ پولادین رسیدوبا یك حرکت آنرا از هم گشود.

اکنون ای خوانندهٔ ارجمند از شما می پرسم بنظر شما در پشت آن در چه بود: ببرگرسنه‌یا دختر ماهروی؟

قبل از اینکه به پاسخ این پرسش مبادرت ورزید از شما می خواهم چند لحظه در پیرامون این نکات فکر کنید:

اول آنکه خود را بحریم‌قلب زنی نزدیك سازید که مثل قلب همهٔ زنان دنیا پراز اسراراحساس ضد و نقیض است.

برای چند لحظه خود تان‌رابجای آن شاهزاده خانم آتشین خوی وعاشق پیشه و خودپرست بگذارید و بیندیشید که وجود شما هم مثل کالبد او در شرارخشم و حسد و حرمان در حال سوزو گداز است.

مجسم کنید که شما برای‌همیشه می خواهید محبوب خود را ازدست بدهید وفقدان او نه تنها جسم وروح شما را رنج خواهد دادبلکه دیدار او در آغوش زن دیگری بیشتر ناکامی وسیه روزی شما را دامن خواهد زد.

بقیه درصفحه ۵۱

ازمیان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..



جوانان و نقش آنها در جامعه

ع. خلیل ((رومان))

آنچه مبرهن و آشکار است وتمام مردم به آن عقیده دارند، نیروی جوان، ذخیرهٔ فردای جوامع بشری و پیش برندگان چرخهای آیندهٔ هر جامعه میباشد. لذا بیشتر از همه در جوامعیکه بسعادت بشر فکر مینمایند و آیندهٔمردمخویش را با مسوولیت می نگرند، تکیهواتکأ آنها بالای جوانان است. این جوانان اند که گلهای فردای جامعه را آبیاری مینمایند وآنها را در وجود خویشتکاملمیبخشند و بلاخره فردای زندگی را برای نسل خویش و زحمتکشان درخشندگی می بخشند. نیروی جوان سرشار از نیروی عظیم وپایان ناپذیر استعداد انسانیست. ازینجهت فقط این نیرو سوق و راهنمائی میخواهد که بطرف کدام استقامت باید متوجه گردد. درینجا استکه میتوان رشتهٔ باریک نقش اجتماعی آیندهٔ جوانان را تعین نمود در صورتیکه سیستم اجتماعی سرمایه سالاریست حق رشد جوانان نیز مهر طبقاتی میخورد. محرومیت، جهل وظلمت بالای همهٔ مردم از جمله جوانان طوفان مینماید. جوان بطور قطع از رشد خویش باز میماند واز نیروی انسانی آن استفاده نمی شود. این نیرو در کوچه هاو پس کوچه ها به یأس و نا امیدی مبدل میشود. زیرا زندگی فقط از مشتی سرمایداران است که میتوانند بهر طریقی وسایل زندگی را برایشان فراهم آورند. فرزندان و نور چشمان شان را رشد و تکامل دهند و زمینهٔ تربیهٔ آنها را در مورد استثمار انسان از انسان فراهم آورند.

آنها در جستجوی راه حل مشکلات و پرابلم های دیگرجوانان که مسلمأ اکثریت جامعه را میسازند نیستند. جوانان در چنین جوامع از همه امور زندگی محرومند. حق تحصیل را بمشکل بدست میاورند.

چنین جوانان چه باید کنند ؟با چه وسیلهٔ خود را به علم و تکنیک امروز نزدیک سازند ؟ از چه راهی به همنوعان خود خدمت کنند ؟ و قتی جوانان جواب چنین سوالات را نیافتند بناچار کناره گیری مینمایند و به انزوا کشانیده میشوند که این عمل خواست آز مندان سرمایه و سرمایه سالاری است.

این چنین وضعرا خود سرمایه داران مهیا ساخته اند. فقر و بدبختی، محرومیت و بی دوائی، بی سرپناهی از جملهٔ مشکلات بسیار حاد جوانان بشمار میرود ولی با این همه هستند جوانانیکه راه نجات خود و نسل خود را در تغیر نظام جامعهٔ خویشمیدانند و در راه ایجاد جامعهٔ عادلانه که افراد آن دارای حقوق مساوی باشند راه مبارزه را در پیش میگیرند. با غول سرمایه سرپیکار آغاز مینمایند.

جوانان همنوع خویش را بدور خود جمع نموده برای اعادهٔحقوق خویش مبارزه مینمایند بنظر یات واندیشهٔ های چنین جوانان قابل قدر است زیرا آنها رسالت خود را درک نموده بخاطر حق و عدالت برابری ،محو ستم طبقاتی و بلاخره ایجاد سیستم عادلانهٔ اجتماعی دست اندر کارند.

اما ارتجاع و سالاران سرمایه آنها را مزاحمت مینمایند، در چنین راه انسانی شان موانع ایجاد میکنند جوان و خصلت جوانی پذیرنده است. جوان به زودترین فرصت نو را می پذیرد و کهنه ها را ترک مینماید دیو سرمایه با ایجاد توهم و توحش در جوانان رخنه میاندازد و آنان را به مسکرات و مشروبات الکولی، فحاشی و اعتیاد وا میدارند. آیا تعداد چنین جنایات در جوامع سرمایداری کم است ؟ آیا جوانان محتاط روزانه چند ساعت برای مطالعه و بلند بردن سطح آگاهی خویش وقت دارند ؟ آیا چنین جوانان در همچو جوامع بهفحاشی واعتیاد عادت نمی کنند ؟ فروش و تولید هیروئین و کوکائین در جوامع سرمایداری ((آزاد)) است واین جوامع به اصطلاح ((آزاد)) آیا به آزادی مردم از جمله جوانان فکر می کنند.هرگز! در چنین جوامع آزادی به مفهوم عام آن وجود ندارد بلکه آزادی های مردم عملا در بند کشیده میشود.

بیائید به آیندهٔ همچو جوانان بنگریم، استعمال هیروئین و کوکائین، چرس و تریاک چه سرنوشتی را در برابر نسل جوان قرار خواهد داد ؟ جوانان بعوض تحصیل به اعتیاد پناه میبرند. بعوض درک قانونمندی های جامعه و تکامل آن و تفکر مستقلانه بالای آن، در اعتیاد غرق گردیده است. نیروی فروشندهٔ جوانان محتاط این کشورها ضایع میشود. سرمایداران و حکام بی فرجام جامعهٔ سرمایداری از انجام این جنایات یک نتیجهٔ کلی میگیرند وآنمصروف نگهداشتن جوانان است و دوری از دخالت امور اجتماعی. زیرا اگر جوانان به سرنوشت خود وجامعه فکر نمایند، اگر جوانان وقت مطالعه و بررسی ماحول خود را دریافتند، اگر جوانان جهانبینی خویش را تقویت بخشیدند، عمر سرمایداری کوتاه میگردد.

بر بساط ظلم و استبداد و جنایات ایشان خاتمه داده میشود، این ها باعث شده است تا جوانان را مصروف نگهدارند

اما خوشبختانه توده ها بیدار شده اند، جوان بیش از همه رسالت تاریخی خود را درک نموده اند. دیگر سیاست های ارتجاعی بحق و مال و نیروی جوانان تاخت و تاز کرده نمی توانند.

پیروزی های چشمگیر کشور های سوسیالستی و خوشبختی های که برای مردمان و جوانان به ارمغان آورده است باعث عبرت و درس خوبی برای جوانان گردیده است. اکنون سیستم جهانی مثلسیستم قرن نهژ دهم و نزدهم نیست بلکه عملا توازن قوا بطرف سوسیالیزم از دیاد یافته است. حال امپریالیزم بنا بر خصلت تضاد های درونی خویش به مرحلهٔ مرگ خویش رسیده است. اکنون زمان بیداری خلقهای سراسر جهان فرارسیده است. برای جوانان سیستمسرمایه داری کهنه شده است وتمایلآنها بطرف جامعهٔ بدون طبقات زیاد گردیده است. جوانان میخواهند با هم در فضای برابری، صلح و صمیمیت زندگی نمایند. میخواهند تحصیل برای جوانان ودستیابی

بقیه در صفحه ٥٠

بحث روانشناسی : **از رضا بارز**

تمایلات غریزی فردی در ارتکاب جرم

در وجود فرد بعضی تمایـــلات غریزی از قبیل غرور ، برتری جویی خود خواهی و آزمندی و غیره نیز باعث ارتکاب جرم در اجتماع مـــی گردد، اینک ما ذیلا در مـورد آنها باجمال سخن میرانیم :

۱ـ غرور و عزت نفس :

وقتی غـــرو ر و عزت نفس بحد افراط برسد انسان را علیــــــه هر کس و هر چیز که به آن لطمه برساند برمی انگیزد . پس رنجیدن خاطر او از کسی در او ایجاد حس انتقام میکند و این امر ممکن است وی را نسبت به اهانت کننده یـــا کسان وبستگان او به ارتکاب جر م بکشاند .

۲ـ بر تری جویی :

این تمایل طبیعی اگر بحد افراط برسدممکن است موجب جنایت‌شود.

۳ـ خود هواهی :

غرض از حس خود خواهی یـــا حب ذات ، گرایش طبیعی انسانها بسوی خوشی و سعادت است ایـن حس انسانرا به جستجوی غا یت مراد میکشاند و سبب ی شود که در راه وصول باآن هر مانعی راکه پیشش آید سرنگون سازد و از بین ببرد ولو عقلا یااخلاقاپسندیده و مقبول هم نباشد .

جنایات فراوانی‌که بعنوان‌یابهانه مقابله بادشمن صورت میگیرد ناشی از این حس هستند.

٤ـ آزمندی :

حس مـــا لکیت که تما یـــل طبیعی همـــه انسا نها است هـــر گاه بحد افراط برسد و بصور ت حرص و آزدر آید ممکن است‌شخص آزمند را بجنایت بکشاند نمو نـــه جنایتکارانی که چشم بمال دیگرا ن دوخته و برای بدست آوردن آن‌مرتکب جنایت شد ه‌اند و دست خود را بخون آنان آلوده اندبسیاراست.

قابل یاد آوری است کـــه اکثر جنایات توسط اشخاص انجا مشده است که‌دارای صفات‌مردانه بوده اند برای روشن‌شدن موضوع‌میتوان این صفات روانی را که بوسیله تر من ومایلز دل دو روانشانش متبحر تجربه شده است ذکر کرد :



معتاد بودن‌جوانان به مواد مخدره‌سبب ارتکاب جرم آنها درجامعـــه می‌گردد .

روح الله

جوانان ورخصتی های زمستانی

بافرار سیدن موسم سرماو آغاز فصل‌خنك هزارهاتن ازشاگردان مکاتب و مدارس مناطق سردسیر کشور همه ساله به رخصتی هـــای زمستانی خود می‌پردازندو در طی این مدت دراز خستگی های راکه درطول سال ازناحیه اشتغال بدرس وتعلیم برایشان رونما گردیده است رفع مینمایند وجسم وذهن خودرا آماده کار و آموزش بیشتر برای سالیکه در پیشرو دارند می‌سازند .

آری ! جوانان مادر پهلوی آنکه از این‌مدت رخصتی های‌زمستانی‌غرض تفریح واستراحت استفاده می نمایند وظایف دیگری هـــم دارند که اجرای هر یکی از آن ها رادر دوران این مدت نباید نادیده بگیرند و نگذارند این فرصت ذی قیمت وزود گذر بدون آنکه ازآن استفاده اعظمی بنمایند به‌هدرازدست برود .

آنعده از جوانان ما که در زمان کنونی در مدارس . مکاتب وپوهنتون های کشور مشغول ادامه دروس خویش میباشند یعنی آنانیکه تاهنوز در دوران تحصیل خویش قرار دارند. باید رخصتی های زمستانی‌را زمان آماده گی برای آغاز سال جدید خویش بدانند ، آنهادر پهلوی آنکه خستگی های دماغی خودرا در زمستان رفع مینمایند باید از مکاتب ومدارس مربوط خویش‌کتب‌موادودیگر لوازم‌درسی‌دریافت بدارند وبرای دروس آینده خود آماده گی بگیرند . اگر شاگرد قبل از آنکه معلم‌به‌درس مضامین مکتب بپرداز کتب خـــویش را ولوبطور سرسری هم باشد مرور نماید ومطالب عمده آنـــرا بـــه حـــافظه بسپارد و بـــالای هریك ازآنهابه دیدهٔ غوربنگردمسلما میتواند بعداز آنکه معلم‌وآموز گاربه تشریح وتوضیح دروس می‌پردازد همه آن درس ها رایکایك‌به حافظه بسپارد و جوانـــب مختلف پـــروبلم هاو معضلات مربوط بدرس هارا در ذهنیت خود روشن نماید.ازاین جهت‌برهمه شاگردان ارجمند لازم است تابا استفاده از این فرصت مساعد به مرور درسهای‌آینده خویش بپردازند ودر زمینه آماده گی قبلی حاصل بدارند ، از جانب دیگر برای رشد وانکشاف همه‌جانبه ذهنیت شاگردان و تحصیل همه جانبه عـــلوم مختلف سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی تنها آموختن چند مضمون شامل پرو گرام مکاتب کافی نمیباشد ، بنابر آن بر شاگردان عزیز اســـت تا در این چنین مواقعیکـــه فـــرصت برای ایشان دست می‌دهد به خواندن قصه‌ها، ناولها داستانها ، اشعار ودیگر آثار ونبشته هایی که در عرصه های مختلف علوم وفنون عرض اندام کرده اند بپردازند وبا آموختن مطالب خارج از پروگرام‌مکتب ، اندوخته های علمی ، سیاسی و فرهنگی خودرا افزایش بخشند .

علاوه بران آن عده از شاگردانیکـــــه در صنوف بالاتر مکاتب قرار دارند باید در طـــی این دوران به کمك برادران و خواهـــران کوچك خویش که در صنوف پائین تراز آنها قرار دارند و می توانند از رهنمایی های آن ها استفاده خـــوب نمایند بپردازند تـــــا از ذخایر علمی آنها برادران و خواهران شان نیز سود ببرند و خودرا برای آموزش بیشتر درسالیکه پیشرودارند ذهنا‌آماده ترگردانند .

اینها همه عواملی اند که جوانان مارا که اکنون مصروف گذشتاندن‌رخصتی های‌زمستانی خویش اند بران وامی داردتا درپهلوی آنکه درین‌فرصت‌مساعدبه‌تفریح‌وساعت‌تیری‌میپردازند وظایف و مکلفیت های اجتماعی خویش را نیز نباید از نظر دور داشته باشند .ودر امر اجرای هر یك از آنها اندکی سهل انگاری را بخود راه ندهند .

مایقین کامل داریم که در دوران کنونی که باپیروزی انقلاب شکوهمند ثـور و بخصوص مرحله نوین وتکاملی آن همه دروازه های سعادت وبهروزی یکی بعد دیگر بررخ کافهٔ هموطنان ماا‌عم‌اززنان،مردان،پیران، جوانان باز میگردندجوانان‌مابرای‌رسیدن‌به پیروزیهایی‌نهایی هرگز وقت خویش را بیهوده تلف نمی‌نمایند واز هر لحظهٔ آن استفاده اعظمی می‌نمایند. تابا شد کشور خودرا در ردیف ملل رافعهٔ جهان قرار دهند و همه آثار و بقایای عقب مانده گی راازسر زمین محبوب پدروطن‌خویش دور سازند .



چرا علایم و چراغ های خطر سرخ است؟

محمد حلیم «شاهد»

هر گاه بزند گی ماشینی و نیز رسوم و عنعنات فو لکلوریك مردمان خود نظر بیا ندازیم ، دیده می شود که در موارد گونا گون و سا حات مختلفه زند گی مانو ر قرمز (سرخ) ورنگ قرمز منحیث اشارات خطر و سمبو لهای جلو گیری از خطر ویابه خاطر باصطلاح«ردبلا» بکاربرده‌شده ومی شود . تاجا ییکه امروزه رنگ قرمز و نور سرخ جز مهم و حتمی علایم و اشارات مختلفه و متـــعدد ترافیکی و تخنیکی در تمام جهان می باشد .

گذشته از اینکه انتخاب و کار بردا‌ین نوع نور یا رنگ در سا حه تخنیك و زند گی ما شینی امروزه ریشه کاملاعلمی‌وفنی‌دارد، استعمال آن دریك سلسله موارد گو نه گونه رسوم و عنعنا ت مردمان و سایر مردمان جهان ، که از نسلهـــای گذشته به میراث رسیده، باوجـود آمیختگی آنها با خرافات وتصورات غیر علمی ، از اصل حقیقت علمی مساله آب می خورد.

ما در ین مقا لت می کو شیم که اولا مو ضوع اثرات نور سرخ ودر نتیجه رنگ قرمز را در اجسام وبه خصوص چشم انسان ، از نگاه‌فزیك اپتیك (فزیك نور) تو ضیح نموده‌و سپس یك سلسله موارد متعدد کار برد آنرا در سا حات زند گی تخنیکی امروز ی و رسوم‌وعنعنات فو لکلور- یك‌جامعه مابر شمر یم .

طیف های هفتگا نه نور سفید به ترتیب : قرمز (سرخ) ، نارنجی ، زرد ، سبز ، آبی ، نیلی و بـنفش بوده و همه آنهاازنگاه خصو صیاتی از قبیل :طول مو ج ، انــــر ژی ،انحراف وجذب شدن در محیط های مادی و غیره‌از همد یگر متفا وت‌اند. باید گفت‌که‌نور سرخ یا قرمز بـا (۷۸ر.) مکرون‌دارای‌طول موج‌اعظمی ونور بنفش با (٤ر۰) مکرون دارای طول مو ج کمترین در میا ن طیف های هفتگا نه نورسفید است .

یکی از خصو صیات مهم و بارز طیف های‌نوری ، چگونگی و مقدار جذب و انحراف آنهاهنگام عبور از میان محیط های مادی غیر متجا نس است . هر گاه یکدسته شعا عات نور ی از میا ن مالیکول های محیطی مانند هوا و غیره‌عبورنمایند ،بنابر خصو صیات هر طیف نور ی وارده کم و یا بیش از مسیر اصلی شان انحراف می کنند و یاجذب می‌شوند به‌اساس قوانین اثبات شده اپتیك (قانون ریلی و غیره)نورهای دارای طول موج بیشتر (سرخو نا رنجی) در محیط های نا متجا نس دارا ی انحراف حداقل ، و نور های با طول موج کمتر (بنفش ، نیلی) دار ای انحراف و جذب اعظمی است .

بنابر تو ضیحات مو جز و مختصر فوق واضح است که از اجسام دور تر ، که مقا بل دید ما قرار داشته باشند ، در صورت‌پخش نور توسط آنها فقط نور های طول موج طویل (سرخ ،نارنجی) بلا انحراف یـــا حداقل انحراف مستقیما وخوبتر از سایر نور ها به چشم ما میرسند.

از همین سبب است که نور قر مز واشیا ی سرخ‌رنگ عموما به مقصد علایم ، اشارات و سمبول های خطر استعمال شده و بعضی مواد سر- خرنگ نزد انسا نها منزلت سمبو- لیك ضد خطر، دفع بلا و حتی دفع نظر بد و آورنده خو شبختی را پیدا نموده است .

علایم واشارات جلوگیری از خطر:

۱- چرا غها ی عقب مو تر ها، موتر سا یکل ها و حتی با یسکل ها سر خ و نا رنجی اند، تا راننــ گانیکه‌ازعقب می آیند با دیدن چراغ سرخ عقب عراده جلوی احتیاط لازم را نمایند .

۲- چراغهای ترافیکی چهار را هی ها برای تو قف عراده جات سرخ است . این به خا طر یست که از فاصله دور رانند گان‌به‌ذود ی متوجه آن شده و با متو قف سا ختن‌عراده خود از خطرات تصادم ترافیکـــی جلوگیری کنند .

۳- در نقاط مرتفع‌نظیر بر جهای بلند ،کوهها ،سا ختما نها چراغ‌ها علامـت سر خ نصب می شود، تا رانندگان جهازات هوا یی زود تر آنها را مشا هده نموده و از تصادم وحادثات نا گوار جلو گیری نمایند.

٤- درکشتی رانی ، نقاط صخره دار و کم عمق برای جها زات بحری ونیز نقاط خطر ناك برای شناگران ذریعه علایم و مواد سرخ رنـــگ مشخص می شوند .

۵- موترهای اطفائیه ،کسپولهای ضد حریق چراغ های زنگ خطر و ضد حریق وحتی سطل هاودیگر وسایل اطفا ئیه دارای رنگ سرخ است .

۶- علا یم و اشارات ترافیکـی شاهراه ها عموما سرخ و یا دارای رنگ سرخ اند .

۷-چراغهای اشارات طیارات‌وبرجهای کنترو ل و رهنما یی سرخ بوده و حتی برای پر تاب‌وفرود پارا شو - تیست ها، در زمین نقطه فرود بـا چراغ یا علامت سرخ رنگ مشخص می گردد .

۸- در فابریکات ، مو سسا ت، سا ختمان ها و غیره تمام چراغهای خطر سرخ اند .

رنگ سرخ به منظور دفع خطرو بلادر رسوم و عنعنات مردم:

هما نطور یکه در فوق زمینه هاو موارد استعمال رنـــگ سرخ رادر زند گی ما شینی و مدرن امروزی برشمرده و با آنها شنا سا یـــی حاصل کردیم ، حال کار بر د آنرا منحیث وسیله یا عوا مل «دفع بلا»، «دفع نظر» و«بهروزی و خوشبختی» در جامعه ، که جنبه کا ملا عنعنوی‌و عادت را به خود گر فته ،د‌مـــورد بررسی قرار میدهیم .

مردمان عوام وحتی بعضی از اشخاص روشنفکر و متجدد جامعه‌ما به مسا له «چشم کردن» یا «نظـــر نمودن »تو جه و یا اعتقادکم و بیش محکمی دارند و از اینرو از اشخاص باصطلاح «بدچشم »یا «بدنظر» حذر ودوری نموده وبه منظور دفع«چشم بد» و «نظربد» به تدا بیر و شگرد های گونا گو ن و عجیبی متو سل می شوند ، زنا ن و مردان نقا ط مختلف کشور ما به خاطر دفع نظر وچشم بد بیشتر رنگ سرخ، تکه های سرخ را به‌کار میبر ند . جالب است که استعمال عنعنوی رنـــگ سرخ و یا تکه سرخ به منظور دفع خطر و ردبلا . با استعمال فنی و تخنیکی آن در ساحات ماشینی و

زند گی مدرن امروزی دارای وجوه مشترك ویکسان بوده و نیا کان ما به کیفیت و چگونگی استعمال رنگ ومواد سرخ رنگ از قدیم الایـــام آشنا یی داشته اند و الحق که قابل تحسین است. اکنون یك تعدادموارد استعمال مواد سرخ رنگ را به منظور دفع نظر ورد بلادرسا حات زند گی عنعنوی و فولکلوریك مردمان خود نام می بریم :

۱ـ زما نیکه تعمیر ، خا نه یـا دیوار جدید آباد نما یند ، یك پارچه سرخ رادر قسمت بالای آن نصب می نما یند .

۲ـ در حیوانات مختلفی ما نند اسب ، گو سفند ، گاو و غیره تکه های سرخ می بندند تا نظر نشود.

۳ـ در صفحات شمال کشور ما و نیز بعضی نقاط دیگر ، زما نیکــه عروس را به خا نه شوهر می آورند تا چند ین روزکه خو یش هاو اقارب برای دیدن خا نه عرو س و عروس می آیند ، از پنجره یا کلکین خانه عروس دستمال سر خی می آویزند طوریکه درست مقابل دید تازه واردین باشد .

٤ـ قالین بافان در صفـــحا ت شمال کشور عموما بالای کار گاه قالین بافی خود طو ماری با پو ش سرخ، در نقطه ای می آویزند که جلو چشم باز دید کننده باشد.

٥ـ در جها زات تیل کشور محلی بالای چوب بلند آن تکه سرخ مـی آویزند .

ورزش بوکس توسط دستکش جدید



زما نی متخصصین ، مر بیو ن و دکترا ن به پرا بلم محا فظه ای بو کسر ها از صد ما ت شد یـد علاقه گر فتند عده ا ی پیشنها د کردند تا ما سك ها ی محا فظوی هنگا م تمر ین بکار برده شود ، دیگر ا ن طر فدا ر تمد ید مـدت نــا ك دو ن » بــو کسر هــا بودند ، ومتبا قی تقا ضا دا شتند تا ریفر ی ها با ید بابو کســر ها ی شقب (جنگجو) سخت گیر با شند . جورجی رنیا لوف یکی ازمربیان اتحاد شو رو ی که بحیث بهتر ین ریفر ی در رینگ ها ی تو کیو و المپیك مکسیکو شنا خته شد پس از سا لها تحقیقا ت مو فق گردید شکل اصلی د ستکش ها راانکشاف دهد تا ما نع ضر به شدید شده و بوکسرا ن را مقابل صد مـــا ت حما یه کند .

دستکش جدید انگشت شست ندارد . سا یر ا نگشتا ن سا ـ ختما ن نیمه خمید ه دا رند کــه شبیه گنبد کو چك میبا شد ومانع آن میشو د تا د ست حا لــت مشت بگیرد . در ینصور ت بنـــد دست (مچ) قا در نیست ضر بـــهٔ شد ید حوا له کند استر قسمـــت با لائی یا پشت دست از پلاستیك ارتجا عی سا خته شد ه دا را ی خلا (جو فی) است که شست در آن جا میگر د و نمی گذا رد کــه دست بحا ل مشت در آ ید .برای آنکه ریفر ی به سا د گی (آسا نی) صحت ضر با ت را تشخیص نماید جنا ح بر جسته قسمت (بر آمدگی) دستکش جد ید ، عینا مثل دستکش ها ی معمو لی رنگ سفید دارد .

این نو ع دستکش ها برای خوردسا لا ن از سنین ۱۰ تا ۱٦ البته با ملاحظه هرسن و سال تهـیه گردید . زای با لو ف ، ایـــن ریفر ی بـین ا لمللی در پاداش سا ختما ن این دستک ش جد ید «تصد یق اخترا ع» بد ست آو رد نا مبرد ه گفت «به نظر مـــن ، دستکش ها ی جدید تکتیك بو ـ کسنگ (ورزش بوکس را)در خصوص ضر بات کمتر تغییر مید هد . » «بر عکس حا لا ، بو کسر ا ن از (تشو یشی)ضربا ت خطر نا ك هیچ تر س ندا رد . آنها مـــی توانند تا کتیك ها ی قابل انعطا ف بکاربرند و از تکتیك ها ی تدافعی استفاده کا ملتر نما یند . »

چند ین گرو پ تجر بو ی خورد سالان در تبلیسی ، خا با روفسك او ر ن بور گ و گرا سنو گورسك (نوا حی مسکو) قبلا به تمر یـــن توسط این د ستکش ها پرداخته اند . بو ریس را گو تین که دو بار لقب قهر مانی او لمپیك را کسـب نموده در یکی از تمر ینا ت ورزشی اشترا ك نموده اظهـــار دا شت : «دستکش ها ئیکه جدید ا تهیــه شده بسیا ر د لچسپ است. این دستکش ها بو کسرا ن را از ضرـ با ت سنگین و صد مه آو ر حمایت می کند این خود مو جب میشو دتا تعداد بیشتر جوا نا ن به ور زش بو کس رو ی آورند . »

دستکش ها ی جدید دردیپارتمنت بو کس انستیتو ت تر بیهٔ بد نـی مسکو به نما یش گذ ا شته شـد نظر یا ت متخصصین متفاو ت بود جر و بحث عمده علیه این ابتکا ر عبا ر ت از آ ن بود که ا گــر بو کسر ا ن جوا ن ضر با ت قوی ردو بد ل نه کنند جد و جهــد لازم در آمو ختن تکتیك ها ی تدافعی بخرچ نمی دهند و در نتیجه شاید هنگا م مسا بقا ت مد ر ن بو ـ کسینگ د چا ر بن و بست ما نع و مشکلا ت شو ند (مسا بقا ت را ببازند.)

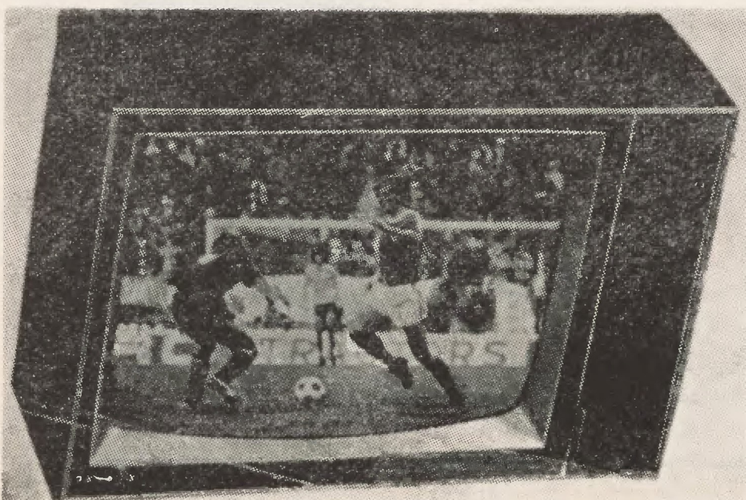
لاکن پس از جر و بحث هردو جنا ح یعنی طرفدا را ن این ابتکا ر وآنها ئیکه تردید دا شتند موا فقه کردند (به توا فق رسید ند) کـه دستکش ها ی جدید ابتکا ر بسیار دلچسپ است و تصمیم گر فتـه شد تا تمرین و مما ر ست تو سـط آنها ، ادا مه یا بد .

ترجمه جمیله کریم

چطور باید تلویزیون را مشاهده نمود؟

در عصرحاضر در مما لك انکشاف یافته ، تلویزیون جزء از اعضا ی فامیل ها گردیده است ولی بر عکس اگر برای سا عات متوا لی تـما شا گردد ، شاید برای صحت مضر تمام شود.

بقیه درصفحه ٥٣

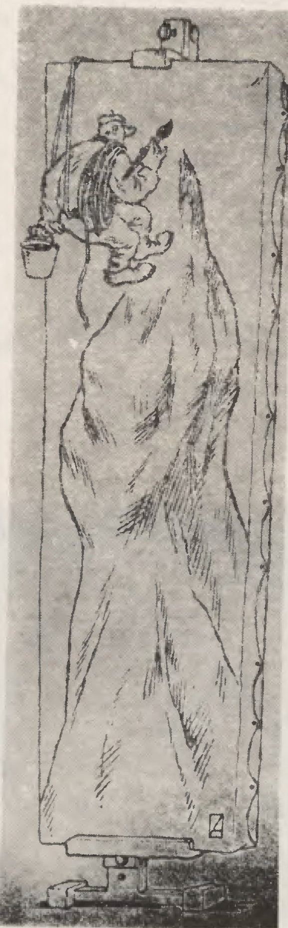


خنده خنده خنده

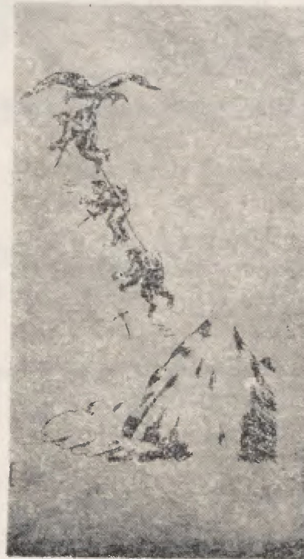
برای شما انتخاب کرده ایم

دندان ساختگی

خانم پیری به پیشس دا کتر رفت پس از معاینه رو به او کرد و پرسید :
ـشما تندتند نفس میکشین ؟
بلی آقای داکتر ...
ـ گاهی لرزه هم می کنین ؟
ـبلی داکتر ... درست است ... گاهی شبها در بین بستر خوا ب دندان تان هم بهم میخورد ؟
ـ او را داکتر جان نمیدانم !
ـ چطور نمیدانی !
ـ برای اینکه شبها دندا نم را در بین گیلا س روی میز مـــی مانم .



نقاش با استعداد



بدون شرح

درمعاینه خانه داکتر چشم

داکتر چشم پس از معاینه رو به مریض خود کرد:
ـ شما آقا احتیاج به عینـــك دارین .
مرد حیرت‌زده گفت :
ـ ولی داکتر صاحب ... مـــن حالا عینك به چشم دار م .
ـ اوه : معذرت میخواهم ...پس دراین صورت خودم احتیاج به عینك دارم !

معذرت می خواهم

واه ، واه دختر فرشته دیگر کی است که بسیار بد قواره‌است .
ـخواهرم را میگوئید !
ـبلی ، عجب قیافه جذا بـــی دارد !؟



سلام عزیزم سلام



تو باش که ...



وی‌چه شد



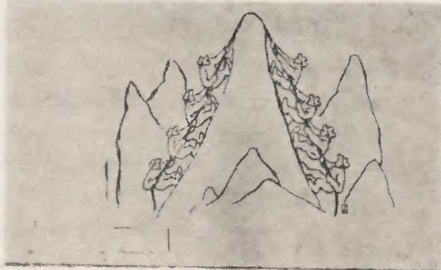
واخ سرم را کفاندی

دلیل خوب

در بین صنف استاد طب در سی را شرح میداد .
ـ بلی ... این هم از عجا یـب طبیعت است که وقتی یکی ازاعضا بدن آد م از کار می افتد عضـــو دیگر ش قو یتر میشود .
برای اینکه مثا لی آورد .باشد ادا مه داد .
ـمثلا اگر مرد ی یك چشمش راز دست بد هند چشم دیگر ا ش بهترمی بیند ، اگر از یك گو ش کر با شد میتوا ند گو ش دیگرش قویتر با شد ...
نا گها ن از آخر صنف صدا ئی بلند شد :
ـبلی جنا ب معلم صا حب ... همینطور که میگو ئید در ست است .
چو ن منهم تجر به کرد ه ا م که وقتی آد م یك پا یش کو تا ه باشد پا ی دیگر ش همیشه بلنـــــد تر می با شد .

شما پسر جوان دارید

خا نم جوا ن و مو بو ری‌میخوا ست پیشخد مت جدید ی رااستخدا کند ..
بعد از آ ن‌که همه حر فها یش رازد ، از او پر سید :
ـخو ب حا لا یك سو ا ل د یگ هم از شما دارم ، بگو که تو کدا پسر جوا ن دا ر ی ؟
پیشخد مت جو ا بداد :
ـالبته خا نم ... یك جـــوا بسیا ر زیبا و فیشنی !
خانم به خو شحا لی گفت : خو ب بسیار خو ب است ؟
پیشخدمت جدید عشوه یی کر وگفت:
ـاما این را هم با ید عر ضـــ کنم که آ ن از زنهای مر بـــو بسیا ر بد ش میا ید !!



بدون شرح

نو شته : محمد ظا هر «ایوبی»

اشتراك در اولین مسابقهٔ

شاگردان ملانصرالدین

د رخا نه نشسته و د هنم از خند ه پر بود و به نا حق می‌خندیدم که دید م چر چر کی بمن خطا ب میکند که به نزد ش برو م نزد یك او رفتم چرچرك‌برا یم پیا م داد که امروز سا عت ۲۵ بجه در شهر ر یشخند ها در میدا ن «پو ز خند » یك مسا بقهٔ جا لب تو سط شا گر دا ن ملا نصر ا لدین اجرا می شود و من نیز به حیث تما شا چی در آ ن د عو ت شده‌ام.

از ین خبر چرچرك بسیا ر خوش شد م ، آنقدر که نزدیك بود مانند پو قا نه ای یك قیرانی بتر کم .

من بخود بسیا ر افتخار کرد م که به این اندا ز ه آدمی مشهو ری استم .

از چرچرك که برا یم اطلاع داده بود یك جها ن تشکر کرد م واز خو شحا لی رو ی خود را ما چ نمودم .

فو را به آشپز خا نه رفتم‌وپطلون خودرا از آنجا گرفته و پو شیدم پیرا هنم را هر چه پا لید م‌نیا فتم بخا طر یکه گم شده بود . نا چار پیرا هن ما کسی مادرم را که در تشنا ب آو یزا ن بود گر فته وآنرا به تن کرد م . از بو ت ها یم‌در‌کی نبود هر چه سرا غ نمود م آنها را پیدا نکرد م ، اما خو شبختا نه جرا ب ها ی را که از لیلا می‌خریده بودم به پا یم بود بخا طر آنکه‌بوی خو ش بد هم ، قطعی عطر ما درم‌را که نو خر یده بود باز کرده و کمی از آ ن به سر ورویم زدم اما بد ـ بختا نه که در بین بو تل ، عو ض عطر ، تیل خا ك بود .

اعصا بم خرا ب شدبه تشنا ب رفتم و یك سطل آ ب رابه سر و رو یم ریختا ند م تا که بو ی تیل خا ك از بین برود ، ولی از بد بدتر شد زیرا در آ ن سطل چر ك آ ب لبا س ها ی‌بود که مادرم یك هفته پیش شسته بو د .

لبا س ها یم تر و چتل از بوی خو ش و جود م همه اذ یت می شد .

با کا لا ی ترو ما کسی در از و بو ت ها ی جرابی به سوی(ایستگاه خنده) حر کت کرد م بعد از یك ـ ونیم ثا نیه تلا ش و راه ر فتن به ایستگاه رسید م ، در آنجا بسیا ر اشخا ص د یگر نیز قصد رفتن به میدا ن (پو ز خند) رادا ـ شتند . با همه آنها جان پر سی واحوا ل جو ر ی کر د م . د هن ها ی تما م شا ن تا گو ش ها باز بود و هر کدا م آنها از خو شحالی می خوا ستند که چو ن مو ر چه پرواز کنند و به ز یر زمین برو ند .

بسیا ر آنجا منتظر ما ند یم‌واز انتـظار زیاد اعصا ب تما م مادر حالیکه خنده می نمودیم مثل ترشی های‌با زار خرا ب شد . تااینکه بعد از یك ثانیه انتظار ، مو تر سه منز لهٔ خنده رسید .

منزل او ل آ ن قهقه ، منز ل‌دوم (خنده متو سط) و منز ل سو م تبسم بود .

در منز ل او ل (مو ترخنده)نفر کم بود، اما در منزل دوم و سوم در وا زه ها کشا ل .

با زهم را کبین ایستگاه ما به منزل دو م و سو م با لا شد ند وتنها من به منز ل او ل با لا رفتیم .

تجب کرد م که چرا مرد م به منزل او ل مو تر با لا نشد ند ،اما در او لین د قیقه متو جه گردیدم که در آنجا یك لا نه ز نبو راست از سا ل ها ی سا ل و من خبر ندا شتم .

به‌هر صور ت : رفتم و پهلو ی یك نفر نشستم ، او بدو ن آنکه سلام بد هد د ندان هایش رابمن نشا ن داد و گفت میبینی، این د ندا ن ها تا ریخی است و قدا مت هزار سا له دا رد در حا ـ لیکه از عمر خودم هشت سا ل‌می گذرد. این د ندان ها از الماس است وسه شا نزده پولی ارزش دا رد .

دندا ن ها ی من وا قعاً دندا ن است .

چه درد سر تا ن بد هم ، سر انجا م اواز دندا ن ها یش آنقدر تعر یف کرد که دندا ن ها ی مرا درد گر فت . او می خواست که باز از دندان ها یش شر و ع کند که متو جه بو ت ها ی جو را بی ام شد وبسیا ر خنده کرد و از خنده زیاد شکمش را درد گر فت .

او سر ش را پا ئین کرد تابه بوت ها یم دست بز ند ...

اما خو شبختا نه د ندا ن ها ی سا ختگی اش فو را پا ئین افتاد .

به یکبار گی خنده او مبد ل به خجا لت شد و بزو د ی خجا لت ها ی خود را از بینی اش کشید ، ودیگر چیزی بمن نگفت و من ا ز شر تو هین و ی خلا صی یا فتم وبه دندا ن ها ی اوآفر ین فر ـ ستا د م ودر د ل از آ ن تشکر نمودم .

چون دهن این نفر بو ی گند نه میداد من از پهلو ی او خیستم وبه نزدیك چو کی سو م ر فتم .

در آنجا دو جو ا ن نشسته بودند ودرد د ل می کردند . نفر او ل گوش‌خودرا در دهن دو می دا خل کرده و قصه او را می شنید . من به آنها نزدیك تر شد م و گو ش خود را نزدیك دهن نفر دو می بردم تا صدا ی آنرا بشنو م ، اما مو فق نشد م .

زیرا د هن نفر دو می مصر و ف بود . اعصا بم خرا ب شد ومجبوراً بینی آ ن نفر را در گو ش خود داخل کرد م تا صدا ی و ز وز آ ن را شنید م بتوا نم . اما قصه‌ای این ها خو شم نیا مد ، زیرا اواز هجر یا رش شکایت دا شت که دیروز دو افغا نی را برای معشوقه اش سا جق خر یده اما معشو قه بعد از مد ت بسیا ر کم سا جق را قو ر ت کرده است .

این شخص چو ن ریز ش کرده بود ، تر سید م مبا دا گو شم را ریزش بگیرد ، فلهذا بزودی این دو را تر ك داد م و به چو کی خا لی که سه نفر با لا ی هم آنجا نشسته بو دند نشستم .

مو تر خنده به سر عت فر فرك در حر کت بود و همه را کبین دقیقه شما ر ی می کردند تا به جا یگاه شا ن د رشهر ریشخندها برسد . بعد از پنج ثا نیه را ه‌پیمائی به آنجا رسید یم و از مو تر پیا ده شدیم .

شا گر دا ن ملا نصر الد ین در میدا ن پو زخند که دوا زه کیلو متر طول و چهار سا نتی غر ض‌داشت کا ر روا ئی می نمودند .

شمچخه غکیزدو وت‌ه ورر ششه ششید

تما شا چیا ن به چار طر ف میدا ن صف بسته بودند و تاهژده نفر به سر شا نه ها ی یکد یگر با لا بودند تا نما یش را بد رستی ببینند و اگر همین طور نمی کردند چو ن بیرو بار بود کسی مو فق نمی شد که از نما یش د یدن کنند.

کا ر روا ئی عجیبی را شا گردان ملا اجرا می کردند .

یکی را می دید ی که به سر چو کی نشسته و تخم می خورد ، دیگری‌آمد ، از او می پر سد :

سر چو کی نشستی و تخم می خو ری ؟

اولی جوا ب می دهد : خیر سر تخم بشینم وچوکی را بخورم؟

باقیدارد

بقیه صفحه ٤٤

جوانان و نقش آنها...

به‌علوم معاصر مهیا باشد . آنجا که همه افراد بطور مساویانه حق کار داشته و از همه نعمات زندگی مساویانه بهره مند شوند آنجا که انسان بطور خاص موقف و حیثیت موجودی خود را احساس نمایند، آنجا که هیچگونه طبقات متخاصم وجود نداشته باشند، مردمان آن تحت شعار ((همه برای یکی و یکی برای همه)) کار نمایند، آنجا که ستم طبقاتی، لسانی، ملی و اجتماعی حکمفرما نباشد . آنجا که جوانان بنابخواست خویش حق تحصیل، حق‌استراحت، حق آزادی حق حفظ‌الصحه عمومی، حق تعیین سرنوشت آزاد داشته باشند آنجا که جوانان از انرژی پرتوان خود جهت پیشرفت وترقی وتحصیل بلند ترین قلل علم و فرهنگ رسیدگی کرده بتوانند ورشد بلامانع آنها تامین گردد. این خواستها تنها و تنها در موجودیت سیستم اجتماعی عادلانه و بدون طبقات ، جامعه فاقد ستم و استثمار فرد از فرد پیدا خواهد شد . در جهان امروز کشورهای سوسیالستی توانسته اند،آزادی به‌مفهوم‌واقعی آن‌رادریابند در جوامع مترقی هیچگاه انسان از بیم فردا رنج نمی برد ، زیرا نظام اجتماعی آن ((حکومت‌مردم بر مردم)) است .
آنجا بیمه های صحی و اجتماعی تفریحگاه ها ، مکاتب ، شفاخانه ها ، و هر آنچه برای سعادت و خوشبختی انسان ضرورتاست، تأمین گردیده . جوانان درین جوامع حقا نیروی ذخیروی فردا شمرده میشوند . و از همین دوران جوانی تحصیل علوم برایشان‌مهیا میگردد ، و به یقین که چنین

جوانان فردای جامعهٔ خویش را خوبتر خواهند ساخت.

در جامعهٔ ما که اکنون اولین پله های انقلاب ملی و دموکراتیک خویش را میگذرانیم ، راه روشن گردیده است . بنابر ماهیت انقلاب و نیازمندیهای مردم‌افغانستان و بنابر حکم دیالکتیک تاریخ وظایف عمده و اساسی متوجه جوانان ما میگردد .آبادی کشور ، سعادت مردم ، ایجاد تمام و سایل خوشبختی افراد جامعه از همه اولتر بدوش‌جوانان است . این رسالتمندی را تاریخ بدوش ما که جوانانیم گذاشته است و باید دقیقا از آزمون تاریخ‌بدر آمد ، با پیروزی‌انقلاب ثور و خصوصاً بعد از مرحلهٔ نوین و تکاملی آن رسالت جوانان عظیم‌تر و پر مسوولیت‌تر گردیده است . از جمله وظایف ایکه دولت و انقلاب بدوش‌جوانان گذاشته است یکی حفظ وتقویت روز افزون دست آورد های‌انقلاب ثور و مرحلهٔ نوین آن است زمانی مرحلهٔ نوین انقلاب ثور تحقق یافت جوانان وطن هر چه فشرده‌تر بدور هسته مرکزی خویش بسیج شدند و تعهد نمودند که‌آگاهانه از انقلاب ، از وطن ، ناموس و شرف مردم خویش دفاع نمایند جوانان ما میدانند که وظایف عمده ورسالتمندی ایشان درینجا ختم نشده بلکه برای دفاع خوبتر از انقلاب و مردم به مسئلهٔ آموزش و پرورش خویش، به تقویت جسمی و معنوی ضرورت دارند.

آموزش و پرورش جهت‌آمادگی برای فردای جامعه نیز جزء مبارزهٔ بحساب میرود ، باید در سنگر های انقلاب مطالعات خویش را بلند برد . رفیق ببرک کارمل درین زمینه چنین گفته است: ((درس بخوانی ، کارکن ، ازانقلاب وناموس پدروطن دفاع کن.))این شعار رهنمائی خوبی است برای جوانان که باید آنرا در نظر داشته باشند . ما وظیفه داریم که عمیقا به مردم خویش خدمت نمائیم و این خدمت زمانی مثمر خواهد بود که ارزش و قدر وقت را بدانیم و دانش خویش را با استفاده از آن بلند بریم.رسالت تاریخی جوانان حکم مینماید که برای رفع نیازمندی های مردم و توده های وسیع زحمتکشان ، برای تطبیق پلان های مترقی حزب‌ودولت از نظرمعنوی و عملی آماده باشیم . این است وظیفهٔ هر جوان مترقی ، اینست رسالت تاریخی هر انسان که بخاطر سعادت بشریت فکر مینماید ، این است راه و روش هر جوان آگاه که بخاطر آیندهٔ جامعه خود را آماده میسازد .

بقیه صفحه ٤١

فعالیت‌های صلحجویانه...

دومین معاهده شورای جهانی صلح در ستاکهولم برای ختم مسابقات تسلیحاتی و خلع سلاح (درسال ۱۹۷۵) بعهده داشت ودربسیاری تعهدات بین المللی سهم فعال گرفته :

درجهت تشریح ، توضیح وتحقق‌تصامیم کنگره جهانی صلح ، استقلال ملی و خلع سلاح کامل و عمومی (درسال ۱۹٦٥) در گردهمایی جهانی نیرو های صلح که مظهر آشکار رشد کامل نیرو های صلح پسند گردید (در سال ۱۹۷۷) .

کمیته زنان اتحاد شوروی از شرکت کننده فعال کلیه اقدامات شورای صلح‌وفدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان که اعتراض شدید شان را علیه تولید بمب نیوترون و دیگر انواع سلاحهای تباه کننده جمعی اعلام داشته اند می باشد .

مجلس خاص اسمبله عمومی سازمان ملل متحد بخاطر خلع سلاح(درسال ۱۹۷۸) که پاسخ مقنع به تقاضا های مکرر مردمان گیتی اخذ تدابیر واقدامات مقتضی درزمینه بود به اثر تقاضای کمیته زنان‌اتحاد شوروی دایر گردیده بود .

در مجلس ماه می سال ۱۹۷۸ شورای فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان که در مسکو دایر شده‌بود تصمیم اتخاذ شد تایك نماینده نهضت (دموکراتیك) بین‌المللی زنان به این مجلس خاص ارسال گردد . که البته اعضای هیات نمایندگی فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان با شرکت شان درین مجلس بزرگ بین المللی شاهد توجه عمیق به گوش دادن به‌خواست های میلیون ها زن جهان در مجلس خاص اسامبله عمومی سازمان ملل متحد شاهد

توجه عمیق به گوش دادن بخواست میلیون ها زن از هر کنج و کنار گیتی در سازمان ملل متحد مبنی بر محدود ساختن سلاح کشنده جمعی می باشد .

بااشتراك فعال در نهضت مردمان‌اروپائی بخاطر ایجاد امنیت اروپائی کمیته زنان شوروی یکی از بنیان گذاران کمیتهٔ شوروی برای امنیت اروپا گردید . هیات نمایندگی کمیته مزبور در پارلمان جهانی مردمان برای صلح که در ماه سپتمبر سال گذشته در صوفیه دایر شده بود اشتراك ورزید

کمیته زنان شوروی براه افتادن مارش صلح زنان کشور های اروپائی را که در ماه‌جون سال گذشته از کوپنهاگن آغاز ودرروزسالگرد بمباردمان وحشیانه شهر های هیروشیما و ناگاساکی در پاریس پایان یافت خیر مقدم گفت : دروس تاریخ نه تنها مردم را از خطرات‌حاصله‌از جنگ آگاه می سازد بلکه آنها را بمبارزه علیه اعمال خاینانه و تجاوز گرانه امپریالیزم وارتجاع علیه‌مسابقات تسلیحاتی ، علیه جابجا نمودن مرمی های

دارای پرواز متوسط هستوی امریکا درقاره اروپا برای گفتگو ، دیتانت و خلع سلاح فرا می خواند . زیرا در صورتیکه‌سرنوشت جهان و جهانیان در معرض خطر قرار گیرد

هیچکس بی تفاوت مانده نمی تواند

بقیه صفحه ۳۵

زن‌فریبخورده...

من به هر صورت به این سفر میرو م، اگر او قبول نکند و به‌خاطر این استرا حت مختصر من داد و فریاد راه اندازد ، در این صورت چه اتفا قی رخ میدهد؟ خانواده ما‌از هم پاشیده می شود، بیچاره اوات این غصه اورا خواهد کشت ، دراین این هنر پیشه کارگردان ما هری
این هنر پیشه کارگران ما هری هم بود ، فورا دا نستم اگر باز هم تسلیم نظر او نشوم ، دست ازسرم بر نخواهد داشت .

— بسیار خوب «اوات را می‌بینم ولی نه کاری به مقا صد تو دارم‌ونه از آن دفاع می کنم ، فقط موضوع ضرورت سفر را برا یش مطرح می کنم، همین و خلاص .

—پس نمی خوا هی‌قانعش بسازی؟ نه دوست عزیز این طور نمی شود، همین اکنون تیلفونی اوات را مــی خواهم، شمارا با هم تنها می‌گذارم وتو آزادانه با اوصحبت خوا هــی کرد .

خواستم مهلتی بگیرم اما اومجالم نداد ، ما نند قهرما نان نما یشنا مه هایش پر تو قع وزور گو بود، روی دگمه یی فشار آورد، گو شی را بر داشت و به منشی خود گفت : «ازخانم فابر خواهش کنید که فورا به دفتر من بیاید.» بعداز جا یش برخواست و بیرون رفت، چند لحظه بعد اوات وارد شد.

—بر تران ،شما کجا و این جــا کجا ؟ چه خبر خو ش ؟ روبر کجا شد ؟ همین حا لا مرا خواست .

— بلی، اوات عزیز، منظور ا ین بود که با هم گپی بزنیم .

—گپ بزنیم ؟ قضیه از چه قرار است ؟ یعنی رو بر شما را ما مور رساندن پیا می برای من کــــرده است ؟

—همین طور است !

کوشیدم با آرا مش و متا نت اورا برای شنیدن این خبر نا گوار آماده سازم. گفتم که «روبر» خسته شده وکار زیاد سلامتش را به خطــر انداخته ، کار نما یشنا مه اش نیز پیشرفتی ندارد و نا چار است چند هفته یی در محلی که انتخاب کرده است ، تنها زند گی کند. لبخند زنان به سخنا نم گوش داد و سپس قاه قاه خندید .

—بیچاره بر تران عزیز ! چقدر زحمت می کشی تا بی آنکه دل دردمند مرا بیازاری ، به من بگو یی که‌روبر میل دارد با شکار تازه اش سفری به اسپا نیا برود و یکی‌دوماه تنهایم بگذارد .

— چی ؟ پس تو از قضیه خبـــر داشتی ؟

—خبر نداشتم ، منتظرش بودم، بیچو خم گفته های تو هم مؤیـــــد پیش بینی و انتظارمن گردید،بسیار خوب ،من هم خوشحا لم چون‌احتیاج به‌مدتی آزادی دارم .

—تا با اولاد ها به «بووالـــون» بروی ؟

— هر گز ، برای دیدن جزایـــر یونان ، آنهم با رفیق شفیقی کــه مصا رف این سفرراخواهد پردا خت، اولاد هارا نزد ما در م می‌گذارم وبا خاطر ی آسوده ازمرخصی خانوادگی استفاده می کنم ، بر تران ! این‌طور قیا فه مبهوت به خود نگیر ، نکــر می کنی لیا قت معشو قه بودن را ندارم ؟

—چرا البته ، و لی من این طور فکر می کردم که تو فابر را با عشقی صمیما نه ووفادارانه دوست مـــــی داری ...

—مد تها همین گو نه بود و اکنون هم او را دوست دارم ، اگر خلق وخویش را نمی پسندم ، در عوض نبوغش را تحسین می کنم ، ولــی من هم به خود حقی قا یلم ، قبول نمی کنی ؟

—چرا قبول می کنم، ولی اپـــن همسفر خو شبخت تو کیست ؟

—دوست عزیز من راز دار تر از شوهرم هستم .

— خوب حالا من چه مزخرفا تی تحویل او بد هم ؟

—خیلی ساده است ، به او بگو: پیامش نارا حتم کرد ، تو ما هرانه تسکینم دادی و برایم تو صیه کردی که برای فرار ازغم‌سفری به سواحل دریای مدیترانه بکنم و در صور ت امکان همسفری نیز از خوا هـــر خوانده هایم داشته باشم و من سر انجام اندو هناك و گریان نظر ترا پذیرفته ام .

—فکر می کنی باور کند ؟

—رو بر با بسهو لت هر چیزی که عزت نفس و غرورش را ارضاء و نوازش کند، باور می نما ید .

* * *

او حق داشت ، روبر نه تنها این پاسخ و آن نقشه را قبول کرد، بلکه در کمال صدا قت یك صحنه عا لی حاکی از شفقت‌نیزبازی کرد،قهرمان غم انگیز این بازی ، زنش بود :

— بیچاره اوات ، فر شته است، دوست عزیز تصور نمی کنم در این دوره چنین نمونه‌فدا کار ی خانوادگی وجود داشته باشد ، حتی گا هــی برا یم می گوید در باره زنی کـــه دوست میداری برایم صحبت کن،من به علایق تو علاقمند م، من از همین اکنون میتوانم قیا فه اورا در این سفر مجسم کنم، به گوشه یی در عـــــر شه کشتی مــــی نشیند وراجع به سعادت من فکر می کند.

دوست عزیز تو هر چه می خواهی بگو، ولی به نظرمن‌انگیختن احساس چنین به مرا تب بهتر از تحر یك حسادت شدید است. گفتم :

—ولی تو حسودی !

—شدیدا

لحظه یی به فکر فرو رفت‌وسپس ادامه داد :

—همین مقد مه خوب بــــــــرای نمایشنامه است ، نه ؟،صحنه ی‌میان من‌و تو ، این فدا کاری همه جانبه وبی شایبه ، البته باید قهرما ن‌تو، این همسفر عشق اوات باشد وی سعی می کند از فرصت استفاده کند ولی با صفا و پا کی این زن خوق‌العاده روبرو می گردد.

—این فکر حتی به خاطرم خطور نکرده بود .

— میدانم تو اوات را می شناسی ولی در نما یشنا مه ...

* * *

شوهر به اندلس رفت و زن به سواحل یو نـــان سفر کرد اوات‌از این سفر چاق و با رنگی روشن تر برگشت ، در ماه ژوین هر دو را دیدم، فابر بعد از نان چاشت مرا به دفتر خود برد و گفت :

—میدا نی ، حتما این نما یشنا مه را می نو یسم .

ناتمام

بقیه صفحه ۴۳

بانو یا ببر...

فکر کنید که این شا هزاده خانم زیبا چه بسیا ر رو ز ها ئی کــه بعا لم رو یا فر و ر فتـــــــه ، با و حشت و تر س از جای جسته وبه تصور اینکه محبو بش دری‌را که بسو ی جا یگا ه د ختر زیبــا با ز می شود گشوده ا ست وآنو- قت چهر ۀ خود را که از ا شك و اندوه و حسد تر شده ه با دودست پو شا نده ا ست .

لحظا تی را مجسم کنید که ایـــن زن در عا لم خیا ل محبو بش را با سیما ی متبسم و آغو ش گشوده دید ه که بطر ف ز ن زیبا مـــی رود و متعا قب آ ن دهها‌هزار تما - شا گر همه بجو ش و خرو ش در می آیند . آ ن لحظه را در نظربیا- ورید که این د ختر خود خواه بـــا چشم‌خود را هب را دید ه که در معیت گرو هی از رقا صا ن و را- مشگرا ن از جا نب د یگر آ ن تما- شا خا نهٔ عظیم بیرو ن آمد ه و مرا سم عقد و از دوا ج آ ن د وفرد نیکبخت را فرا هم کرده ا ند وبالا- خره آ ن لحظا تی را در نظر بیاورید که شا هزاد ه خا نم سا عتها بـــر سرنو شت تباه خود گر یستـــــه وزهر شکست و نا کا می را قطر ه، قطره بکا م خود فرو ریخته ا ست در اینصور ت آیا بنظر شما برا ی شا هزاد ه خا نم بهتر نیســـــت که او را به چنگا ل ببر گر سنه بیندازد وبه حیات او خاتمه دهد؟

در عین حال بخا طر بیا و رید که او مکر بشر نیست و از عواطف بشری نصیبی نبرد ه ا ست ؟کدام انسا نی هر قدر خود خوا ه وبیرحم وسنگد ل با شد حا ضر ا ســـت ببیند که معشو قش با آ ن طـــرز فجیع درمقا بل چشمش جا ن بسپا- رد و جسم نا ز نینش قطعه قطعـــه شو د ؟

پا سخ این پر سش بعهد ۀ خود شما ، بمن بگو نید پشـــت آن در چه بود ؟ ببر گر سنه یـــا با نو ی زیبا ؟

بقیه صفحه ۳۹

ساده دل

تره ده همینجا می کشیم !))

ــ مه خو پول ندارم ، چندافغانی داشتم که سودا خریدم ، مره به سبب پول می کشین ؟ بی غیرت هابرین کار کنین غریبی کنین ده ای کار ها ننگ نیس .))

پهلوان جوره به خشم غرید

ــ ((تره به سببی می کشیم که..

ــ که چی ؟ خیرچرامی کشمین!!))

درین وقت ، صدای پای اسپی بگوش آنها رسید که به سرعت پیش می آمد و هر لحظه این صدا بگوشهای شان نزدیکتر شده میرفت وآنها هم در بین دره پیش میرفتند . آن دو نفر هم وار خطا شدند . ترس اندك اندك درفکر شان راه یافت ، ترس اینکه مبادا شناخته شوند . دست می بردندکه

باچاقو شکم سنگی رابدرند ولی‌از بلند شدن صدای او که مردسوار براسپ نشنود ، می ترسیدند . سنگی هم حالت اضطراب ونگرانی آنها را حس کرده بود و فکر میکرد

که اگر صدایش را بلند کند ، می تواند از مرگ نجات بیابد یکبار باصدای بلند چیغ‌زد :

ــ ((ها ، مره می کشند ، بەدادم برسین های ....))

پهلوان جور با وار خطایی چند چاقو به شکم وران سنگی فروبرده وباعجله در عمق دره با رفیق خود فرار کرد . ناله و فریاد سنگی بیش از پیش بلند تر شد و لی آهنگ دار و آرام‌که قوت اولی اش را نداشت . سوار کار باشنیدن ناله هابه اطراف خود با تشویش و کنجکاوی هر چه بیشتر ، مثل اینکه از حادثه آگاه باشد ، نگاه کرد و آرام آرام به طارف صدای که‌بگوشش میرسید ، نزدیك شد .

در سر راه خویش مردی رادید که به روی به زمین افتاده ودستایش بخون آغشته است . با ترس ونگرانی و حشت آوری نزد یك رفت ، از اسپ پایین شده به او خیره گشت وگفت :

ــ او ، سنگی تو ؟ هی ظالم ها ! بیچاره آخر اربابی سر اوره خورد.

وقتی سر اورا از زمین با لاکرد دید که زنده است واز شدت درد طوری ناله می کشید که بخوبی فهمیده نمیشد . دستمال گلدوزی ایرا که به کمر داشت ، پاره کرده آتش زد وسوختگی آنرا به زخمهای سنگی مالیده وبا لنگی اش سخت بسته کرد واز زمین بالایش کرده پرسید :

ــ تره کی زد ؟ سنگی ، کی‌بود که تره زد !))

صدای خفیف وآرامی که‌خوب مفهوم نبود ، از وبالا شد :

ــ ((دزد ها بودند !))

مرد سوار کار که از همان‌قریه بود بعد از اندکی فکر باتردید سری تکان داده تبسم خفیفی کرد و گفت :

ــ ((نی ، دزد ها نیس اگه مه‌غلط نکنم کپجای دیگه اس !))

سنگی رابر اسپ سوار کرده‌به طرف قریه روان شد . چند قدم پیشتر در کنار چشمه یی خرسنگی رادید که می چرید مرد سوار خراو را هم پیش انداخته بسوی قریه حرکت کرد .

در راه که خم وپیچ دره را طی میکردند، هر لحظه بر نارا حتی سنگی افزوده میشد. در ابتدابه نسبت گرم بودن زخمها آنقدر احساس درد نمیکرد . اما بعد از گذشت دقایق زیاد هر بارتکان اسپ ، مثل خنجری سینه اش رامی شکافت .

در لحظات رسیدن به قریه چشم های سنگی به مرد همسایه اش که اورا نجات‌داده بود .و پیاده از دنبال او می آمد ، دو خسته شده‌بود .

این راه دور و دراز برای هردو نارا حت کننده و طاقت فرسا می نمود . و قتی سنگی را دهن دروازه خانه اش از اسپ پایین‌کرد آهسته بازبانی که از شدت درد می نالید ، و درست کلماتش را بیان کرده نمی توانست به آن‌مرد گفت :

ــ زنده ... باشی ..، اگه ،،.. جورش ..دم باز هم مثل مرد زند.. ەگی خات کدم ....!))

وآن مرد هم لبخندی زد :

ــ بیغم باش ، زخمها سطحی‌اس جور می شوی ارباب !!))

ــپایانــ

بقیه صفحه ۳۰

خوش نویس

در تدریس این بخش علاوه از من استاد فقیر زاده واستاد ابو الحسن همکاری دارند واولین دوره آن نیز در سال روان فارغ می‌گردند .

ــ در میان این تعداد شاگرد از نظرشما کدام یك توانایی آنرا دارند که در یك یاچند نوع خط نویسی به استادی رسند و کار ــ هایشان از نظر اصالت های هنری و فنی واجد ارزش باشد ؟

ــ استعداد و ظرفیت هنری به فروانی در کار های این هنر آموزان دیده میشود وبدون‌شك اگر در کار شان تداومی باشد وعلاقه‌یی می توان انتظار داشت که‌درآینده هریك خوش نویسی برجسته باشند ، اما آنچه اکنون میتوان گفت این است که‌جمعی از هنر آموزان کار شان به پخته‌گی رسیده است که در این شمار است :

نجیب الله نور ومیرولی احمد که خط های ثلث و نسخ و نستعلیق را خوش می‌نویسند وکارشان واجد ارزش است ودر این میان نیز نجیب الله که شکسته را نیز نیکو می ــ نویسد پیشروتر از دیگران است .

یکی دیگر از شاگردان که آینده خوبی برایش پیش بینی می گردد و همین چهار نوع خط یعنی ثلث و نسخ و نستعلیق و شکسته را خوش می تواند بنویسد محمداسلم است .

وبه همین ترتیب محمد رضا وعبدالفهیم عزیزی و ومحمد اسحق‌ثلث ونسخ‌ونستعلیق را زیبا می نویسند . سیما قاسم حسن‌زاده در نستعلیق نویسی مهارت فراوان دارد ، محمد طیب سه نوع ثلث و نسخ و نستعلیق را نیکو نوشت می تواند و شفیقه و حمیده نیز در خط نستعلیق آینده خوبی دارند .

ــ برخی را عقیده چنین است که خوش نویسی بیشتر از اینکه هنر باشد فن است ودلیل شان نیز در این زمینه اینکه خوش نویسی همچون نقاشی به عنوان مثال قدرت القایی ندارد و به تنهایی مفاهیم را ازذهنی به ذهن دیگر انتقال نمی تواند . عده‌یی‌دیگر نیز این هنر را هنری مرده و بدون مفیدیت اجتماعی در شرایطکنونی می دانند که صنعت چاپ در همه جا از ارزش دست نبشت ها کاسته است ، از نظر گروه دوم خوش ــ نویسی در نهایت خود می تواند فقط به زیبا نگاری خود تکیه کند و نقشش را در لذت بصری که به خواننده و بیننده خود میبخشد. بجوید ، نظر شما در این مورد چیست ؟

ــ من فکر می کنم فرهنگ در مجموع هیچ زمانی نمی تواند وابسته‌گی اش را از خط و خوش نویسی از میان بر دارد. درمورد ارزش هنری خوش نویسی نیز چنین می ــ نگارم که خط خوش علاوه از لذت بصری و روانی که می بخشد از قدرت القایی نیز برخوردار است بااین تفاوت که اگر بعنوان مثال نقاشی مقداری از مفاهیم را به نگرنده خود القاء میکند خط علاوه از مفاهیم‌مضمون خود، اصل زیبایی را القاء میکند و همین است که به خوش نویسی، همان خصوصیت هایی را می بخشد که یك اثر هنری باید از آن بر خور دار باشد .

ــ گروهی نیز هستند که خوش نویسی را در مجموع زاده نقاشی می دانند و آنان را عقیدت این است که درزیبا نویسی ازاصول زیبا نگاری به فراوانی استفاده می گردد . چه در این مورد چه نظر خاصی‌دارید؟

ــ این نظر کاملا درست است و به همین دلیل است که ما میگوییم « رسم خط عربی » و « رسم خط دری » درواقع اساس رسم است که به مرور انکشاف کرده و در خوش نویسی نیز راه یافته است چنانکه در شمار خط های کلاسیك خط کوفی و خط معقلی بیشتر مایه پذیر از نقاشی اند و همین سبب است که به هردو گونه ازاین خط ها رسم خط گفته میشود .

بقیه صفحه ٤٠

برگی از تاریخ

در آیین فتوت وحزب رفیقان نیز به رهبری آن نایل شد . نقیب حزب رفیقان در ین دوره جلال‌الدین نام داشت .

جلال الدین یکی از شخصیت های ممتاز حزب به شمار میرفت دراوقات کمان گروهه افگندن ودیگر مراسم فتوت نزد ناصر خلیفه حضور می یافت .ناصراغلب از اوفتوا می خواست ورای و گفتهٔ اورا در کار ها بهتر میدانست واز آن باز نمی گشت .وی پیوسته بر سر قدر ووقار خویشتن بود تا روزگار خلافت المستنصر بالله فرا رسید . وفات وی به قول((الحوادث‌الجامعه)) که شرح حالش را نوشته به سال ٦٤٩ هجری قمری واقع شده‌است .

هر چند بعد از مستنصر بصورت رسمی رفیقان تضعیف گردید اما اساسات آیین جوانمردی تا قرن های بعدی ادامه یافت و حتی در روزگار عروج تیموری های‌هرات نیز باهمان دقت و مراقیت اجرامی شد ولی دیگر پایگاه سیاسی نداشت .

بقیه صفحه ۱۹

ازمیان ریگهاو...

اند و اعاشه دهند گان فر هنگی منحط و مبتذل هم اینان اند کابرای نظام های طا غوتی شجره نامه می نویسند و اعمال خود سرانه‌ی شان راموجه جلوه می‌دهند. کاهنان‌سیاه درون سبز پوش می خواهند جنبش های اجتماعی را سر کوب نمایند . حقایق را در لفافه ای از رنگ‌ها و نیرنگ هامی پیچند .از درخشیدن خورشید حقیقت درتشویش وهراس اند . پایداری و دوام خود را در ادامه خود سری های نظام های غاصب می دانند . اما این او راد خواندن و رمل و اسطر لاب به‌جایی نمی رسد . عمر شب به پایان آمده است . مردم بیدار شده‌اند و دیگر فریب دغل کاران و نیر نگ بازان را نمی خورند . و اینك ستون های طلایی خورشید برسیم آب ها زخمه می زند و ترانه های شگرفی رابیدار می کند ، ترانه های در گلو خفته‌ی آب ها در سکوت دشت ها می پیچید دیگر فیروزه ها را نیز تاب اسارت و در بند بودن نمانده است .فیروزه ها می توانند کاز گرانی باشند که در معادن زغال سنگ به کار های توان شکن می پردازند .

فیروزه ها دیگر سرود عصیا ن را می سرایند ، نمی خواهند برای کار خانه داران و بهره کشان کار کنند . دل شان می خواهد که به طبقه‌ی خود کار کنند و از این سیه روزی و عسرت نجات یابند ،فیروزه ها گام پای رود ها و باران ها و شقایق ها را از دست ها شنیده‌اند دیگر شنیده اند که بید و بنها هم بیدار شده اند . کبوتران هم به پرواز در آمده اند . دیگر روزان زمستانی گذشته است باید آزاد بود و سرود رهایی را خواند .شهر و سکوت دشت از او از و پرواز شهباز های جوان پر شده است .

روز هایی دیگر آغاز می یابد . روز های گرم. آفتابی یاقوتی‌رنگ فیروزه ها از تاریکی ها فراری‌شده اند ، خواستار ان هستند که در چشمه‌ی خورشید دست و روی بشویند .و بر جادوگران پیروز آیند .

... ولی اینجا
برق شور دامنه هاست
و شتاب موران بیابانی در غبار داغ
و خفتن مرجان غروب بر طلای غلات و انسان
چون پولادی از تافته‌ی زمین .
شمشیر پولادین خود را
بر راهبان می کوبد
نور با شیاء در می آمیزد
و ریشه ها را بلورین می کند .
و به هنگام بیدار شدن تد روان.
پرتوی جهان بر نقشی و نگار ترمه ها می افتد .
و مانند توازن کند وها
شهر ها می رویند .
و از خم های بزرگ شراب شادمانی می اشامند
چون دودی که از افق غروب بر خیزد .
یا چواب صافی در شب زلال
یا چون اشیانه ای تهی هستم.
ازین مرز اسمان تا آن مرز
با سینه‌ی کشاده
به سوی باد ها که از دریا می آیند .
ایستاده ام
خزانی ناگزیر از راه فرا می‌رسد
و شب دیوار های سیاه خود را
بر من فرو می ریزد
ولی ناقوس روشن آب
و غوغای شهر ها
از زیستن سخن می‌گویند .
از انقلاب
آری رگ های ابدی سر نوشت
از میان ریگها و الماس ها می گذرد .

وقتی نو نطفه می بندد و از بطن کهن سر بر می آورد ، کهنه که تجربه دارد نمی خواهد به اسانی حضور نو را بپذیرد ، لجاجت می کند ، مقاومت و ایستا دگی و سر سختی نشان میدهد، به‌رنگ‌هاو نیر نگ متوسل می گردد . تا مگر بتواند چند روزی بیشتر به زندگی خویش ادامه دهد . اما این میسر و ممکن نیست و این قانون بسیار ساده‌ای دیالکتیك است که نو باید جای کهنه را بگیرد . شاعر در هنگامی که قطعه‌ی از میان ریگ ها و الماسها را می سراید هنوز بهار راستین جامعه‌اش فرا نرسیده است ، روح خزان بر ارکان جامعه چیره است. شاعر در فرصتی که در گذرگاه خزان ایستاده است سخن از بهاران آفتابی دارد ، می بیند که رود هابه حرکت افتاده اند ، همچنان باران‌ها و بادها ، بید بن های جوان شقایق ها ، کبوتر ها و فیروزه ها ، دشت ها و سبزه ها که همه سمبول هایی انداز آدم های اجتماع بیدار شده اند . اعلام نبردی بزرگ کرده اند. می خواهند با کرگس ها . ماران و راهبان ، ریگ ها و الماس ها که همه سمبول هایی از آدم های دیگر جامعه اند ستیزه کنند . دنیا یی بر تر و نوین بیافر یننند که دیگر نشانی از عسرت و سیه بختی و مناسبات ظالمانه و توان شکن نباشد .

باری ، روستا ها ، صحرا ها و شهر ها را غوغایی بزرگ و رستاخیزی سر نوشت ساز فرا گرفته است . روشنایی با اشیا و آدم ها پیمانی استوار بسته است . ریشه ها عمیق تر در زمین فرود می روند فصل رویش ها و روشنی ها آغاز یافته است ، دیگر ترفتد ها و نیرنگ های پاسدار ان دنیای کهن کارگر نمی افتد ، دلبستگان تاریکی و بیداد می خواهند در برابر نور و آب ورود بار سد ها ببندند ، امارود ها دیگر توقف نمی کنند ، رود ها آدم های پرتکاپو و جستجو گر و انقلابی جامعه اند که با شاعر از انقلاب‌و رویش‌و دگر گونی سخن‌می گوند ، ریگ ها و الماس ها که نشانه ی از نظامی بیداد گر است وآدم های سنگواره ای وضدتحول و دگرگونی ، دیگر یارای ایستادگی ندارند . در شهر غوغایی بزر گ در گرفته ، روز گار طاغوت ها و فراعنه و قیاصره به پایان آمده است توده ها بیدار شده اند . در سراسر جهان سرود یگانگی و جهان وطنی را می خوانند ، می خواهند دیگر آزاد باشند ، زندگی کنند و مشت محکمی بر فرق پاسداران روابطکهن و ظالمانه فرود ارند ، و بدین سان است که احسان طبری حماسه ی بزرگ زمانه‌ی مارامی سراید اوست که با ما از زیستن سخن می گوید از انقلاب و مارا امید می دهد که رگهای ابدی سر نوشت‌از میان‌ریگ ها و الماس ها می گذرد .

د۱٦٥ مخ پاتی

د تاج محل...

تا ج محلی د هغو و دا نیو ځخه دی چی په هند کی د انگلیسی استعما ر د شر ځخه په امن کی پا تی شو ، که ځه هم ځینی‌قیمتی ډ بر ی یی لو ټ او تا لا شو ی‌خو بیا هم د بیخی و را نید و ځخه خوندی پا تی شو ، اگر چی دهند انگلیسی حکمر ا ن «لا ر ډبنتیك» پر یکړ ه کړ ی و ه چی نو موړی ودا نه ورا نه کړ ی او ډ بر ی‌یی خرڅی کړ ی ،خو بیاهم دنو موړی ما ښی ښکلا او عظمت دا اجازه ورنکړ ه چی تا ج محل دی و ر ا ن شی .

ددی تا ریخی و دا نی جو ړ ولو ځخه که ځه هم او س ز یا ټ وکم دری نیم سو ه کا له تیر یږ ی خو بیا یی هم خپل پخوا نی ښکلا او عظمت سا تلی د ی . ددی ښکلی و دا نی د لید لو له پا ره هر کال دنړ ی د گو ټ گو ټ ځخه خلك دلید لو له پاره و رځی .

بقیه صفحه ٤٧

چطور تلویزیون...

نتیجه‌فوق‌توسط انستیتوت صحت عامه شهر کیف (از جمله مرا کز پیشرو دولت شورا ها جهت مطا لعه تاثیرات محیط زیست با لای انسان می باشد) بد ست آمد ه است .

تاثیر عینی تلویزیون‌بالای صحت انسان چه است ؟

ساحه مقنا طیسی‌توسط تلویزیون الکترو ستا تیك (رنگه ، سفید) خاصتا رنگه بیش از حد نور ما ل بود و در حدود ٥٠ سا نتی می باشد لذاتما شا گر باید آنرا از مسا فه٢٥ الی ٣ متر مشاهده نماید . تلویزیون باید کاملا عیار باشد ، و چراغ‌محل باید روشن باشد .

برای چه مدت باید تلویز یون مشاهده گردد ؟ نبا ید تما شا ی تلویزیون بیش از یکنیم‌سا عت‌تجاوز کند و به تعقیب آن به مدت ٣٠ـ٤٠ دقیقه تفریح شود زیرا ٣ـ٤ سا عت بعد تر از مشاهده تلویزیو ن قوه اخذ و جذ ب از بین میرود ،چشم ها خسته می شود و سر دردی را بوجود می آورد .

بسیاری از مردم یکروز بعداز تماشای تلویزیون دلگیر و خسته‌به نظر میرسند بدون آنکه خود شان متوجه باشند که علت خستگی شان تماشا ی یکنو ا خت تلویزیون ا ست . بر ا ی ا طفال زمان فوق باید محدود شود به ا ین معنی که اطفال قبل از سن مکتب نباید بیش از ١٥ـ٢٠ دقیقه در روز تلویز یون را مشا هده نما یندو برای شا گردان مکتب نبا ید بیش از یکسا عت و آنهم کم از کم ٢ـ٣ دفعه در هفته باشد .

بقیه صفحه ۱۷

تشخیص امراض...

دوکتور واسیلی کاستکین در زمینه تشخیص امراض ازطریق خواب دیدن تیوری را انکشاف داده که هم در اتحاد شوروی وهم درخارج از آن کشور شناخته شده است دوکتور موصوف در طول چهل سال کار و فعالیت خستگی ناپذیر و پیگر خویش بیش از (۲۲،۰۰۰) خواب را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده که این مطالعات وی صحت بودن فرضیه او را تائید مینماید.

کاستکین مونوگرافی راتحت عنوان تیوری خواب دیدن به رشته تحریر در آورد که در سایر کشورهای جهان مورد تقدیر وارج گذاری دانشمندان قرار گرفته است به طور مثال دوکتور (اچ ایلنبر گرپروفیسور پوهنتون مونتریال و یك‌ساینس **دان بر جسته و ورزیدهٔ کانادائی** مشاهده نموده که روش‌دوکتور کاستیکن یك روش کاملا علمی ومفید است.

سوالاتی نشاید در مورد تشخیص امراض از طریق خواب دیدن به فکر شما خطور کند:

وقتیکه انسان خواب می‌بیند در ذهن آن چه حادثه به وقوع می پیوندد؟ خواب دیدن بعضی ناراحتی مشخصی را در وجود انسان نشان میدهد آیا این خوابها چگونه تشکیل میشوند؟

چرا انسان میتواند آغاز یك بیماری را قبل از آنکه درد ودیگر علایم آنرا حس کند احساس و پیش بینی مینماید؟

نکته اساسی در مورد اینست که حساسیت ساحه بصری کورتکس نسبت به دیگرساحات آن یعنی ساحات مربوط به حواس که (درد، حرارت، فشار)، بوی، ذایقه و شنوائی را درك میکنند چندین مرتبه بلند تر است.

طبق نتیجه گیری و محاسبات دقیق سرجی واویولوف فزیك‌دان و آگادمیسن برجسته‌ومجرب اتحاد شوروی، ساحات بصری مغز قادر است در مقابل هیجانات نهایت خفیف که اندازه‌گیری آنها حتی با استفاده از حساسترین آلات مشکل است، از خود عکس العمل نشان دهد. باید گفت که این چنین حساسیت ساحه بصری مرکز اندیشه انسان چیزی تصادفی نیست بلکه محصول تکامل طولانی آنست.

باید خاطر نشان ساخت که انسان شصت الی هشتاد درصد تمام اطلاعات خویش را درمورد جهان خارجی از منبع فوق اخذ میدارد.

انسان با انکشاف کورتکس به قضاوت کردن سایر پدیده ها توسط علایم خفیف آنها پی میبرد. معمولا در هنگام خواب سیگنال های خفیف داخل تحلیل کنندهٔ ساحه بصری مرکز اندیشه انسان (مغز)نمیشوند ولی بعد از آن مرکز اندیشه انسان خواب رونده تغیرات درجه حرارت، بوهای تند وصداهای مشخص را حس‌میکند، زیرا فعالیت مرکز اندیشه انسان در هنگام خواب دارای مشخصه و کرکتر متفاوت است تا اندازه که انسان صحبت کند هیجان در میان کورتکس بیرون از تحلیل مفصل به مراکز همسایه خویش پخش میگردد فرض مثال، اگر ساحه شنوائی تحریك شود هیجان میتوانند به ساحه بصری نیز پخش گردد.

به همین علت است که در ذهن خواب رونده صدای زنگ‌دروازه میتواند به تصویر یك تیلفون‌که به صورت مکرر زنگ میزند و خواب رونده بنابر بعضی‌دلایل قادر نیست گوشی را بر داردتغیر شکل یابد.

هیجانات علاوه بر جهان خارجی از اورگانهای داخلی انسان نیز وارد مرکز اندیشه آن میشود. سیگنال های نشان دهنده ناراحتی در وجود انسان‌ در مرحلهٔ ابتدائی مرض با آن هم آنقدر خفیف میباشد که نمیتواند اخذه های درد راتحریك نماید. ولی انرژی این سیگنال ها کافی است ساحه بصری مرکز تفکر انسانرا مورد تجاوز قرار بدهد. بعد از آنکه هیجان توسط حجرات بصری مغز تسخیر گردید شکل‌تصورات را به خود اختیار میکند که یك مرض را در مرحله ابتدائی آن‌به وضاحت نشان میدهد. با آن هم مرکز تفکر انسان قابلیت دیگر تحفظی و حیرت آور خویش را اظهار میدارد.

پدیده که توسط کاستکین دانشمند و دوکتور بر جسته اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی کشف گردید مساعدت بس ارزنده و قابل قدری برای‌دوکتوران به شمار میرود.

در ساحه طب و قایوی مودرن تشخیص بسا امراض یك یا دو روز قبل از بروز آن دارای‌اهمیت چشگمر و قابل تقدیر است. تحلیل وبررسی خواب ها امکان پیش گوئی و وقایع اختلالات وناتوانی های شدید عصبی را یك ماه قبل از بروز اشکار آنها فراهم میسازد. مطالعه و بررسی‌خواب ها نیز کمك بس مهم و ارزندهٔ برای دوکتوران در امر تشخیص امراض اورگانیکی مغز و بی نظمی های فکری خوانده شده است.

بقیه صفحه ۸

گردهم آیی

همه‌ی این‌تجارب از راه‌برنامه رادیو صدای مردم و هم چنین اندوخته های تجربی فعلی از راه پروگرام «دریچه زندگی» مرا به این اصل اعتقاد می بخشد که تا مردم خود در زمینه های زندگی اجتماعی احساس مسوولیت نکنند. تامقرره ها ونظام نامه هادر هر یك از موارد زندگی مدنی در عمل مورد پزیرش قرار نداشته باشد وتا هر فرد خود، خودش رادر رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی زندگی شهری مسوول نپندارد، هیچ دردی دوا نمیگردد و هیچ مشکلی راه حل نمییابد حتی اگر تمام ارگان هاو ادارات مسوول در این زمینه ها آنطور یکه اشاره شددر طرح ریزی واجرای برنامه های خدماتی حلقه زنجیری ارتباطی داشته باشند.

نکات فراوانی را میتوان شاهد آورد که مصداق این ادعا باشد. مثلادربخش تنظیفاتی شهر فقط کافی است هر همشهری ما خود را در حفظ رعایت پاکی و نظافت‌کوچه یی که‌در آن منزل دارد مسوول‌احساس کند و با قبول اندکی زحمت زباله های خانه اش را چندقدم دور تر در بیرل خاکروبه بریزاند وآنرا روی کوچه پخش نسازد.

به همین ترتیب در مورد نظم جاده و امور ترافیکی اگر پیاده‌رووارد سرك موتر رونگردد اگر راننده رهنمود های ترافیك رادر راندگی رعایت کند اگر موتر دار خود را موظف بداند که باید مقداری‌ازنظم جاده راباپابندی به مقرره هاخودبه‌عهده گیردجلوبی جا موترش راپارك نکند، از دست خودحرکت نماید، تیز-رانی نداشته باشد، علامات ترافیکی رامراعات کند، از چراغ سرخ نگذرد و امثال آن، مقدار فراوانی از دشواری هاراه حل مییابد واحتیاج به این همه جدل‌وگفت و شنود باقی نمیماند.

درمورد ترافیك مثال دیگری میدهم:

ساختمان متروی کابل به ایــن مقصدصورت گرفت‌که مشکل پیاده روهادراین محل‌پرتجمع شهر از میان برود اما، ما شاهدیم که برخی از همشهری های مابه جای عبور از مترو از روی نرده حایل سرك وپیاده روخیزبرمیدارند واز میان انبوه موترهای در حال حرکت از عرض سرك عبور میکنند، خوب مسوول‌این بی نظمی ها کسیست واگر در چنین شرایطی حادثه یی ترافیکی اتفاق افتاده چه کسی را باید گناهکار و مقصر پنداشت؟ ماعادت کرده ایم که همه نابه‌سامانی هارا و نارسایی هارا در زمینه های اجتماعی به شیوه وروش کار فلان اداره مسوول مرتبط بدانیم وخودرا از جریان دور نگهداریم، روحیه انتقاد پذیری نداشته باشیم و هیچ وقت به جای اینکه مرتب بگوییم‌دیگران اینطور بایدباشند از خود نپرسیم که ما چگونه باید باشیمو با چه شیوه یی در جامعه زندگی کنیم، این نقصی است که در همه ی ما کم و بیش هست و منجر به خیلی از نابسامانی ها در زمینه های زندگی اجتماعی میگردد.

لطفا دنباله این جدل رادر شماره آینده مطالعه کنید.

باگامهای استوار ...

۲ـافتتاح رو غتو ن عا جل ابن‌ـ سینا بظر فیت ۱۳۰ بستر درمر کز.

۳ـ تعد یل سرو یس سا ر ی ابن سینأ بحیث یك رو غتـــو ن انتا نی ابن سینأ بظر فیت ۱٤۰ بستر .

٤ـ تکمیل تعمیر ستو ما تو ـ لو ژ ی تجهیز و تد و یرا ن بظرـ فیت ٤۰ چو کی د ندا ن و مسا عد سا ختن زمینه ستا ژ برای‌محصلین طب د ندا ن و تر بیه یکتعدادنرس ها ی رشته مورد نیا ز .

٥ـ تزاید ۲٥ بستر در کلینیك صد ر ی ابن سینأ با ر تبا طتدویر شعبا ت احتثا میو کرد و روماتیزم قلبی .

٦ـ تزاید ۲۰ بستر در سرو یس جلد ی و زهر و ی میر منو رو ـ غتو ن .

۷ـتجهیز و تکمیل قوا ی بشری تأ سیس د سته از د سپلین ها ی مختلفه طب در مرکزی کتنخی.

۸ـ تعدیل سیستم فعا لیت‌های ریا ست پو لی کلینیك شهر ی مر کز ی کار گرا ن و کار مندا ن دو لت جهت عر ضه خد ما ت‌مجانی بمنظور پذ یر ش تعداد بیشتـــر نیا ز مندا ن سا یر ار گا ن هـای اجتما عی و مو سسا ت تو لیـدی وتدو یر مرا کز صحی در آمر یت سر ك ها و را ه سا ز ی در سیلوی مرکز ـ ریا ست میخا نیکی وزارت فوا ئد عا مه وامثا ل آ ن و تطبیق سیستم د یسپنسری در آ ن .

۹ـتأ سیس ریا ست صحت‌دماغی واحیا مجدد بمنظور وارسی‌معیوبین فز یکی رو حی و حوا سی و تکمیل امور تعمیرا تی ـ تجهیـز وبکا ر اندا ختن و ر کشا پ تخنیکی اور تو پید ی .

۱۰ـتهدا ب گذا ر ی با نکخو ن وپو لی کلینیك شهر ی مر کز یـ طی سا ل جاری در مر کزوتأسیس شعبا ت با نکخو ن در د ستـــه ا زولا یا ت کشور .

۱۱ـ تأ سیس ریا ست طب‌عدلی وگستر ش شعبه ا ن در و لا یت ننگر ها ر وطر ح و تر تیـــب وگذشتا ند ن قانو ن طـــب عد لی ا زمنابع قانو نی آ ن .

۱۲ـ تعد یل امور معا لجـو ی مر یضا ن تو بر کلو ز ومصا بین امرا ض عقلی و عصبی طور مجانی.

۱۳ـ نصب یکتعداد د ستگا ه‌های اکسر یز جد ید در مو سسات‌صحی مرکز وو لایا ت .

۱٤ـتدو یر کنفرا نس هـــا ی علمی . کو رسها ی تو جیهی در سا حه امور لا برا توا ر ی. وغیره

۱٥ـ جلب کمکها ی‌تخنیکی‌طبی‌ـ مواد سا ما ن ـ اد و یه در ساحات مختلفه طب معا لجو ی از طر یـق سا ز ما نهای ذ یعلا قه بین المللی و دو ل دو ست .

۱٦ـ تر بیه پر سو نل کتگوری ها ی مختلفه ـ د سپلین هــا ی مختلفه طبی و صحی مو رد نیا ز ومسا عد سا ختن زمینه بـــرا ی ستا ژ محصلین پو هنخی طـــب کا بل در رو غتو ن ها بکمك کفدرا های مر بو طه آ ن .

۱۷ـ تدو یر سرو یسها ی لابراـ توا ر ی جد ید در دسته از رو ـ غتو نها ی مختلفه کشور .

۱۸ـ و ارسی وقتأ فوقتاپیشرفت امور سا ختما نی رو غتو ن هـای هرا ت ننگر ها ر ـ پو لی کلینیك ها ی شهر ی مر کز و غیر ه و همچنا ن با ز دید از امور صحتـ عا مه د سته از ولا یا ت کشور و رهنما ئی ها ی لا زمه جهت خد ـ متگذاری بهتر و مو ثر برا ی مردـ مان ر نجدیده و شر یف کشـور ما ن .

۱۹ـ سهمگیر ی کار منـــدا ن ریا ست طب معا لجو ی درتاسیس کنگرهٔ کا رمندا ن طبـ انجمـن علمی دو کتو را ن و امثا ل آن .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مـان نیکرای

آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاوی واټ جوارریاست مطابع دولتی ـ کابل

تیلفون مدیر مسوول : ۲٦۸٤۹
تیلفون توزیع و شکایات ۲٦۸٥۹
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱
سوچبورد مطابع دولتی ۲٦۸٥۱

دولتی مطبعه

شنبه ۲۶ جدی ۱۳۶۰
۱۶ـ جنوری ۱۹۸۲
شماره ۴۲
سال ۳۳
قیمت یك شماره ـ۱۳ـ افغانی